

به نام خدا

## فصل اول

### کلیات

### اهداف

#### هدف کلی

آشنایی با برخی مفاهیم کلی و زیر بنایی حقوقی مرتبط با موضوع این کتاب و توانایی مقایسه شکلی و محتوایی قوانین اساسی کشورهای مختلف با یکدیگر.

۱- آشنایی با مفهوم حقوق، علم حقوق، قواعد حقوقی و ناشناخته های علم حقوق.

۲- آگاهی از تعریف قانون اساسی

۳- آشنایی با انواع قانون اساسی

۴- آگاهی از تاریخچه تدوین قانون اساسی در ایران

۵- دانستن چگونگی بازنگری آن در قانون اساسی.

برای فهم بهتر مطالب این کتاب، شایسته است ابتدا به اختصار با مفاهیم اساسی و زیربنایی این موضوع آشنا شویم. آشنایی با مفاهیمی مانند حقوق، علم حقوق قواعد حقوق ما را قادر خواهد ساخت تا ضمن شناخت اجمالی دانش واژه های علم حقوق، مباحث مربوط به قانون اساسی و سایر مسائل حقوقی را نیک تر دریابیم.

#### الف) تعریف حقوق

لفظ «حقوق» در معانی مختلفی به کار میرود که برخی از آنها بدین قرار است:

۱- جمع حق: حق در این مفهوم، «امتیازی است که به موجب قوانین یا دیگر منابع حقوق، مختصر حقوق اساسی و آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای اشخاص رسمیت شناخته میشود و دیگران مکلف به رعایت آن اند»؛ مانند حق مالکیت، حق زوجیت، حق مشارکت سیاسی و حق تابعیت. اصل نوزدهم قانون اساسی به همین معنا اشارت دارد: «همه مردم ایران از هر غم و قبيله که باشند، از حقوق مساوی برخوردارند.» کلمه حقوق در این مثال شامل همه حق هایی است قانون برای افراد در نظر گرفته است.

۲- مجموعه قواعدی که بر اشخاص حکومت می کند، از این نظر که در اجتماع اند؛

۳- علم حقوق: در این معنا، همواره کلمه حقوق به صورت جمع به کار می رود و صورت مفرد برای آن تصور نمی شود.

۴- مزد ماهیانه.

بنابراین از آنجا که لفظ حقوق در معانی متعددی به کار رفته، برگزیدن هر یک از معانی توجه قرنیه ها موقعیت سخن باشد.

## ب) تعریف علم حقوق

علم حقوق «رشته ای دانش اجتماعی» است [که به تجزیه و تحلیل مقررات الزام آور اجتماعی] یا قواعد حقوقی]، چگونگی پیدایش، وضع، تفسیر و استنباط و سیر تحول آنها می پردازد» به بیانی خالصه تر، علم حقوق علمی که در آن به بحث و بررسی درباره «قواعد حقوقی» پرداخت میشود. ترکیب هایی مانند دانشکده حقوق، حقوق اساسی، حقوق جزا و جرم شناسی، با در نظر گرفتن این معنا به کار میرود.

## ج) تعریف قاعده حقوقی

گفته شد که علم حقوق، علم بررسی قواعد حقوقی است. قاعده حقوقی، «حکم کلی الزام آوری که به منظور ایجاد نظم و استقرار عدالت، بر زندگی اجتماعی انسان حکومت می کند و اجرای آن از طرف دولت تضمین می شود.» برابر این تعریف، قاعده حقوقی دارای این ویژگی ها است:

۱- الزام آور است؛ یعنی همه کسانی که مشمول آن قرار می گیرند، باید آن را به اجرا درآورد.

۲- دارای وصف اجتماعی است و برای استقرار نظم و عدالت در جامعه ایجاد می شود؛

۳- اجرای قاعده حقوقی از سوی دولت تضمین می شود؛

۴- کلی است؛ یعنی با یک بار اجرا، منتفی نشده و از بین می رود. به بیان دیگر، هرگاه مصداقی برای آن یافت شود، به مرحله اجرا در می آید.

## د) شناخته های علم حقوق

در علم حقوق، قواعد حقوقی با توجه به ویژگی ها، موارد کاربرد و دامنه مشمول آن، به مجموعه هایی دسته بندی می شود. برای نمونه در یک تقسیم بندی، قواعد حقوقی بر اساس پدیده مرز میان کشورها، به قواعد حقوقی داخلی و خارجی یا بین المللی تقسیم شده است. نیز در دسته بندی دیگری، قواعد حقوقی به قواعد حقوق خصوصی و عمومی بخش بندی می گردد. حقوق خصوصی عبارت است از «مجموعه قواعد حاکم روابط افراد با یکدیگر» حقوق مدنی، حقوق تجارت، حقوق خانواده حقوق دریایی و هوایی نیز مهمترین گرایش های حقوق خصوصی به شمار می روند. حقوق خصوصی خود به دو بخش داخلی و بین المللی تقسیم می شود.

حقوق عمومی نیز بدین معناست؛ «مجموعه قواعد حاکم بر تشکیلات دولت و روابط آنها با یکدیگر و روابط سازمانهای دولتی یا وابسته به دولت، با مردم است؛ تا جایی که این سازمانها در مقام اعمال حق حاکمیت و اجرای اقتدار عمومی هستند.» حقوق اساسی، حقوق اداری، حقوق کار و حقوق جزا، مهمترین مباحث زیر مجموعه این شاخه حقوقی است. حقوق عمومی نیز به دو بخش داخلی و بین المللی تقسیم می گردد.

در میان مباحث حقوق عمومی داخلی، «حقوق اساسی» اهمیت بیشتری دارد؛ آنگونه که به گفته

حقوقدانان «حقوق اساسی» پایه و مبنای حقوق عمومی است «در حقوق اساسی، ساختمان

حقوقی دولت، رابطه سازمان های آن با یکدیگر، شکل حکومت و قوای سازنده آن (مقننه مجریه و )، حدود اختیارات این قوا، شرکت افراد در ایجاد قوای سه گانه و نیز حقوق و آزادیهای آنان در مقابل دولت، مورد گفتگو قرار میگیرد. مهمترین منبع حقوق اساسی هر کشور، قانون اساسی است.

عرف زمامداران، رویه قضایی، دکترین و آیین نامه مجلس شورای اسلامی، پاره ای از منابع حقوق

اساسی در ایران است.

ه) تعریف قانون اساسی

چنان که گذشت قانون اساسی مهمترین منبع حقوق اساسی به شمار می آید ضمن آنکه این قانون در راس همه قوانین دیگر نیز قرار دارد قانون اساسی دارای دو مفهوم عام و خاص است قانون اساسی در معنای عام همان قواعد اساسی است یا به سخنی دیگر به تمامی قواعد و مقرراتی گفته می شود مربوط به قدرت انتقال و اجرای آن است از این رو موازین و اصول حاکم بر روابط سیاسی افراد در ارتباط با دولت و نهادهای سیاسی کشور و طرز تنظیم آنها و همچنین سرشکن شدن قدرت در میان فرمانروایان و فرمانبران از جمله قواعد اساسی به شمار می رود در این تعریف جنبه مادی یا محتوایی مورد نظر است بر این اساس ممکن است قاعده ای خارج از متن قانون اساسی نیز جنبه اساسی داشته باشد بدین ترتیب قواعد مربوط به اداره مجلس خبرگان شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی که در آیین نامه داخلی آنها پیش بینی شده در شماره قواعد اساسی است.

اما قانون اساسی به مفهوم خاص آن که در این کتاب بدان می پردازیم بدین بیان است یک سلسله اصول و قواعد مدون و مکتبی که زیر لوای یک متن رسمی و تشریفاتی به وسیله مقامات صلاحیت دار به تصویب رسیده باشد و بر افراد و تشکیلات سیاسی و متصدیان امور و همچنین بر قوانین عادی به عنوان قانون برتر حکم براند در این تعریف مفهوم شکلی و رسمی قانون اساسی مورد نظر است از همین رو تمامی اصول و موادی که در متن قانون اساسی کشور آمده قانون اساسی نامیده می شود اعم از آنکه جنبه اساسی داشته یا نداشته باشد به بیان دیگر همه آنچه را که در متن قانون اساسی گنجانده میشود نمیتوان قاعده اساسی پنداشت هرچند از آن رو که در این قانون گرد آمده قانون اساسی دانسته می شود این موارد در حقیقت جنبه عادی دارد که به دلیل اهمیت آن در این قانون ذکر شده است تعیین زبان و خط رسمی مبدا تاریخ رسمی کشور و تعیین رنگ و شکل پرچم کشور مواردی است از این دست.

برابر تعریف یاد شده قانون اساسی از ویژگی هایی چند برخوردار است؛

- ۱- اغلب در قالب یک متن مدون و مرتب رسمی و تشریفاتی است؛
- ۲- باید به وسیله مقامات و مراجع صلاحیت دار به تصویب برسد؛
- ۳- بر همه تشکیلات سیاسی و نهادهای حکومتی و مقامات کشور حاکم است؛
- ۴- از سایر قوانین و مقررات برتر است آنگونه که هیچ قانونی نباید با آن در تنافی باشد؛
- ۵- هرچه در قانون اساسی است قاعده حقوقی نیست و همه قواعد حقوقی اساسی نیز در قانون اساسی یافت نمی شود به سخنی دیگر در قوانین و مقررات دیگر و عرف و عادت زمامداری نیز قواعد حقوق اساسی وجود دارد.

در نظام حقوقی ایران قانون مدون مهمترین منبع قواعد حقوقی شمرده می شود از این رو در راس هرم سلسله مراتب قوانین و مقررات قانون اساسی قرار دارد البته سلسله مراتب قوانین در ایران با سایر کشورها از این جهت تفاوت دارد که در کشور اسلامی ما هیچ یک از این قوانین و مقررات نباید با شرع مقدس اسلام مغایرت داشته باشند به دیگر بیان در راس این هرم احکام و موازین شرعی جای دارد.

و) فلسفه تدوین قانون اساسی

بارزترین دلیل وضع قانون اساسی مهار قدرت سیاسی و محدود کردن اختیارات زمامداران است تا پیش از نهضت تدوین قانون اساسی در جهان در طول قرون هفدهم و هجدهم رژیم عرفی بر روی

کشور ها حاکم بود و حاکمان بر اساس قواعد عرفی که نوعاً نامشخص بود و در معرض تغییر و تحول قرار داشت بر کشور و مردم حکم می راندند این روش جز آن که موجب سو استفاده حاکمان از قدرت میشد و از ضمانت اجرای کافی نیز برخوردار نبود زمینه هرج و مرج در کشور را نیز فراهم می آورد افزون بر این بر پایه قانون اساسی نوشته شده است اصول دموکراسی نیز بهتر تضمین می شود خصیصه انتظام بخشی به امور حاکمیت و ساماندهی مطلوبتر روابط بین نهادهای حکومتی) مانند قوای سه گانه) و تنظیم روابط آنها با مردم و تضمین حقوق ایشان نیز از دیگر فلسفه های گرایش به سوی قانون اساسی مدون است.

در دین اسلام همه این موارد می تواند به عنوان فلسفه وضع قانون) اعم از قانون اساسی و قانون عادی) مطرح گردد بر همین اساس در سیره حکومتی پیامبر اسلام و امام علی علیه السلام می خوانیم که این دو بزرگوار در اداره امور مربوط به حکومت در سرزمین اسلامی همواره بر رعایت قانون نظم و ایفای حقوق مردم تاکید می ورزیدند نامه امیرالمومنین خطاب به مالک اشتر که حتی در مقایسه با قوانین اساسی امروزی قانون اساسی پیشرفتهای است شاهدهی بر ضرورت قانونمندی کشور حدود اختیارات رهبر جامعه و قوای حاکم بر کشور و حقوق متقابل مردم و مسئولان است این همه برای دستیابی انسان ها به سعادت دنیوی و اخروی است که با وجود جامعه ای نظام مند و قانون مدار و حکومتی عدالت گستر تحقق خواهد یافت.

مطالعه دستورهای حکومتی بزرگان دین به خوبی آشکار می سازد پیش از آنکه جوامع غربی از حدود دو قرن پیش به فکر تدوین قانون اساسی افتند این بزرگواران شاخص های اساسی حکمرانی مطلوب حقوق اساسی مردم و چگونگی روابط متقابل دولت و مردم را به نیکی ترسیم کرده اند از همین رو بسیار به جاست که نامه امام علی به مالک اشتر را نخستین قانون اساسی جامع تاریخ بشری بنامیم.

ز) انواع قانون اساسی

قانون اساسی از جهت های گوناگون دسته بندی شده که به مهمترین آنها می پردازیم:  
یک. داشتن متن

قانون اساسی از این نظر به دو گونه تقسیم میشود؛ قانون اساسی «مدون» یا نوشته و قانون اساسی «غیر مدون» یا عرفی قانون اساسی مدون آن است قواعد اساسی در یک قالب یک متن مدون و منسجم پس از تصویب و تنظیم برای اجرا ابلاغ می شود اما قانون اساسی غیر مدون قواعدی اساسی است که در متن مدون واحدی گرد نیامده بلکه در البالی قوانین عادی عرف و آداب و رسوم پراکنده است ویژگی کلی این نوع دقیق و مسجل نبودن قواعد آن و در نتیجه امکان سواستفاده یا عدم ضمانت اجرای آن است به جز کشور انگلستان که قانون اساسی آن جز دسته دوم است قوانین اساسی سایر کشورها از نوع نخست است.

دو. ارزش اصول و امکان تجدید نظر

از این حیث که چه اصولی از یک قانون اساسی مورد تجدید نظر قرار می گیرد قوانین اساسی به دو دسته «یک دست» و «مختلط» تقسیم می شود. قانون اساسی یکدست قانونی است که همه مقررات مندرج در آن از جهت تشریفات بازنگاری دارای ارزش یکسان باشد بیشتر قوانین اساسی مدون این گونه اند.

در مقابل قوانین اساسی مختلط دو گونه اصول یا مواد را دربر میگیرد؛ اصولی که بازنگاری در آن

ها تشریفات خاصی را می‌طلبد و نیز قواعدی که بدون نیاز به آیین خاصی «مانند قوانین عادی» از سوی پارلمان یا هر مرجع صلاحیتدار دیگری قابل تجدید نظر است قوانین اساسی هند آفریقای جنوبی و لبنان از این دسته اند.

قانون اساسی مختلط مفهوم دیگری نیز دارد و آن اینکه برخی اصول قانون اساسی از جهت امکان تجدید نظر در آن قابل بازنگری اند (شعر) چه مستلزم طی تشریفات خاصی باشند یا نباشند (اما برخی دیگر این گونه نیستند قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اینگونه است اصل یکصد و هفتاد و هفتم که در مورد چگونگی بازنگری در قانون اساسی است موارد تغییر ناپذیر را اینگونه برشمرده است: محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتدای کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و پایه های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و نیز اداره امور کشور با اتکا به آرا عمومی و دین و مذهب رسمی ایران تغییر ناپذیر است.

سه. تشریفات تجدید نظر

از جهت سهولت و پیچیدگی مراحل و امکان تجدید نظر در قانون اساسی با دو نوع قانون روبه روییم: «نرم» یا «انعطاف پذیر» مینامند قواعد حقوق اساسی انگلیس که در ضمن قوانین عادی مندرج اند از این قبیل است.

در برابر قانون اساسی «سخت» یا «انعطاف پذیر» به قانونی گفته میشود که تجدید نظر در آن تابع تشریفات خاص و نوعا پیچیده‌های است قوانین اساسی بیشتر کشورها از جمله ایران بدین گونه است در ادامه همین فصل در مورد فرایند بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مطلبی را باز خواهیم گفت.

چهار. چگونگی شکل گیری

از این نظر که قانون اساسی چگونه شکل گرفته و به مرحله اجرا درآمده انواع دیگری از این قانون به وجود آمده است:

۱- قانون اساسی اعطایی یا اقتداری: برخی قوانین اساسی از سوی حاکم جامعه و برحسب اختیارات شخصی خود بی آنکه کسی در آن نقش داشته باشد تهیه و به رعایا اعطا گردیده است بسیاری از دیکتاتورهای قرون نوزدهم و بیستم این گونه عمل کردند.

۲- قانون اساسی نیمه اقتداری: زمامدار جامعه با همکاری یک یا دو مجلس قانون اساسی را تهیه کرده به مسئولان و مردم ابلاغ می نماید قانون اساسی مشروطه در ایران که از سوی مجلس شورای ملی تهیه و تدوین شد و مظفرالدین شاه نیز آن را امضا و ابلاغ نمود از این نوع است.

۳- قانون اساسی مردم سالار: پس از آنکه متن قانون از سوی پارلمان یا مجلس خاص تدوین قانون اساسی آماده شد از طریق رفراندوم یا مراجعه به آرا عمومی به رای گذارده میشود تا مردم تایید

کننده نهایی آن باشند در حکومت های دموکراتیک امروزی همچون نظام جمهوری اسلامی ایران این نوع قانون اساسی حاکم است البته در نظام جمهوری اسلامی عالوه بر رای مردم تایید ولی فقیه را نیز لازم دارد تا مشروعیت یابد.

پنج. ارزشی و دینی

در برخی از قانون اساسی بر ارزش های دینی مذهبی و فرهنگی تاکید شده و از همین رو به عنوان قواعد اساسی مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است قوانین اساسی کشورهای اسلامی نوعاً از این نوع قانون اند. در این خصوص قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برجستگی خاصی دارد همانگونه که در فصول بعدی بدان خواهیم پرداخت در قانون اساسی کشور ایران نه تنها دین اسلام و مذهب شیعه اثنی عشری به رسمیت شناخته شده و ابتنای کلیه قوانین و مقررات بر موازین شرع مقدس اسلام پذیرفته شده بلکه بر امور فرهنگی و ارزشی دیگری مانند شورا امر به معروف و نهی از منکر نیز تاکید رفته است.

در مقابل برخی از قوانین اساسی و یا حتی دین و مذهب خاصی به رسمیت شناخته نشده است (مانند بیشتر قوانین اساسی کشورهای غیر اسلامی) یا آنکه به طور رسمی بر عدم به رسمیت دین یا دین داری مردم تاکید شده است.) همچون قانون اساسی ترکیه)

ح. ویژگیهای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران  
بر اساس آنچه در مورد انواع قانون اساسی و ویژگی های آن گفته شد خالصه وار میتوان ویژگی های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را -که بیانگر نوع آن است- چنین برشمرد:  
این قانون قانونی است مدون مختلط سخت یا انعطاف پذیر مردم سالاری دینی -ارزشی.  
ط. تاریخچه تدوین قانون اساسی در ایران

کشور ایران در طول تاریخ سیاسی خود تاکنون قانون اساسی داشته است که به آنها می پردازیم.  
یک. قانون اساسی مشروطه

تصویب نخستین قانون اساسی در کشور ایران به سال ۱۳۲۴ق/۱۲۸۵ش باز می گردد این سال نیز همانند سال ۱۳۵۷ نقطه عطفی در تاریخ ایران سرزمین به شمار می آید دوران طولانی خودکامگی سلطنتی با قیام مردم آزادیخواه ایران به رهبری روحانیت به سر آمد و نظام سلطنت مشروطه به جای نظام سلطنتی مطلق نشست در این نظام به جای آنکه دستور و سخن شاه در همه امور لازم الاجرا باشد اختیارات پادشاه محدود شد و به طور نسبی قانون بر امور کشور حاکم گردید.

جنبش قانون گرایی و دموکراسی زاینده بیدارگری مرجعیت و روحانیت شیعه و در قالب جنبش عدالت خانه بود که اندیشههای تحصیلکردگان غرب سمت و سوی خاصی به آن داد البته موج گرایش به قانون اساسی در مغرب زمین نیز بی تاثیر نبود موجی که به تدریج کشورهای زیادی را فرا گرفت این حرکت جدید و سیاسی پس از حدود یک قرن از دیوار پولادین نظام پادشاهی و دیکتاتوری ایران میز گذر کرد و مردم را به تالش برای اجرای این ارمان مطلوب دعوت نمود.

نهضت مشروطه خواهی یا قانون گرایی پس از قتل ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۱۳ق) اوج گرفت و با فداکاری و ایثار مردم آزادیخواه ایران مقدمات یک دگرگونی بزرگ سیاسی را در کشور فراهم کرد سرانجام با گذشت بیش از ۱۰ سال در پی تحسن اعتراض آمیز روحانیون در حرم عبدالعظیم حسنی ری و تحسن عده ای در سفارت انگلیس مظفرالدین شاه قاجار زیر فشار افکار عمومی و پایان دادن به شورش های مردمی در شانزدهم جمادی الثانی ۱۳۲۴ فرمان مشروطیت را صادر کرد فرمانی که طی آن مقرر شد « مجلس شورای ملی « مرکب از نمایندگان منتخب مردم تشکیل شود بدین ترتیب برای اولین بار اراده ملت بر استبداد کهن پادشاهی مطلق پیروز گردید.

در ماه شعبان همان سال مجلس دوره اول مشروطیت با رای مردم برپا گردید و در چهاردهم ذی قعدة اولین قانون اساسی مشروطیت به تصویب مجلس رسید مجلسی که در این زمان نقشه مجلس موسسان رانیز ایفا میکرد این قانون که ۵۱ اصل را در برمی گرفت به تشکیل مجلس و حقوق و وظایف

نمایندگان اختصاص داشت از این رو به دلیل نبود سایر اصول مورد نظر مشروطه خواهان یعنی اصول مربوط به محدودیت سلطنت و آزادی های مردم ناکافی خوانده شد بنابراین پس از بررسیهای زیاد در تاریخ ۲۸ ذی حجه ۱۳۲۴ مقرر شد هیئتی به نمایندگان از سوی مجلس شورای ملی کار تدوین متمم قانون اساسی را بر عهده بگیرد.

این هیئت متمم قانون اساسی را تنظیم و برای تصویب به مجلس تقدیم داشت مجلس زیر فشارها و آشوب های حاکم بر کشور و با وجود کارشکنی های محمدعلی شاه سرانجام پس از بحث و بررسی و اعمال اصلاحات الزم این متمم را در ۱۰۷ اصل تصویب کرد سپس در تاریخ ۲۹ شعبان ۱۳۲۷ شاه که زیر فشار انقلابیون و مشروطه خواهان و افکار عمومی قرار داشت ناگزیر آن را مورد تایید قرار داد بدین ترتیب کشور ایران برای نخستین بار دارای قانون اساسی جامعی در ۱۵۸ اصل شد این قانون که تا زمان انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ و روی کار آمدن جدید بر کشور حاکم بود بارها مورد اصلاحات جزئی و اساسی قرار گرفت.

در نگاهی کلی در این قانون قوای سه گانه مقننه و اجرائیه به عنوان قوای ناشی از ملت نهادینه گردید و نظام دو مجلسی (شامل مجلس شورای ملی و سنا) با وظایف مشخص به رسمیت شناخته شد همچنین تاسیس انجمنهای ایالتی و ولایتی از دیگر تشکیلاتی بود که در این قانون برای تصمیم گیری در مورد امور محلی پیش بینی شده بود این قانون وظایف مهمی از قبیل نصب و عزل وزرا اعطای درجات نظامی روسای دوایر دولتی فرمان اجرای قوانین فرماندهی کل قشون و اعلان جنگ و صلح را بر عهده شاه گذارده بود و از سوی او را از هر گونه مسئولیتی نیز مبرا نموده وی را در مقابل کسی پاسخگو نمی دانست.

دو. قانون اساسی جمهوری اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ماه سال ۱۳۵۷ دو دستاورد مهم و اساسی نصیب ملت ایران شد یکی استقرار نظام جمهوری اسلامی و دیگری قانون اساسی دین محور و مردم سالار دو دستاورد پیش از هر چیزی برای ایران اسلامی نظام والایی را به ارمغان آورد پس از آن ایران در جهان سیاست جایگاه ویژه یافت و به عنوان سرمشق ای برای کشور های آزادی خواه و کشورهای مسلمان مطرح شد.

پس از پیروزی انقلاب مردم مسلمان ایران در همه پرسسی یازدهم و دوازدهم فروردین ماه ۱۳۵۸ با اکثریت ۹۸/۲٪ به استقرار نظام جمهوری اسلامی رای مثبت دادند و بدین ترتیب نوع رژیم سیاسی حاکم با رای مردم تعیین شد سپس تدوین قانون اساسی جدید بر اساس مبانی دینی و متناسب با مقتضیات جمهوری اسلامی ضروری می نمود گام نخست در این راستا تهیه پیش نویس قانون اساسی بود امام خمینی بر آن بود که باید پیش نویس این قانون از سوی حقوقدانان تهیه گردد و پس از نظرخواهی از علمای قم و سایر شهرها برای مردم عمومی گذارده شود دیدگاه های دیگری نیز درباره سیر تدوین و تصویب قانون اساسی وجود داشت امام پیش از آن در پاریس مسئولیت تدوین پیش نویس قانون اساسی رابطه یکی از حقوقدانان واگذار کرده بود وی نیز با مشارکت یکی از حقوقدانان کشور با بهره گیری از قوانین اساسی چند کشور دیگر مانند الجزایر فرانسه و شوروی و با توجه به مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر در مدت یک ماه پیش نویس قانون اساسی را تهیه کرد و در اسفند ماه ۱۳۵۷ در اختیار امام قرار داد امام نیز این متن را برای اظهار نظر علمای قم و سایر شهرستانها ارسال کرد.

دومین گام برای این منظور تشکیل مجلس موسسان یا (خبرگان موسس) بود مجلسی که بنیانگذار انقلاب اسلامی بارها بر تشکیل آن تاکید کرده و آن را به مردم وعده داده بود یکی از وظایفی که امام برای اولین نخست وزیر انقلاب (مهدی بازرگان) تعیین نمود تشکیل همین مجلس بود پس از تمهیدات

الزم سرانجام مردم در تاریخ ۱۳۵۸/۵/۱۲ در یک انتخابات سراسری شرکت کردند و ۷۲ نفر از اعضای این مجلس را برگزیدند بانوان و آقایان متخصص در زمینه های مختلف به ویژه اسالم شناسان حقوقدانان با گرایشهای گوناگون در مجلس خبرگان موسس قانون اساسی عضویت داشتند و آزادانه در مورد اصول پیشنهادی آن اظهار نظر می کردند و رای می دادند.

سرانجام پس از حدود سه ماه کار مداوم مجلس موسسان در تاریخ ۱۳۵۸/۸/۳۴ تدوین و تصویب متن تنهایی قانون اساسی در ۱۲ فصل و ۱۷۵ اصل پایان یافت و به امضای اعضای آن مجلس رسید و در تاریخ ۱۳۵۸/۹/۴ نیز در شهر قم تقدیم امام شد این به دستور امام در روزهای یازدهم و دوازدهم آذر ماه ۱۳۵۸ به همه پرسى گذارده شد و با مخالفت ها و تحریم های مخالفان نظام اسلامی با بیش از ۱۶ میلیون رای به تصویب اکثریت قاطع ملت ایران رسید و سپس به توضیح رهبر انقلاب آراسته شد.

۲- بازنگری قانون اساسی (سال ۱۳۶۸)

پس از گذشت ۱۰ سال از تصویب اولین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بنا به ضرورت هایی امام خمینی در تاریخ ۱۳۶۸/۲/۴ (روز قبل از رحلت شان) طی نامه ای به رئیس جمهور وقت (آیت هلا خامنه ای) دستور تشکیل شورای بازنگری قانون اساسی را صادر فرمود در این نامه آمده است:

از آنجا که پس از کسب ۱۰ سال تجربه عینی و عملی از اداره کشور اکثر مسئولین و دست اندرکاران و کارشناسان نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران بر این عقیده اند که قانون اساسی با اینکه دارای نقاط قوت بسیار خوب و جاودانه است دارای نقایص و اشکالات است که در تدوین و تصویب آن به علت جو ملتهب ابتدای پیروزی انقلاب و عدم شناخت تحقیق معضلات اجرایی جامعه کمتر به آن توجه شده است ولی خوشبختانه مسئله تنمیم قانون اساسی پس از یکی ۲ سال نیز مورد بحث محافل گوناگون بوده است ارفع نقایص آن یک ضرورت اجتناب ناپذیر جامعه اسلامی و انقلابی ماست و چه بسا تأخیر در آن موجب بروز آفات و عواقب تلخی برای کشور و انقلاب گردد من نیز بنا بر احساس تکلیف شرعی و ملی خود از مدت ها قبل در فکر حل آن بودم که جنگ و مسائل دیگر مانع از انجام آن می گردید اکنون که به یاری خداوند بزرگ و دعای خیر حضرت بقیه الله-روحی له الفداء- نظام اسلامی ایران را راه سازندگی و رشد و تعالی همه جانبه خود را در پیش گرفته است هیئتی را برای رسیدگی به این امر مهم ترین نمودم که پس از بررسی و تدوین و تصویب موارد و اصولی که ذکر می شود تایید آن را به آرا عمومی مردم شریف عزیز ایران بگذارند.

امام خمینی در این نامه محورهای زیر را برای بازنگری پیشنهاد و حداکثر ۲ ماه برای این کار تعیین نمودند:

۱- رهبری؛ ۲- تمرکز در مدیریت قوه مجریه ۳- تمرکز در مدیریت قوه قضاییه ۴- تمرکز در مدیریت صدا و سیما به صورتی که قوای سه گانه در آن نظارت داشته باشند ۵- تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۶- مجمع تشخیص مصلحت برای حل معضلات نظام و مشورت رهبری به صورتی که قدرتی در ارز قوای دیگر نباشد ۷- راه بازنگری به قانون اساسی ۸- تغییر نام مجلس شورای ملی به مجلس شورای اسلامی.

در تاریخ ۱۳۶۸/۴/۲۵ رئیس شورای بازنگری در نامه های به مقام معظم رهبری (آیت هلا خامنه ای) موارد اصلاحی را به استحضار ایشان رساند تا وی آنرا تایید و فرمان همه پرسى را صادر نماید. با تایید و دستور رهبر معظم انقلاب سرانجام در مورخ ۱۳۶۸/۵/۶ این قانون در معرض رای ملت گذارده شد و با اکثریت آرا ملت به تصویب رسید.



شورای بازرنگری طی ۴۱ جلسه در مورد محورهای یاد شده تصمیماتی چند را اتخاذ کرد؛

۱- حذف رهبری شورای (اصلاح اصل ۱۰۷ سابق)؛

۲- حذف پست نخست وزیری (اصلاح اصل ۱۲۴ سابق و سایر اصول مرتبط)

۳- حذف شورای عالی قضایی و ایجاد پست ریاست قوه قضاییه (اصلاح اصل ۱۵۶ سابق)؛

۴- انتخاب رئیس صدا و سیما توسط رهبر و تشکیل شورای نظارت بر این سازمان مرکب از

نمایندگان قوای سه گانه (اصلاح اصل ۱۷۵ سابق)

۵- پیش بینی افزایش تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی در صورت لزوم در هر ده سال بیست

(سال) اصلاح اصل ۶۴ سابق)

۶- نهادینه سازی مجمع تشخیص مصلحت نظام (افزودن اصل ۱۱۲ به قانون اساسی)

۷- پیش بینی فرایند بازرنگری در قانون اساسی (افزودن اصل ۱۷۷ به قانون اساسی)

۸- تغییر نام مجلس شورای ملی به مجلس شورای اسلامی (در اصول متعدد قانون اساسی)

قانون اساسی جدید دارای مقدمه ۱۴ فصل و ۱۷۷ اصل است این قانون از این رو قانونی شایسته

است که از یک سو دربردارنده اصول مربوط به زمامداری و شیوه حکومت است از سوی دیگر

اصول و مبانی فرهنگی و ارزشی دینی و اجتماعی در آن مورد توجه قرار گرفته از جهت دیگر

اصول حقوق بشر و حقوق اساسی مردم در آن مندرج است

ح) نقش و جایگاه مردم در قانون اساسی و نظام جمهوری اسلامی

یک. نقش انتخاب کنندگی

همچنان که در بحث مربوط به جمهوریت نظام اشاره خواهد شد با مراجعه به اصول قانون اساسی به

خوبی روشن می شود که در نظام جمهوری اسلامی ایران همه مقامات و مسئولان نظام به طور

مستقیم یا غیر مستقیم از سوی مردم برگزیده می شوند این نقش در نمودار زیر تبیین شده است با این

توضیح که عالمت ← نشان از انتخاب مستقیم مردم و عالمت ← نشان انتخاب غیر مستقیم آنان

است در زمان خاطرنشان می سازیم که در این نمودار بر تبیین نحوه انتخاب مقامات سیاسی ارشد

نظام و مقامات محلی تاکید شده است.

دونقش تاسیس

اولین نظام جمهوری اسلامی ایران نظامی است که ابتدا بر مبنای احکام و موازین اسلامی و

پایه های مشروعیت بخش حکومت اسلامی و در مرحله بعد برخاست اداره و رای مردم بنا

نهاد شده است بی تردید اگر حضور یکپارچه و شورانگیز مردم در صحنه های حماسی انقلاب

و جنگ تحمیلی و مراحل پس از آن نبود پدیداری استقرار و پایداری چنین انقلابی دور از

ذهن بلکه ناممکن بود تاکید بر نقش موثر مردم در شکوفایی و به ثمر نشستن انقلاب اسلامی

ایران و استمرار و بقای آن در سراسر مقدمه قانون اساسی و اصل اول این قانون مشاهده می

شود در فرازی از مقدمه قانون اساسی- که مفاد آن در اصل اول نیز تکرار شده -می خوانیم:

ملت ایران به طور یکپارچه و با شرکت مراجع تقلید و علمای اسلام و مقام رهبری در همه

پرسی جمهوری اسلامی تصمیم نهایی و قاطع خود را بر ایجاد نظام نوین جمهوری اسلامی

اعالم کرد و با اکثریت ۹۸/۲٪ به نظام جمهوری اسلامی رای مثبت داد.

در این بنیاد رکن اساسی تشکیل و تاسیس نظام نوین جمهوری اسلامی در کشور ایران حضور

مردم در صحنه و رای مثبت و یکپارچه آنها به این نظام بود.

## سه. نقش تصمیم‌گیری

افسون بر نقش بنیادین مردم در تاسیس و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران) موضوع اصل اول قانون اساسی اختیار و نقش تصمیم‌گیری و تصویب‌کنندگی میر در دو اصل برای مردم به رسمیت شناخته شده:

یک اصل پنجاه و نهم در مورد امکان قانونگذاری عادی و مستقیم توسط مردم: دو. اصل یکصد و هفتاد و هفتم در خصوص مراجعه به آرا عمومی و همه‌پرسی در صورت بازنگری در قانون اساسی.

## چهار. نقش نظارتی

یکی از مبانی اساسی نظام اسلامی اصل نظارت متقابل دولت و مردم بر یکدیگر و پاسخگر بودن هر یک در برابر دیگری است مطابق این است از یک سو همه آحاد مردم بر دولت مردان و اقدامات آنها نظارت دارند تا تضمینی باشد برای حسن اجرای وظایف ایشان و سوی دیگر نیز زمامداران باید بر اعمال و رفتار مردم نظارت داشته باشند تا تضمینی باشد برای رعایت مقررات اجتماعی از سوی مردم الزمه دیگر نظارت همگانی بر دولت پاسخگو بودن دولت در برابر مردم است در نظام اسلامی تصدی مقامات دولتی ابزاری برای خدمتگزاری به مردم و جامعه اسلامی شمرده می‌شود و آن که وسیله‌ای باشد برای دستیابی به مال و مقام دنیوی مقتضای این بینش مسئولیت و پاسخگویی در برابر مردم است.

در اصل هشتم قانون اساسی اصل نظارت همگانی یا امر به معروف و نهی از منکر به خوبی تبلور یافته است این اصل که بیشتر از آن سخن گفته ایم از امتیازات قانون اساسی و نظام جمهوری اسلامی ایران است بدیهی است الزمه عقلی این اصل پاسخگو بودن مردم و دولت در مقابل یکدیگر نیز خواهد بود افزون بر اصل مزبور در چند اصل دیگر نیز بر مسئولیت مقامات حکومتی در مقابل مردم تصریح شده است مانند اصل هشتاد و چهارم در مورد مسئولیت نماینده مجلس در برابر ملت اصل یکصد و بیست و دوم درباره مسئولیت رئیس‌جمهور در مقابل ملت رهبر و مجلس بدیهی است به سایر مقامات نیز در مقابل نمایندگان ملت پاسخ گویند به بیان دیگر مردم بر این مقامات به شکلی غیر مستقیم نظارت دارند.

## گزیده مطالب

۱. لفظ حقوق به معانی و مفاهیم مختلفی به کار می‌رود مانند جمع حق مجموعه قواعد حاکم بر روابط اشخاص مفرد ماهانه و علم حقوق.

۲. علم حقوق رشته‌ای از دانش اجتماعی است تجزیه و تحلیل مقررات الزام آور اجتماعی یا قواعد حقوقی و چگونگی پیدایش وضع تفسیر و استنباط و سیر تحول آنها می‌پردازد.

۳. قاعده حقوقی حکم کلی الزام‌آوری است که به منظور ایجاد نظم و استقرار عدالت بر زندگی اجتماعی انسان حکومت می‌کند و اجرای آن را از طرف دولت تضمین می‌شود.

۴. مهمترین شاخه‌های علم حقوق دو چیز است: حقوق خصوصی به معنای مجموعه روابط افراد با یکدیگر و حقوق عمومی به معنای مجموعه قواعد حاکم بر روابطی که دست کم در یک سوی آن دولت قرار گرفته باشد از مهمترین مباحث حقوق عمومی حقوق اساسی است.

۵. مهمترین منبع حقوق اساسی قانون اساسی است که در معنای عام عبارت است از قواعد اساسی یا قواعد و مقرراتی که مربوط به قدرت انتقال و اجرای آن است از اینرو موازین و اصول حاکم در روابط سیاسی افراد در ارتباط با دولت و نهادهای سیاسی کشور از سویی نوع تنظیم آنها و همچنین

نحوه سرشکن شدن قدرت در میان فرمانروایان و فرمانبران از جمله قواعد اساسی به شمار می رود  
قانون اساسی در معنای خاص یک سلسله اصول و قواعد مدون و مرتبی  
است که زیر لوای یک متن رسمی و تشریفاتی به دست مقامات صلاحیت دار به تصویب  
رسیده و بر افراد و تشکیلات سیاسی و متصدیان امور و همچنین بر قوانین عادی - به عنوان  
قانون برتر - حکم می راند.

۶. قوانین اساسی از جهات گوناگون دسته بندی میشود از حیث داشتن متن (مدون و غیر  
مدون) از لحاظ ارزش اصول و امکان تجدید نظر در آن (یک دست و مختلط) از نظر تشریفات تجدید  
نظر (نرم و سخت) از جهت نحوه شکل گیری) اعطایی نیمه عطایی و  
مردمسالر (وز لحاظ ارزشی و دینی) قوانین اساسی و دینی و دین گریز)  
۷. با توجه به انواع قوانین اساسی موجود قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یک قانون  
مدون مختلط سخت مردم سالر و دینی است.

۸. کشور ایران تاکنون دو قانون اساسی را به خود دیده است قانون اساسی مشروطه (مصوب  
سال ۱۲۸۵) و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (مصوب سال ۱۳۵۸)

۹. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۸ به فرمان امام خمینی مورد بازنگری  
قرار گرفت نتیجه کار شورای بازنگری عالی قضایی و ایجاد پست ریاست قوه قضاییه انتخاب  
رئیس صدا و سیما توسط رهبر تشکیل شورای نظارت بر این سازمان مرکب از نمایندگان  
قوای سه گانه پیش بینی افزایش تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی در صورت لزوم) در  
هر ۱۰ سال بیست نفر) نهادینه سازی مجمع تشخیص مصلحت نظام پیش بینی فرایند بازنگری  
در قانون اساسی در اصل ۱۷۷ و تغییر نام مجلس شورای ملی به مجلس شورای اسلامی.  
۱۰. بر اساس قانون اساسی ملت از جایگاه و نقش تاسیسی انتخابگری تصمیم گیری و نظارتی  
برخوردار است.

پرسش

۱. علم حقوق را تعریف کنید و مهمترین شاخه های آن را نام برده جایگاه حقوق اساسی این علم را  
تعیین نمایید.

۲. قاعده به چه معناست؟ ویژگی های آن را نام ببرید و توضیح دهید.

۳. تعریف حقوق اساسی چیست؟ مهمترین منابع آن کدام است؟

۴. قانون اساسی را تعریف کنید و مهمترین عناصر تعریف مورد نظر را برشمارید.

۵. فلسفه قانون اساسی چیست؟

۶. انواع مختلف قانون اساسی را نام ببرید و توضیح دهید و سپس بیان کنید که نوع قانون اساسی  
جمهوری اسلامی ایران چیست؟

۷. تاریخچه تدوین قانون اساسی در ایران را به اختصار بیان کنید.

۸. در نامه امام خمینی به شورای بازنگری قانون اساسی فلسفه ضرورت تجدید نظر در قانون  
اساسی چه دانسته شده است؟

۹. مهمترین محورهای پیشنهادی امام خمینی به شورای بازنگری قانون اساسی چه بود چه نتیجه ای  
حاصل شد؟

۱۰. مردم ایران از چه جایگاه و نقش هایی در نظام جمهوری اسلامی ایران برخوردارند بر اساس  
اصول قانون اساسی توضیح دهید.

۱. قانون اساسی چند کشور را با لحاظ ویژگیهای شمرده شده در این فصل مقایسه کنید.
  ۲. به مقایسه شکلی و محتوایی قانون اساسی جمهوری اسلامی و قانون اساسی مشروطه بپردازید.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را قبل و بعد از بازنگری به صورت شکلی و محتوایی مقایسه کنید.

#### اهداف

#### هدف کلی

آشنایی با مبانی دینی و مردمی نظام جمهوری اسلامی ایران و توانایی پاسخ گویی به پرسش ها و شبهات موجود در این باره اهداف جزئی 1 آشنایی با مبانی جمهوری اسلامی ایران ۲. دانستن مفهوم حاکمیت و انواع آن و نوع حاکمیت در جمهوری اسلامی ایران و آشنایی با نوع حکومت ایران و مفهوم جمهوریت و اسلامیت ۴ آگاهی از جلوه های حاکمیت الهی و ملی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در این فصل، از مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران سخن می گوئیم. منظور از مبانی، اصولی کلی است که پایه و اساس اصول مختلف قانون اساسی قرار می گیرد. اهمیت مبانی نظام از این روست که پس از ترسیم و تثبیت آنها در قانون اساسی، سایر اصول این قانون باید بر بنیاد آنها شکل گیرد و به تصویب رسد. در حقیقت اصول مبنایی قانون اساسی که برگرفته از منابع دینی است، زیربنا یا چارچوب قانون اساسی بشمار می آید که سایر سازه ها و بخش های آن باید بر پایه آن پی ریزی شود.

در نگاهی کلی، مهمترین مبانی نظام جمهوری اسلامی بدین قرار است ۱. پایه های ایمان و اعتقاد دینی ۲. پایه های مردمی و ملی-

۴۴ و مختصر حقوق اساسی و آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این دو مبنای اساسی را براساس آنچه در اصول قانون اساسی به صورت در هم آمیخته آمده، می توان در سه بند مورد بررسی قرار داد: ۱، جمهوریت و اسلامیت نظام که از آن به انواع حکومت یاد می شود؛ ۲. پایه های ایمانی، اعتقادی و مردمی نظام؛ ۳. حاکمیت الهی و در طول آن حاکمیت انسانی یا ملی، در ادامه بدین موارد می پردازیم

الف) جمهوریت و اسلامیت نظام بر اساس اصل اول قانون اساسی، «حکومت ایران جمهوری اسلامی است ...» این جمله در واقع بیانگر نوع حکومت در ایران است که از دو عنصر «جمهوریت» و «اسلامیت» ترکیب یافته است. برگزیدن حکومت جمهوری اسلامی برپایه اندیشه های بلند امام خمینی فایده، در مورد این نوع حکومت بود که مطابق ذیل همین اصل با رأی ۹۸

/

۲ % به تصویب رسید. حال به این دو مفهوم روی می کنیم.

یک مفهوم جمهوریت به گفته یکی از حقوق دانان، «به رژیمی که در راس قوه مجریه آن، فرد یا افراد انتخابی قرار گرفته باشند، اصطلاحاً رژیم جمهوری گفته می شود.» وی برای تحقق جمهوریت

-

که از لحاظ مفهومی در مقابل حکومت های «سلطنتی» قرار دارد - اراده عام مردم را به دو روش مستقیم و غیرمستقیم از طریق نمایندگان( دخیل و ممکن می داند و سپس نتیجه می گیرد که

در جمهوری های نماینده سالار (غیرمستقیم)، فرمانروایان - چه در کسوت قانون گذار و چه در ارکان اجرایی و قضایی - همه باید انتخابی باشند. «از نگاه او، «اصول ماهیت خالص جمهوری منوط به درجه دموکراتیک بودن گزینش زمامداران، چگونگی رابطه آنها با یکدیگر و نظام تصمیم گیری هاست.» در آخر نیز وی محدودیت دوره ریاست جمهوری (رئیس کشور را از اصول پذیرفته شده دموکراسی امروزی دانسته است

## فصل دوم

منظور از مبانی اصولی کلی است که پایه و اساس اصول مختلف قانون اساسی قرار می گیرد اهمیت مبانی نظام از این روست که پس از ترسیم و تثبیت آنها در قانون اساسی سایر اصول این قانون باید بر بنیاد آنها شکل گیرد و به تصویب برسد. در حقیقت اصول مبنایی قانون اساسی که برگرفته از منابع دینی است زیربنای یا چهارچوب قانون اساسی به شمار می آید که سایر سازه ها و بخش های آن باید بر پایه آن پی ریزی شود.

در نگاهی کلی مهم ترین مبانی نظام جمهوری اسلامی بدین قرار است:

۱. پایه های ایمان و اعتقاد دینی

۲. پایه های مردمی و ملی

این دو مبنای اساسی را بر اساس آنچه در اصول قانون اساسی به صورت در هم آمیخته آمده می توان دستبند مورد بررسی قرار داد

۱. جمهوریت و اسلامیت نظام که از آن به نوع حکومت یاد می شود

۲. پایه های ایمانی اعتقادی و مردمی نظام

۳. حاکمیت الهی و در طول آن حاکمیت انسانی و ملی.

### جمهوریت و اسلامیت نظام

بر اساس اصل قانون اساسی حکومت ایران جمهوری اسلامی است این جمله در واقع بیانگر نوع حکومت در ایران است که از دو عنصر جمهوریت و اسلامیت ترکیب یافته است برگزیدن حکومت جمهوری اسلامی بر پایه اندیشه های بلند امام خمینی در مورد این حکومت بود که مطابق ذیل همین اصل با رای ۹۸/۲ درصد به تصویب رسید.

### یک مفهوم جمهوریت

به گفته یکی از حقوقدانان "به رژیم که در راس قوه مجریه آن فرد یا افرادی انتخابی قرار گرفته باشند اصطلاحاً رژیم جمهوری گفته می شود"

وی برای تحقق جمهوریت که از لحاظ مفهومی در مقابل حکومت‌های سلطنتی قرار دارد اراده عام مردم را به دو روش مستقیم و غیرمستقیم از طریق نمایندگان دخیل و ممکن می‌داند و نتیجه می‌گیرد که در جمهوری‌های نماینده سالار (غیرمستقیم) فرمانروایان که در کسوت قانون‌گذار و چه در ارکان اجرایی و قضایی همه باید انتخابی باشند.

از نگاه او اصولاً ماهیت خالص جمهوری منوط به درجه دموکراتیک بودن گزینش زمامداران چگونگی رابطه آنها با یکدیگر و نظام تصمیم‌گیری هاست. در آخرین دوره ریاست جمهوری رئیس کشور را از اصول پذیرفته شده دموکراسی امروزی دانسته است.

در برخی دانشنامه‌ها در تعریف جمهوری گفته شده است:

نوعی حکومت که در آن جانشینی رئیس کشور موروثی نیست و مدت ریاست غالباً محدود است و انتخاب با رای مستقیم و غیر مستقیم مردم انجام می‌شود.

یکی دیگر از حقوق‌دانان با جمع بندی نظرات مختلف در مورد این مفهوم عناصری چند را به عنوان شاخص های حکومت جمهوری برمی‌شمارد.

یک. انتخابی بودن رئیس حکومت از سوی مردم به طور مستقیم یا غیر مستقیم.

دو. محدود و موقت بودن مدت ریاست حکومت

سه. موروثی نبودن ریاست حکومت

چهار. مسئول بودن رئیس جمهور نسبت به اعمال خود

به طور کلی می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که نظام جمهوری در برابر رژیم سلطنتی است و در برخی ویژگی‌ها نیز در مقابل رژیم دیکتاتوری.

دو مفهوم اسلامیت.

اسلامیت نظام، پذیرش و اجرای احکام و موازین اسلام در تمام عرصه‌ها و روابط حکومتی و اجتماعی است اعم از روابط نهادها و مقامات حکومتی با یکدیگر و نیز روابط مردم با یکدیگر و با دولت. پذیرش مفهوم اسلامی بودن نظام و حکومت مستلزم چهار چیز است:

۱. پایه‌ها و مبانی نظام بر بنیاد موازین اسلامی باشد به سخن دیگر حکومت بر اساس مبانی دینی شکل گرفته باشد و زمامداران دارای ویژگی‌های شرعی بوده و بر پایه دستورهای دینی منصوب شوند. این مطلب در اصل دوم قانون اساسی تجلی یافته و آثار آن در بسیاری از اصول قانون اساسی پدیدار شده است. از مهم‌ترین این اصول عبارت است از مبتنی بودن نظام بر پایه‌های ایمانی، نهادینه

شدن اصل ولایت فقیه به عنوان بالاترین رکن نظام سیاسی، اتکای به آراء عمومی، نهادینه شدن نهاد شوراها و اسلامی، و نهادینه شدن اصل امر به معروف و نهی از منکر. اساسی ترین نماد حاکمیت احکام و مبانی اسلامی در تشکیل حکومت ایجاد (حکومت ولایی) بر مبنای اصل ولایت خداوند، پیامبر، امام و فقیه است.

۲. وضع و تصویب تمامی قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی باشد.

۳. روابط بین اشخاص با یکدیگر (اعم از روابط اشخاص حقیقی یا حقوقی) بر مبنای قواعد و احکام اسلامی باشد.

۴. قضاوت بین اشخاص و صدور احکام قضایی و اجرای آنها مطابق موازین دین اسلام باشد احکام اسلام در بیشتر موارد در قوانین و مقررات بازتاب یافته و بدهی است که در صورت عدم درج در قوانین باید به منابع معتبر شرعی مراجعه شود.

اکنون باید به این پرسش پرداخت که آیا اصولاً میان جمهوریت و اسلامیت رابطه و تناسبی وجود دارد؟ به دیگر بیان آیا میان این دو نوع حکومت تضادی وجود دارد و آیا کاربرد این ترکیب وصفی صحیح است؟ به تعبیری آیا میتوان حکومتی بر مبنای جمهوریت و اسلامیت بنا نمود؟

قاتلان به تضاد میان جمهوریت و اسلامیت بر آنند که با توجه به ویژگی های احکام اسلام ولایت فقیه (به ویژه ولایت مطلقه فقیه) نمیتوان بین این دو مفهوم سازگار ایجاد نمود. در ادامه با توجه به ویژگی هایی که برای جمهوریت شمرده شد بررسی خواهیم کرد آیا واقعاً میان این دو مفهوم به طور کلی و میان مفهوم جمهوریت و نهاد ولایت فقیه به طور خاص تضادی وجود دارد یا خیر؟ البته تاکنون مشخص شد که از لحاظ مفهومی این دو مفهوم در تقابل نیستند. یکی از حقوقدانان نیز بر همین بنیاد گفته است جمهوریت نظام ناظر به شکل حکومت و غیر اسلامی مربوط به محتوای آن است.

ویژگی نخست جمهوریت انتخابی بودن رئیس حکومت از سوی مردم به طور مستقیم یا غیر مستقیم بود با بررسی اصول قانون اساسی به خوبی آشکار می شود که در نظام جمهوری اسلامی ایران همه مقامات کشور به طور مستقیم و یا غیر مستقیم منتخب مردم اند بدین ترتیب که رهبر از سوی خبرگان منتخب مردم انتخاب می شود. و عزل و نصب تعدادی از مقامات کشور نیز به دست رهبر است رئیس جمهور نیز با رای مستقیم مردم انتخاب می شود و او وزیران را برای گرفتن رای اعتماد به مجلس معرفی می نماید نمایندگان ملت نیز به طور مستقیم از سوی مردم انتخاب شده و به مجلس راه می یابند اعضای شوراها و شهرها و روستاها نیز منتخب مستقیم مردم اند.

ویژگی دوم محدود و موقت بودن مدت ریاست حکومت است این خصوصیت جمهوری نیز در مورد همه مقامات مهم کشور سفر می کند بدین گونه که رئیس جمهور برای مدت چهار سال انتخاب می شود و انتخاب مجدد او به صورت متوالی برای یک دوره دیگر بدون مانع است مدت مسئولیت وزیر آن

نیز تا زمان تعیین دولت جدید از سوی رئیس جمهور جدید است. دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی نیز چهار سال تعیین شده است.

اما در مورد دوره و محدودیت مدت رهبری رهبر در قانون اساسی سخنی به میان نیامده و همین امر یکی از دلایل مدعیان تضاد جمهوریت و اسلامیت است. حال باید دانست چگونه این ویژگی جمهوریت بر نهاد رهبری منطبق می شود. درست است که در هیچ یک از اصول این قانون برای رهبری دوره محدود تعیین نشده اما این بدان معنا نیست که رهبری وی همیشگی و مادام العمر است همچنان که در مورد سلاطین اینگونه است.

توضیح آنکه از لحاظ حقوقی طبق اصل یکصد و یازدهم قانون اساسی خبرگان تشخیص دهنده عزل خود به خودی رهبر از مقام خود هستند، آن هم به خاطر از دست دادن شرایط رهبری و آشکار شدن این که از آغاز فاقد برخی شرایط بوده است این اصل بدان مفهوم است که رهبر در هر زمان در معرض انزال یا عزل خود به خودی قرار دارد. بدین ترتیب نه تنها رهبری مادام العمر نیست بلکه ممکن است رهبر هر لحظه به دلیل از دست دادن شرایط از مقامش عزل شود. به دیگر سخن ولایت رهبر تا زمانی است که شرایط او با می باشد این امر خود تضمینی است برای سلامت رهبر و پایداری او به وظایف شرعی و قانونی خود و سوء استفاده نکردن وی از قدرت.

اما از نظر شرعی موضوع بدین گونه تبیین می شود که اصولاً بر اساس مبانی اصل ولایت فقیه فقیهی که شرایط بهتری داشته و نسبت به سایر فقها برتر باشد به عنوان ولی فقیه یا رهبر برگزیده می شود و تا زمانی که برتر از یافت نشده یا و شرایط خود را از دست نداده باید در سمت خود باقی باشد. هرگاه فردی با شرایط برتری یافت شد یا آنکه رهبر شرایط شرعی و قانونی خود را از دست داد شرعاً و عقلاً باید شخص جدید به جای او قرار گیرد.

ویژگی سوم جمهوریت موروثی بودن ریاست حکومت است بی گمان در قانون اساسی و نه در رویه سران نظام اسلامی از زمان انقلاب تا کنون کوچکترین نشانه ای دال بر این موضوع که حکومت و انتقال قدرت در جمهوری اسلامی ایران و موروثی است دیده نمی شود.

ویژگی چهارم جمهوریت مسئول بودن زمامداران و هیئت حاکمه نسبت به اعمال خود است. در قانون اساسی برای رئیس جمهور سه نوع و مسئولیت پیش بینی شده است بدین ترتیب که از لحاظ سیاسی (در حدود وظایف قانون) در برابر ملت، رهبر و مجلس مسئول است و مرجع قضایی رسیدگی به تخلفات او نیز دیوان عالی کشور است. از لحاظ حقوقی نیز با اطلاع مجلس شورای اسلامی در دادگاه های عمومی دادگستری به جرائم عادی او رسیدگی می شود. از جهت مالی نیز رئیس قوه قضاییه قبل و بعد از خدمت به اموال و دارایی او همسر و فرزندان رسیدگی می کند تا بر خلاف حق افزایش نیافته باشد وزیران نیز همانند رئیس جمهور از مسئولیت حقوقی و مالی برخوردار بوده و نسبت به وظایف قانونی در مقابل رئیس جمهور و مجلس مسئولیت سیاسی دارند. برای نمایندگان مجلس نیز در آیین نامه داخلی مجلس مسئولیت های پیش بینی شده هر چند جا دارد مسئولیت آنها و نظارت بر عملکردشان بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

اما در خصوص مسئولیت رهبر باید گفت که در قانون اساسی به صراحت از نظارت بر وی و مسئولیت سیاسی او سخنی به میان نیامده اما دقت در مفهوم اصل یکصد و یازدهم قانون اساسی روشن می سازد که لازمه تشخیص عزل شدن رهبر از سمت خویش اعمال نظارت خبرگان بر وی است



مسئولیت حقوقی او نیز این گونه ترسیم شده که رهبر با سایر افراد کشور در برابر قوانین مساوی است مسئولیت مالی او همسر و فرزندانش نیز بر عهده رئیس قوه قضائیه است بدین گونه که اموال ایشان قبل و بعد از دوران خدمت رسیدگی می‌شود تا برخلاف حق بیشتر نشده باشد. چکیده سخنان که نه تنها میان جمهوریت و اسلامیت نظام هیچ تضادی وجود ندارد بلکه به تعبیر مقام معظم رهبری جمهوری اسلامی یک واحدی است که دارای دو بعد است

اسلامی بودن و مردمی بودن. « بدین بیان، احکام مترقی اسلام کاملاً با نظام سیاسی جمهوری و مردم سالاری دینی هم سمت و همسو است

ب) پایه های ایمانی و مردمی جمهوری اسلامی ایران یک پایه های ایمانی از ویژگی های بارز نظام جمهوری اسلامی ایران، مبتنی بودن آن بر پایه های ایمانی برگرفته از اصول و موازین دین اسلام است. این ویژگی ناشی از اسلامیت نظام است که پیش تر درباره آن سخن گفتیم، اصل دوم قانون اساسی در مقام بیان پایه های ایمانی نظام این گونه مقرر داشته است

جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به: ۱، خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او ۲، وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین ۳، معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا ۴. عدل خدا در خلقت و تشریح ۵، امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی؛

۶. کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا که از راه «اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط براساس کتاب و سنت معصومین، استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها اوا نفی هرگونه ستمگری و ستم کشی و سلطه گری و سلطه پذیری»، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می کند. روشن است که بندهای یک تا پنج این اصل، همان اصول دین و مذهب است که با الهام از جهان بینی اسلامی و مذهب جعفری اثنی عشری، در آن گنجانده شده است.

بدین بیان، بند یک ناظر به پذیرش اصل اعتقادی توحید و پذیرفتن حاکمیت الهی و نفی هرگونه حاکمیت سلطه جویان و ستمگران است. بی تردید اعتقاد به حاکمیت مطلق خداوند، انحصار تسلیم در برابر ذات یگانه پروردگار را در پی خواهد داشت.

بند دوم نیز بیانگر اعتقاد به وحی الهی از طریق نبوت و نقش بنیادین آن در بیان قوانین است. این پایه، وجه تمایز اساسی نظام اسلامی با سایر نظام های مادی گرا و دموکراتیک است که منشأ قانون گذاری در آنها صرفاً اراده مردمی است. بر این مبنا، اصل چهارم قانون اساسی مقرر داشته است که تمامی قوانین و مقررات باید براساس موازین اسلامی باشد که از منبع وحی الهی سرچشمه می گیرد. بند سوم، یعنی اعتقاد به معاد و نقش سازنده آن در تکامل انسان، در واقع ضمانت اجرای حرکت انسان در مسیر تکامل و سعادت است؛ چه آنکه التزام قلبی و عملی انسان به احکام و قوانین برگرفته از شرع، در پرتو ایمان به معاد و روز رستاخیز امکان پذیر است. ایند چهارم، یا همان عدل خداوند در خلقت و تشریح، بیانگر آن است که در نظام آفرینش خللی وارد نیست (عدالت تکوینی) و احکام و قوانینی که اسلام برای جهان تشریح کرده، بر اساس عدالت و مصلحت جهانیان است (عدالت تشریحی) و در این مسیر به کسی ظمی روا نمی شود. بر همین مبنا، آدمیان نیز به رفتار عادلانه در روابط خود با دیگران فراخوانده شده اند.

بند پنجم بیان کننده نقش امامت به عنوان استمرار نبوت و رهبری مستمر فقهای واجد مختصر حقوق اساسی و اساسی را شرایط در زمان غیبت است، بر همین بنیاد، در اصل پنجم و پنجاه و هفتم قانون اساسی ولایت مطلقه فقیه تاکید شده است.

سرانجام با توجه به جایگاه رفیع انسان در نظام اسلامی، بند ششمی نیز افزوده شده ی براساس آن، کرامت و ارزش والای انسانی و آزادی او توأم با مسئولیتش در برابر خداوند، در ردیف پایه های ایمانی نظام جمهوری اسلامی نهاده شده است، بر این بنیاد، در نظام جمهوری اسلامی ایران افراد انسانی جایگاه حقیقی و ارزشی الهی خود را خواهند داشت. این معنا قرائت دیگری از جمهوریت توأم با اسلامیت نظام است. این پایه در حقیقت نمودار پشتوانه مردمی نظام اسلامی است که در صورت تامین کرامت و ارزش والای انسانی از سوی دولت یا نظام، مردم نیز مسئولانه و به عنوان وظیفه ای الهی با جان و دل از نظام جمهوری اسلامی پاسداری خواهند کرد؛ همان گونه که با نثار جان و مال و تقدیم شهیدان بسیار، نظام اسلامی را در آغاز به ثمر رساندند.

در ذیل بند ششم، راه هایی برای شناسایی و تحقق عملی این مبانی یا پایه های ایمانی نظام، به منظور رسیدن به اهداف یادشده، پیش بینی شده است که عبارت اند از: به کارگیری اجتهاد در منابع اصلی احکام اسلامی، استفاده از علوم و فنون پیشرفته روز و نیز نفی هرگونه ستمگری و سلطه پذیری. دقت نظر در این راهها، ما را بدین نکته میرساند که دو عنصر اساسی «علم» و استقلال علمی» یا «عزت اسلامی»، تأمین کننده قسط و عدل، استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی است.

دو پایه های مردمی افزون بر پایه های ایمانی که نظام جمهوری اسلامی بر آنها مبتنی گشته، مبانی یا پایه هایی نیز وجود دارد که با داشتن ریشه ملی و مردمی، نقش ارزنده ای در ایجاد، استقرار و استمرار این نظام دارد. طبق ذیل اصل اول قانون اساسی، می توان این موارد را به عنوان مبانی مردمی نظام جمهوری اسلامی بشمار آورد:

۱. اعتقاد دیرینه ملت به حکومت حق و عدل اسلامی: اسلام خواهی و پیروی ملت ایران - حق و عدالت اسلامی، بیش از هر عامل دیگری روح مبارزه با نظام دیکتاتوری شاهنشاهی "در ایشان دمید. این روحیه حق طلبی و دین محوری، مردم را برآن داشت تا پیرامون یک اسلام شناس حقیقی گرد آیند و ندای تشکیل حکومت جمهوری بر مبنای آموزه های اسلامی را با جان و دل بشنوند و حتی از نثار جان و مالشان در این مسیر دریغ نوزند. ۲. پذیرش رهبری امام خمینی: اساس پیروزی هر انقلاب و حرکت سیاسی، عامل رهبری است. انقلابی که پیشاپیش آن رهبری نباشد، محکوم به شکست و از هم پاشیدگی است. امروزه شاهد جنبش های اسلامی و مردمی در کشورهای دنیا هستیم که به خاطر نداشتن رهبری اما پسته، به سرعت توسط دولت سرکوب می شوند، اما در انقلاب اسلامی ایران وجود امام خمینی - به عنوان شخصی فقیه، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدیر، سیاستمدار و ساده زیست - و همچنین پذیرش وی در جایگاه رهبر و هدایت کننده انقلاب، موجب همبستگی مردم و گروههای مختلف شد و زمینه تشکیل نظام سیاسی و ولایی جمهوری اسلامی را فراهم آورد.

۳. مشارکت سیاسی مردم: یکی از ارکان و معیارهای دموکراسی در نظام های مردمی مشارکت سیاسی مردم در امور سیاسی کشور و تصمیم گیری هاست؛ مانند شرکت در انتخابات گوناگون و

شرکت در همه پرس‌ها و تشکیل احزاب. اولین اقدام اساسی مردم پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مشارکت در همه پرس‌سیاسی برای تعیین نوع نظام بود. در این همه پرس‌

۹۸ / ۲۱ شرکت کنندگان به برقراری نظام جمهوری اسلامی ایران رأی مثبت دادند. این اقدام مشارکتی مردم، سنگ بنای نظام را گذارد و مشارکت‌های بعدی مردم در انتخابات گوناگون نیز ضامن بقای نظام گردید.

(ج) حاکمیت الهی این ویژگی، قانون اساسی و نظام سیاسی در ایران را از قوانین اساسی و سایر نظام‌های سیاسی (حتی در مقایسه با بسیاری از کشورهای اسلامی دیگر متمایز کرده است. البته همچنان که خواهیم گفت، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «حاکمیت انسانی» در طول حاکمیت خداوند پذیرفته شده است.

در مورد مفهوم و ماهیت حاکمیت، اختلاف نظر بسیار است. فلاسفه، حقوقدانان و سیاستمداران، هر یک تعریفی خاص از حاکمیت به دست داده اند که قدر مشترک آن «قدرت» است؛ بدین بیان که زمانی حاکمیت برای فرد یا گروهی ایجاد می‌شود که قدرت او پیش از سایر قدرت‌ها بوده و هیچ قدرتی را توانایی ایستادن در مقابل آن نباشد، بی‌آنکه تعریف‌های گوناگون حاکمیت و انواع آن را پی‌گیریم، در ادامه به موضوع حاکمیت در قانون اساسی می‌پردازیم. |

اصل پنجاه و ششم قانون اساسی در مقام بیان نوع حاکمیت در نظام جمهوری اسلامی ایران می‌گوید: حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند، یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد، و ملت این حق خداداد را از طرّقی که در اصول بعد می‌آید، اعمال می‌کند. در این اصل هر دو نوع حاکمیت الهی و انسانی پذیرفته شده است:

. حاکمیت الهی: جمله نخست بیان‌کننده پذیرش حاکمیت مطلق خداوند بر جهان و انسان است. براساس این نوع حاکمیت، همه قدرت‌ها و سرنوشت همه جهان و جهانیان در اختیار و اراده خداوند است و اوست که تدبیرکننده همه امور بوده و بر هر چیزی قادر" و محیط است. پذیرش این نوع حاکمیت بر اساس احکام و آیاتی چند از قرآن کریم است. مطابق این آیات پیش از آنکه انسان هر نوع حاکمیتی داشته باشد، همه قدرت و حاکمیت در انحصار خداوند بوده و اوست که منشأ حاکمیت انسان بر سرنوشت اجتماعی اش است. این اصل ناشی از اصل توحید و اعتقاد به مبدأ و معاد الهی است. قائل شدن حاکمیت برای غیر

خداوند، شائبه کفر را ایجاد می‌کند. ملت ایران به عنوان ملتی موحد، مؤمن و معتقد به دین اسلام، این حاکمیت را پذیرفته و همه انواع دیگر حاکمیت را مردود دانسته است.

پذیرش اصل حاکمیت الهی، تنها به اصل پنجاه و ششم اختصاص ندارد، بلکه در جای جای قانون اساسی جلوه‌هایی از این حاکمیت مشهود است؛ مانند:

یک. انطباق یا عدم مغایرت کلیه قوانین و مقررات، با موازین شرع مقدس اسلام؛

دو. نهادینه شدن اصل ولایت فقیه در طول ولایت خداوند و معصومان؛"

سه. رسمیت دین مبین اسلام؛ چهار. نهادینه سازی اصول ارزشی اسلام مانند شورا و امر به معروف و نهی از منکر؛

پنج. مشروط بودن استفاده از بسیاری از حقوق و آزادی های اساسی، به رعایت موازین و مبانی اسلامی.

۲، حاکمیت انسانی؛ مطابق این جمله که «هم او [= خداوند انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است»، حاکمیت انسان به عنوان نعمت و موهبت الهی در طول حاکمیت مطلق خداوند است، نه در عرض آن، واگذاری این میزان از حاکمیت از سوی خداوند به انسان، از این روست که خدا انسان را موجودی صاحب اراده و اختیار قرار داده و اوست که میتواند از میان راههای ضلالت و هدایت، مختارانه، یکی را برگزیند. حاکمیت انسان بر سرنوشت اجتماعی خودش، سنتی الهی است که در قرآن کریم ریشه دارد.

در ادامه اصل مذکور حاکمیت مردم بر سرنوشت اجتماعی شان این گونه تضمین شده است: «هیچ کس نمی تواند این حق الهی را از انسان سلب کند، یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد.» در جمله پایانی این اصل، راههای اعمال این حق خداداد به وسیله مردم، بیان شده است. | با مراجعه به اصول بعدی قانون اساسی، با شیوه ها یا جلوه هایی به عنوان راههای اعمال حاکمیت مردمی و ملی روبه رو می گردیم:

یک. اداره امور عمومی کشور با اتکا به آرا عمومی؛ مانند تعیین نوع نظام، تصویب نهایی قانون اساسی و اصلاحات آن  
دو شرکت در انتخاب مسئولان نظام به طور مستقیم یا غیرمستقیم؛

سه. برخورداری از انواع حقوق و آزادی های اساسی

چهار. نظارت مردم بر دولت به شیوه های مختلف به طور مستقیم مانند امر به معروف و نهی از منکر، یا به صورت غیرمستقیم از طریق نمایندگان مجلس؛  
پنج. ناشی شدن قوای سه گانه مقننه، مجریه و قضائیه از حق حاکمیت ملت؟  
گزیده مطالب

د. مهم ترین مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران عبارت است از جمهوریت و اسلامیت نظام (نوع حکومت)، پایه های ایمانی، اعتقادی و مردمی نظام و نیز حاکمیت الهی و در طول آن حاکمیت انسانی یا ملی.

۲. حکومت جمهوری حکومتی است که در راس آن منتخبان مردم قرار گرفته باشند.

مهم ترین ویژگی های نظام جمهوری که در برابر رژیم سلطنتی قرار دارد، از این قرار است: انتخابی بودن رئیس حکومت از سوی مردم به طور مستقیم یا غیرمستقیم، محدود و موقت بودن مدت ریاست حکومت، موروثی نبودن ریاست حکومت و نیز مسئول بودن رئیس جمهور نسبت به اعمال خود ۳. اسلامیت نظام بدین معناست که پایه ها و مبانی نظام، کلیه قوانین و مقررات، روابط بین

اشخاص با یکدیگر (اعم از روابط اشخاص حقیقی یا حقوقی) و نیز قضاوت بین افراد و

صدور احکام قضایی و اجرای آنها، جملگی مطابق با موازین دین اسلام باشد. ۴. با بررسی شواهد و اصول متعدد قانون اساسی در می یابیم که میان جمهوریت و اسلامیت نظام هیچ گونه تضادی وجود ندارد و عنوان «جمهوری اسلامی، بهترین واژه‌های است که مبین شکل و ماهیت نظام حکومتی در کشور ایران است.

در این فصل به بیان اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران و سیاست‌ها و راهکارهای دستیابی به این اهداف می پردازیم. منظور از اهداف، آرمان‌هایی است که انقلاب اسلامی ایران و نظام جمهوری اسلامی برای دستیابی به آنها شکل گرفته و منظور از سیاستها نیز اصول و راهکارهایی است که دولت وظیفه دارد در جهت دستیابی به این اهداف آنها را به کار گیرد.

الف) اهداف نظام جمهوری اسلامی هرچند در اصول قانون اساسی به صراحت از اهداف نظام، سخنی به میان نیامده، در اصل سوم قانون اساسی به «اهداف مذکور در اصل دوم» اشاره شده و دولت نیز موظف شده برای رسیدن به این اهداف، امکانات خود را برای امور شانزده گانه یاد شده در اصل سوم به کار با مراجعه به اصل دوم، روشن خواهد شد که منظور از اهداف، موارد شمرده شده در بندی این اصل است. مطابق این بند، اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران از این قرار است:

. نفی هرگونه ستمگری، ستم‌کشی، سلطه‌گری و سلطه‌پذیری؛

۲. قسط و عدل؛ ۳. استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ ۴. همبستگی ملی

این اهداف در مبانی و آموزه‌های دینی ریشه دارد. از سویی با مطالعه سیره حکمرانی پیامبر اسلام و امام علی مد نیز می توان دریافت که هدف‌های اساسی این بزرگواران در تشکیل حکومت اسلامی، دستیابی به اهدافی از این دست است.

ب) سیاست‌ها و راه‌های دستیابی به اهداف در اصل سوم، از اموری به عنوان سیاست یا راهکارهای رسیدن به این اهداف یاد شده که دولت موظف است همه امکانات خود را برای این منظور به کار گیرد. این امور که از آنها به

سیاست‌های داخلی» یاد می شود، نشان دهنده وظایف اساسی دولت جمهوری اسلامی نیز هست؛ بدین معنا که این موارد برای دولت، هم جنبه وسیله دارد و هم جنبه هدف.

افزون بر اصل سوم، در برخی دیگر از اصول قانون اساسی مواردی ذکر شده که بیانگر سیاست‌های داخلی در زمینه دستیابی به اهداف نظام است. همچنین در اصولی چند از این قانون سیاست‌هایی برشمرده شده که از آنها به «سیاست‌های خارجی» یاد می گردد. در ادامه طی دو بند، سیاست‌های داخلی و خارجی را بر می رسیم.

یک. سیاست‌های داخلی منظور از سیاست‌های داخلی، اصول و راهبردهایی است که در داخل کشور باید نسبت به دولت و ملت به اجرا درآید. در اصل سوم قانون اساسی سیاست‌های شانزده گانه ای به عنوان وظایف دولت در جهت دستیابی به اهداف مذکور در اصل دوم، ذکر شده است؛ ضمن آنکه برخی دیگر از اصول این قانون نیز وظایفی برای دولت برشمرده است که برای رسیدن به این

متن‌کاو - استخراج‌گر متن:

اهداف، جنبه سیاست های اجرایی دارد. دقت در این موارد و سایر موارد بیان شده در اصول دیگر، نشان دهنده آن است که این سیاست ها برگرفته از مبانی و موازین اسلامی و اهداف اور حکومت اسلامی است. این وظایف یا سیاست ها را می توان در چند محور دسته بندی کرد که در پی می آید

محور نخست: سیاستهای اخلاقی، علمی و فرهنگی (اجتماعی) از ویژگی های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اهتمام به امور فرهنگی و ارزشی است. این ویژگی ناشی از ریشه داشتن اصول این قانون در مبانی غنی اسلامی و فرهنگ ایرانی است. در سراسر قانون اساسی و در بخش ها و فصول مختلف آن موارد بسیاری را می توان یافت. م سآله آموزه های دینی و اخلاق و فرهنگ اسلامی، احکامی مقرر شده است. در

۲۰ / ۲۳ عنوان سیاست های علمی و فرهنگی روبه روییم

.. ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی براساس ایمان و تقوا و مبارزه با تمامی مظاهر فساد و تباهی (بند ۱ اصل سوم)؛

۲. بالا بردن سطح آگاهی های عمومی در همه زمینه ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه های گروهی و وسایل دیگر (بند ۲ اصل سوم)؛

۳. آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و نیز تسهیل و تعمیم آموزش عالی (بند ۳ اصل سوم)؛

۴. تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان (بند ۴ اصل سوم).

افزون بر این در اصول مستقلی از قانون اساسی، بر این گونه سیاست ها تأکید شده است. در ادامه، پاره ای از این موارد را بیان می داریم

۱، امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه ای همگانی در دین اسلام، امر به معروف و نهی از منکر از جایگاه بسیار مهمی برخوردار است؛ تا بدان پایه که این دو در شمار فروع دین قرار گرفته اند. آیاتی از قرآن کریم و روایات زیادی در این باره وجود دارد که نشان دهنده نقش آنها در اصلاح امور جامعه است. قانون گذار اساسی جمهوری

اسلامی نیز بر همین بنیاد، اصل هشتم را این گونه مقرر داشته

در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وطن است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون مع می کند. «والمؤمنون والمؤمنات بعضهم أولیاء بعض یأمرون بالمعروف وینهون عن المنکر»

براساس این اصل، امر به معروف و نهی از منکر از ابزار نظارت همگانی شمرده می شود؛ ابزاری که مردم باید با آن بر یکدیگر و بر دولت نظارت کنند و دولت نیز بر مردم نظارت نماید. ۲. اهمیت خانواده در جامعه اسلامی دین اسلام به خانواده به عنوان نخستین و کوچکترین واحد اجتماعی اهمیت ویژه ای داده است. پایه گذاری بسیاری از سنت ها، آداب و رسوم و روابط اجتماعی از نهاد خانواده شکل گرفته و آغاز می شود. از همین رو، در تحقق اهداف و آرمان های اسلامی در جامعه، باید

امکان تشکیل خانواده براساس ایمان، تقوا و معنویت فراهم باشد. بنابراین در اصل دهم قانون اساسی اینگونه آمده است:

از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه ریزی های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد. اگرچه در این اصل صرفاً به تدوین قوانین و مقررات اشاره شده، بدیهی است که علاوه بر این در مرحله اجرا نیز باید به گونه ای اقدام شود که اهداف مذکور در آن تحقق یابد.

محور دوم: اصول سیاسی در اصل سوم به اصولی سیاسی اشاره شده که دولت باید آنها را برای رسیدن به اهداف مورد نظر به کار بندد

۱، محور هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی (بند ۶ اصل سوم)؛ ۲. تأمین آزادی های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون (بند ۷ اصل سوم)؛

متن کاو - استخراجگر متن:

۳. مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش (بند ۸ اصل سوم و اصل پنجاه و ششم)؛

۴، توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم (بند ۱۵ اصل سوم) همچنین برخی اصول دیگر قانون اساسی بیانگر اصول سیاسی و دموکراسی حاکم بر وظایف و فعالیتهای دولت است. تأمین و تضمین برخی از حقوق و آزادی های عمومی مانند آزادی بیان و مطبوعات (اصل ۲۴) و حق تشکیل احزاب و گروه های سیاسی (اصل ۲۶) از این قبیل است. محور سوم: سیاست های اقتصادی در اصل سوم از مواردی نیز به عنوان سیاست های اقتصادی یاد شده است:

۱. پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی برای ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه (بند ۱۲ اصل سوم)؛

۲. تأمین خودکفایی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها (بند ۱۳ اصل سوم).

همچنین در اصول چهل و سوم تا پنجاهم قانون اساسی سیاستهای اقتصادی دولت جمهوری اسلامی مورد تصریح قرار گرفته است. اصل چهل و سوم مقرر کرده است:

برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادگی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران براساس این ضوابط استوار می شود:

۱. تأمین نیازهای اساسی شامل مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم به منظور تشکیل خانواده برای همه؛

۲. تأمین شرایط و امکانات کار برای همه - برای رسیدن به اشتغال کامل - و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند، ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی؛ آن هم از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه های خاص

منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ در آورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت های حاکم بر برنامه ریزی عمومی اقتصاد کشی هر یک از مراحل رشد صورت گیرد.

۳. تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعت کار چنان باشد ی هر فرد افزون بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار را داشته باشد؛ |

۴. رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره کشی از کار دیگری؛

۵. منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام؛

۶. منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه گذاری تولید، توزیع و خدمات

۷. استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور؛

۸. جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور؛

۹. تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تامین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند.

در این باره سایر اصول نیز براساس محورهایی چند تنظیم شده است:

۱. استواری نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی (اصل چهل و چهارم)؛

۲. قرار داشتن انفال و ثروت های عمومی در اختیار حکومت اسلامی برای استفاده از آنها طبق مصالح عمومی (اصل چهل و پنجم)؛

۳. محترم بودن حاصل کسب و کار مشروع (اصل چهل و ششم)

۴. محترم بودن مالکیت مشروع (اصل چهل و هفتم)؛

۵. رفع تبعیض در بهره برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی (اصل چهل و هشتم)؛

۶. وظیفه مندی دولت برای بازپس گرفتن ثروتهای نامشروع از افراد و برگرداندن آنها به صاحبان حق یا بیت المال (اصل چهل و نهم)؛

و حفاظت از محیط زیست - به عنوان وظیفه ای همگانی و ممنوع بودن فعالیت های اقتصادی که موجب آلودگی محیط زیست یا تخریب آن می شود (اصل پنجاهم).

محور چهارم: سیاست های اجرایی در زمینه امور اجرایی و قضایی نیز موارد زیر در اصل سوم باز آمده:

رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه های مادی و معنوی (بند ۹ اصل سوم)؛

۲. ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضروری (بند ۱۰ اصل سوم).

محور پنجم: سیاست های قضایی اصول متعددی از قانون اساسی در زمینه سیاست های قضایی دولت، احکامی را بیان کرده است، از جمله بند ۱۴ اصل سوم:



تأمین حقوق همه جانبه افراد - از زن و مرد - و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون.» افزون بر این، در چندین اصل دیگر قانون اساسی، سیاست های قضایی دولت گفته شده که مهم ترین آن در فصول سوم و یازدهم این قانون آمده است.

محور ششم: سیاست دفاعی یکی از تعلیمات گرانمایه و اصیل اسلام، سیاست صلح و مدارا با ملل و ادیان دیگر است. در آموزه های دین اسلام بر رعایت این سیاست بسیار تاکید رفته است. در عین حال قرآن کریم بر آمادگی دفاعی مسلمانان در برابر دسیسه ها و حملات احتمالی دشمنان نیز تاکید ورزیده و از آنان می خواهد در همه حال و تا حد امکان، تمام توان خود را برای ایستادگی در مقابل دشمن به کار گیرند و همواره در حالت آماده باش باشند تا در صورت لزوم از کشور و نظام اسلامی دفاع مسلحانه کنند. بر همین اساس در اصل سوم به دو وظیفه اساسی دولت اشاره شده است: او طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب (بند ۵ اصل سوم)؛

. تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و صیانت از نظام اسلامی کشور (بند اصل ۱۱ سوم).

همچنین اصل ۱۵۱ قانون اساسی مقرر کرده است:

به حکم آیه کریمه «واعدوا لهم ما استطعتم من قوة ومن رباط الخيل ثر به عدو الله و عدوكم و آخرین من دونهم لا تعلمونهم الله يعلمهم» در موظف است برای همه افراد کشور برنامه و امکانات آموزش نظامی را بشرط موازین اسلامی فراهم نماید؛ به طوری که همه افراد همواره توانایی دفاع مسلحانه از کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران را داشته باشند، ولی داشتن اسلحه باید با اجازه مقامات رسمی باشد.

دو، سیاست های خارجی در اصل سوم قانون اساسی برای دستیابی به اهداف مذکور در اصل دوم، سیاستی ذکر شده که جنبه خارجی دارد. برابر بند ۱۶ این اصل، «تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان»، یکی از وظایف دولت شمرده شده است. این سیاست کلی، نمودار رویکرد جمهوری اسلامی ایران در جامعه بین المللی است.

افزون بر این، در فصل دهم قانون اساسی (اصول ۱۵۲ تا ۱۵۵) سیاستهای خارجی جمهوری اسلامی ایران بدین شرح بیان شده است:

.. ممنوعیت هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد (اصل ۱۵۳)؛

۲، خواستاری سعادت انسان در کل جامعه بشری (اصل ۱۵۴)؛ ۳. شناسایی استقلال، آزادی و حکومت حق و عدل به عنوان حق همه مردم جهان (اصل ۱۵۴)

۴، حمایت از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان، در عین خودداری کامل از دخالت در امور داخلی ملت های دیگر (اصل ۱۵۴)؛

۵. امکان اعطای پناهندگی سیاسی به کسانی که خواهان آن هستند، مگر آنکه طبق قوانین ایران، خائن و تبهکار شناخته شوند (اصل ۱۵۵).

نگاه به این اصول، مبین آن است که سیاست های خارجی جمهوری اسلامی نیز بر اساس بانی عقیدتی و احکام اسلامی استوار شده است. این جرایم رانا افلام جمهوری اسلامی ایران از سایر نظام های سیاسی شده است. قانونگذار اساسی در تفهیم سوال مربوط به سیاست خارجی، به مسلمانان و مستضعفان جهان نگاه ویژه ای داشته و حمایت از آنها را از وظایف اساسی و دینی دولت پنداشته است.

مبانی سیاست خارجی منظور از مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، اصولی اساسی، راهبردی و زیربنایی است که عملکرد نظام در عرصه بین الملل و رابطه دولت ایران با سایر دولتها، بر آنها مبتنی گشته است. در اصل ۱۵۲ موارد زیر به عنوان مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بیان شده است

(. نفی هرگونه سلطه جویی و سلطه پذیری؛ ۲، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور؛ ۳. دفاع از حقوق همه مسلمانان؛ ۴. عدم تعهد در برابر قدرت های سلطه گر؛ ۵. روابط صلح آمیز متقابل با دولت های غیر محارب.

بدیهی است که همه این مبانی برگرفته از آموزه های گرانسنگ اسلامی است. از جمله مستندات این مبانی و سایر احکام و اصول برآمده از این مبانی . که در ادامه می آید . آیه

ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا» است که فقها با استفاده از آن، قاعده فقهی معروف «نفی سبیل» را استنباط کرده و با استناد به آن، هر جا حکم یا موضوعی مستلزم سلطه کافران بر مسلمانان یا بلاد اسلامی شده، آن را نفی کرده اند.

هستند دیگر، احادیثی است که از معصومان رسیده است. برای مثال، امام علی باشد. در وصیت به فرزندان بزرگوارش - امام حسن و امام حسین الهه - می فرماید: «ای فرزندان من! دشمن ظالم و یار و مددکار مظلوم باشید».

## فصل چهارم

در این فصل با انواع حقوق و آزادی هایی آشنا می گردیم که قانون اساسی جمهوری اسلامی برای مردم به رسمیت شناخته است. اما پیش از آن شایسته است با مفهوم «حقوق و آزادیهای عمومی» یا «حقوق شهروندی» که در قانون اساسی از آن به «حقوق ملت» یادشده، آشنا شویم

الف) مفهوم حقوق و آزادی های عمومی یکی از مباحثی که با گسترش روزافزون جوامع بشری و پیچیده تر شدن روابط بین افراد با دولت ها اهمیت ویژه ای یافته، بحث «حقوق شهروندی» است. در جهان معاصر، مفهوم حقوق شهروندی از جذابیت زیادی برخوردار است؛ آن سان که تأمین و تضمین آن از سوی دولتها به ملاک سنجش مشروعیت حکومت های مردم سالار بدل گردیده است.

حقوقدانان از حقوق شهروندی تعریف های گوناگونی به دست داده اند. در یک جمع می توان این حقوق را با نگاهی دینی، این گونه تعریف کرد

حقوق شهروندی، مجموعه ای از حقوق، آزادی ها و امتیازاتی است که در نظام حقوقی یک کشور به شهروندان آن، با لحاظ کردن دو اصل کرامت انسانی منع تبعیض در جهت فراهم سازی زمینه

سعادت‌مندی و رشد شخصیت ف و اجتماعی آنها به تعلق می‌گیرد. این حقوق بخشی از حقوق بشر است که برا تامین و تضمین هرچه بهتر، آنها را در قوانین اساسی و میثاق‌های بین‌المللی درج می‌کنند. هیچ‌کس نمی‌تواند این حقوق را از انسان سلب کند. این حقوق عام است از حقوق اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و قضایی

حال عناصر این تعریف را برمی‌شمریم:

۱. حقوق شهروندی، از حقوق، آزادی‌ها و امتیازاتی تشکیل می‌شود که نسبت به سایر حقوق اشخاص جنبه اساسی دارد.

۲. حقوق شهروندی در رابطه میان اتباع یک کشور با دستگاه حاکم و نهاد حاکمیت پدیدار می‌شود، در حالی که حقوق بشر دارای مفهومی عام‌تر است؛ بدین معنا که حقوق بشر به افراد از این جهت که انسان هستند، تعلق می‌گیرد؛ از هر قوم، نژاد، ملیت و مذهبی که باشند. اما حقوق شهروندی فقط متعلق به اتباع یک کشور است.

۳. مبنا و منشأ حقوق شهروندی دو اصل مهم و زیربنایی کرامت انسانی و منع تبعیض میان انسان‌هاست. این دو اصل در مبانی دینی ریشه دارد.

۴. هدف از در نظر گرفتن حقوق شهروندی برای اتباع کشورها، دستیابی آنها به سعادت و رشد شخصیت فردی و اجتماعی آنهاست.

۵. به دلیل اهمیت زیاد و برای تامین و تضمین بیشتر حقوق شهروندی، مرسوم است که این حقوق در قوانین اساسی کشورها و میثاق‌های بین‌المللی گنجانده می‌شود، اگرچه در قوانین نیز این حقوق مورد تاکید قرار می‌گیرد. در این حقوق در قانون اساسی، دولت را در ایفای آنها در مقابل مردم، وظیفه مند می‌کند.

۶. هیچ فرد یا گروهی خاص نمی‌تواند این حقوق را از انسان سلب کند.

## ب) اسلام و حقوق شهروندی

در اسلام حقوق شهروندان صرفاً از باب شهروندی و تابعیت آنها در قبال کشور و دولت خاصی، به آنها تعلق نمی‌گیرد، بلکه ارزش و کرامت ذاتی او سبب این اعطاست. با این اعتقاد تمامی افراد انسانی در اسلام، تابع هر کشور و دارای هر ملیتی که باشند، به یکسان از حقوق انسانی برخوردار خواهند بود. این امر ناشی از آن است که از منظر اسلام، مرزبندیهای

جغرافیایی و تابعیت به مفهوم متداول آن به رسمیت شناخته نشده، بلکه ارزشمندی آدمی و انسانیت او و تکریم انسان‌ها از سوی خداوند، مورد توجه قرار گرفته است.

در بینش توحیدی اسلام، هدف از خلقت انسان، سعادت و کمال اوست و هر تکلیف و حقی که برای او شناخته می‌شود، سکویی است برای جهش به سوی سعادت و کمال دنیوی و اخروی، احکام و آموزه‌های اسلام، حق و تکلیف را به گونه‌ای برای انسان به رسمیت شناخته که همانند دو بال، او را در آسمان سعادت به پرواز درمی‌آورند. ابر این اساس است که مکتب اسلام از سایر مکاتب ممتاز می‌گردد. در مکاتب غربی و مادی‌گرا، تنها آزادی انسان و منافع مادی و دنیوی را مبنای ایجاد حقوق برای او می‌دانند و به همین رو او را مکلف به چیزی نمی‌پندارند. این حقوق به هر صورت باید به اجرا درآید و به خودی خود ارزش محسوب می‌شود. اما در مکتب اسلام، در برابر هر حقی تکلیفی فرض می‌شود؛ به گونه‌ای که اگر برای مردم حقی ایجاد شده، برای دولت و افراد جامعه نیز تامین

و تضمین آن حق، تکلیف دانسته شده است. به همین ترتیب، اگر برای دولت حقی شناخته شده، در مقابل نیز مردم به رعایت آن حق مکلف شده اند.

در فرهنگ قرآنی، انسان صاحب عزت و کرامت است. خداوند او را جانشین خویش بر زمین معرفی می کند و مقامش را تا بدانجا ارتقا می بخشد که از فرشتگان نیز فراتر می رود و حتی مسجود آنان می شود. از سویی حق حیات او را مساوی با حیات کل بشر می داند و می به ناحق او را مرگ همه آدمیان فرض می کند. به تعبیر قرآن کریم، انبیا همواره در صدد ساختن انسان از این قید و بندها بوده اند تا کرامت او را بد و بازگردانند.

سیره سیاسی و حکومت نبوی و علوی و سنت قولی و فعلی همه معصومان د آمیخته آموزه های گرانبهایی است که نشان دهنده اهتمام نظام سیاسی اسلام و حکومت اسلامی به حقوق شهروندان است. در اندیشه دینی، هیچ کس از حقوق خود محروم نمی شود و مرد و زن کودک و جوان و پیر، و مسلمان و غیر مسلمان، از حقوق مساوی برخوردارند.

در نظام جمهوری اسلامی ایران با پیروی از دستورهای قرآن کریم و تأسی از سیره حکومتی پیامبر اکرم و امام علی اله و رهنمودهای سایر معصومان، حقوق انسانی و شهروندی از جایگاه ویژه ای برخوردار است. بی گمان بر همین بنیاد، یکی از اهداف اساسی انقلاب اسلامی بازگرداندن شخصیت و کرامت ملت ایران بوده است که در نظام طاغوت شاهنشاهی زیر پا گذاشته شده بود. در ادامه حقوقی را که تأمین کننده این هدف مهم است، بر می رسیم.

ج) حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران براساس میثاق های بین المللی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ و رویه موجود به طور کلی حقوق شهروندی به پنج نوع تقسیم می شود: حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی

.. واذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم فسجدوا إلا إبليس أبى واستكبر وكان من الكافرين؛ و به فرشتگان گفتیم

آدم را سجده کنید. همه سجده کردند، جز ابلیس که سرباز زد و برتری جست، و او از کافران بود (بقره (۲) (۳۴) ۲. من قتل نفسا بغير نفس أو فساد في الأرض فكأنما قتل الناس جميعا ومن أحياها فكأنما أحيا الناس

جميعا؛ هر کس کس دیگر را نه به قصاص قتل کسی یا ارتکاب فسادی بر روی زمین بکشد، چنان است که همه مردم را کشته باشد، و هرکس که به او حیات بخشد، چون کسی است که همه مردم را

حیات بخشیده باشد. (مائده (۵): (۳۲) ۳. ويضع عنهم إصرهم والأغلال التي كانت عليهم؛ و بار گرانشان را از دوششان برمی دارد و بند و زنجیره

را می گشاید. (اعراف (۷): (۱۵۷) ۴. یادآور می شویم که در قانون اساسی از اصطلاح «حقوق شهروندی» نام برده نشده، بلکه این فصل سوم این قانون تحت عنوان «حقوق ملت» آمده است.

او فرهنگی، بر همین اساس در سال ۱۹۶۶ دو میثاق با عنوان «میثاق بین المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی» و «میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی» به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز همانند سایر قوانین اساسی، مفاد اعلامیه مزبور و دو میثاق یادشده را در اصول متعددی از خود جای داده است؛ ضمن آنکه برخی دیگر از این حقوق و آزادی ها در قوانین عادی نیز مندرج است. در ادامه ابتدا به اصول محوری مربوط به حقوق شهروندی، و آنگاه به مصادیق حقوق گفته شده در قانون اساسی می پردازیم

یک. اصول محوری حقوق ملت منظور از اصول محوری آن است که در قانون اساسی اصولی وجود دارد که نسبت به حقوق ملت، جنبه زیربنایی داشته و بر آن برتری و تقدم دارد؛ به گونه ای که برای استیفای حقوق یادشده برای ملت، ابتدا باید این اصول جامه عمل بپوشد و سپس در جهت استیفای سایر حقوق برآید. حال این اصول را برمی شمیریم:

1. اصل برخورداری همه مردم از حقوق مساوی یکی از اصول حاکم بر حقوق شهروندی، اصل برخورداری مردم از حقوق مساوی و منع تبعیض و برتر دانستن گروهی بر دیگران است. مطابق اصل نوزدهم قانون اساسی مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند، از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.

مفاد این اصل که برگرفته از آموزه های اسلامی است، در برخی دیگر از اصول قانون اساسی نیز متبلور است. بندهای ۹ و ۱۴ اصل سوم از این قبیل است. تأکید بر ایرانی بودن مردم برای برخورداری از حقوق مساوی در این اصل بدین سبب است که اصولاً براساس موازین حقوق موضوعه، حقوق شهروندی به اتباع هر کشوری تعلق می گیرد.

۲، اصل تضمین و حمایت از حقوق شهروندی حقوق گوناگون، آنگاه قابلیت اجرا می یابند که از ضمانت اجرا و حمایت کافی برخوردار باد حقوق شهروندی نیز از این قاعده بیرون نیست، بر این اساس، اصل بیستم قانون اساسی این زمینه مقرر می دارد:

همه افراد ملت - اعم از زن و مرد - یکسان در حمایت قانون قرار دارند و همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند. در این اصل که به گونه ای بر مفاد اصل نوزدهم نیز تأکید ورزیده، از یک سو ضمانت اجرای تساوی در برابر قانون حمایت قانون)، از سوی دیگر دامنه حقوق افراد ملت (حقوق انسانی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و از سوی سوم محدوده برخورداری ملت از این حقوق - یعنی رعایت موازین اسلام - بیان شده است. بر این مبنا، یکی از اصول حاکم بر برخورداری ملت ایران از انواع حقوق گفته شده، رعایت احکام و مبانی اسلامی است؛ بدین معنا که اصولاً حقوقی برای مردم به رسمیت شناخته می شود که با موازین اسلامی در تنافی باشد.

۳. اصل برخورداری از آزادی های مشروع منظور از این گونه آزادیها، آزادی هایی است که به موجب قانون اساسی و سایر قوانین برای مردم به رسمیت شناخته شده، بی آنکه با احکام و مبانی اسلامی نیز در تعارض باشد. عدم امکان سلب این آزادیها، از مواردی است که در اصل نهم قانون اساسی بر آن تأکید رفته است

.... هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور

آزادی های مشروع را - هرچند با وضع قوانین و مقررات - سلب کند. همچنین گسترش آزادی های مشروع از وظایف قوه قضائیه دانسته شده است. البته بدیهی است به تصریح این اصل، سلب کلی «آزادی های مشروع» نیز مورد نفي قانونگذار اساسی قرار

گرفته است. از این رو با شرایطی که در این قانون و برخی قوانین عادی بیان شده، در شرایط استثنایی، امکان محدودیت موقت» برخی از آزادی‌ها و حقوق وجود دارد، برقراری محدودیتهای ضروری در شرایط اضطراری مانند جنگ و اشغال نظامی کشور، از این قبیل است |

. اصل عدم اضرار و تجاوز به حقوق دیگران ضرر نرساندن و تجاوز نکردن به حقوق دیگران - اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی و منافع عمومی - یکی دیگر از اصول محوری حقوق شهروندی است. اصل چهارم قانون اساسی به همین موضوع اشاره دارد:

هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد. مطابق این اصل، هرکس حق دارد از حقوق خویش و تسلط بر آنها بهره‌مند باشد، مگر زمانی که استیفای حقوقش موجب ضرر و زیان به اشخاص دیگر شده و یا تجاوز به منافع عمومی بشمار آید. در فرازی از اصل چهارم و سوم نیز بر منع اضرار به دیگران تأکید شده است.

دو. مصادیق حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول متعددی از قانون اساسی به ویژه اصول مندرج در فصل سوم (تحت عنوان حقوق ملت)، حقوق شهروندی مورد تأکید قرار گرفته است. این حقوق و آزادی‌ها را می‌توان بدین شرح دانست.

۱، حقوق شهروندی اجتماعی در اصولی چند از قانون اساسی، به برخی از حقوق شهروندی اجتماعی پرداخته شده است. بند یک اصل چهارم و سوم در بیانی کلی، مجموعه‌ای از حقوق شهروندی را برشمرده که بیشتر آنها جنبه اجتماعی دارد. برابر این بند، «تأمین نیازهای اساسی مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه»، یکی از خوابول‌تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، شمرده شده است، تفصیل سایر حقوق شهروندی اجتماعی بدین قرار استثنای:

۱- ا، حق برخورداری از تأمین اجتماعی: امروزه یکی از حقوقی که در زمره حقوق بشری و همگانی شمرده می‌شود، حق برخورداری از تأمین اجتماعی در زمینه‌های مختلف استند تضمین این حق، یکی از راههای تأمین عدالت اجتماعی و تساوی مردم از حقوق اجتماعی است. اصل بیست و نهم قانون اساسی در این باره می‌گوید:

برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کار افتادگی بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت

مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق‌رای یکی یک افراد کشور تأمین کند. در بند دوازدهم اصل سوم نیز «تعمیم بیمه» از وظایف دولت شمرده شده است.

۱ - ۲. حق داشتن مسکن متناسب با نیاز: یکی از حقوق شهروندی اجتماعی، حق داشتن مسکن متناسب با نیاز است که در اصل سی و یکم قانون اساسی این گونه بیان شده است:

داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمند ترید - به خصوص روستائینان و

کارگران - زمینه اجرای این اصل را فراهم کند. ۳۱، آزادی محل اقامت و مسکن: یکی از آزادی‌های اجتماعی، آزادی در تعیین محل سکونت است که به عنوان یکی از حقوق قضایی نیز مورد اشاره قرار

گرفته است. شایان ذکر است که داشتن مسکن متناسب، یک حق است و آزادی محل اقامت و سکنا گزیدن نیز حقی دیگر، مطابق اصل سی و سوم:

هیچ کس را نمی توان از محل اقامت خود تبعید کرد، یا از اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می دارد

دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلام نماید و امور زیر را انجام دهد ۱ ایجاد زمینه های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق دین اسلامی تقدی

ای حقوق مادی و معنوی او ۲، حمایت از مادران - بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فین حمایت از کودکان بی سرپرست ۳. ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده؛

. ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست؛ الله اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها، در ص نبودن ولی شرعی

نه تنها در این اصل به حقوق زنان توجه ویژه شده، بلکه در برخی دیگر از اصول اب قانون و مقدمه آن نیز در مورد جایگاه، ارزش و کرامت زن در جمهوری اسلامی ایران مطالبی بیان شده است؛ ضمن آنکه در همه زمینه های نام برده شده در این اصل، اقدامات مربوط و قانون گذاری عادی نیز به عمل آمده است.

۱ - ۷. مصونیت همه جانبه اشخاص از تعرض: امنیت و مصونیت افراد از تعرض دیگران، از حقوق دیگری است که مورد توجه قانون گذار اساسی بوده است. در این باره اصل بیست و دوم می گوید:

حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

بی تردید مخاطب این اصل در درجه نخست دولت است و پس از آن، آحاد مردم. حفظ نظام و نظم اجتماعی ایجاب می کند که هیچ کس بدون تجویز قانون و بدون اجازه مقام قانونی حق تعرض و دست درازی به حقوق مشروع اشخاص را نداشته باشد. این اصل شامل افرادی نیز می شود که متهم به عمل مجرمانه اند. به بیانی دیگر، بین این اصل و اصل قانونی بودن جرم و مجازات «ارتباط معناداری وجود دارد؛ بدین معنا که صرف متهم شمردن افراد موجب جواز تعرض به آنها نمی شود، بلکه باید جرم متهمان در دادگاه صالح به اثبات رسد. افزون بر این پس از اثبات جرم، مجازات مجرمان باید براساس قانون و به وسیله ماموران قانونی باشد تا جامعه دچار بی نظمی و هرج و مرج نگردد.

۱ - ۸. ممنوعیت تفتیش عقاید: این حق ممکن است جنبه قضایی، سیاسی یا اجتماعی داشته باشد. اگر مراد ممنوعیت تفتیش در اعتقادات دینی باشد، یک حق اجتماعی است، اما اگر منظور ممنوعیت تفتیش در گرایش ها و اعتقادات سیاسی باشد، یک حق سیاسی بشمار می آید. به موجب این اصل:

تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.

در خصوص این اصل چند نکته گفتنی است:

اول موضوع محوری این اصل، ممنوعیت تفتیش عقاید اشخاص است و اینکه صرف داشتن عقیده ای خاص، موجب تعرض به آنها نخواهد شد. بنابراین اگر کسی به ترویج عقاید خاص « در بین افراد جامعه اقدام کند، از شمول این اصل خارج است و می توان با او برخورد قضایی کرد.

دوم. بهره مندی از مفاد این اصل، با رعایت مفاد اصل بیستم قانون اساسی است؛ بدین معنا که «حق داشتن هر عقیده ای» و ممنوعیت تعرض به آن، باید براساس موازین اسلامی باشد. در این صورت هرگونه اعتقاد به عقاید ضاله که از سوی شرع مقدس اسلام مورد نهی قرار گرفته، در زمره موضوع این اصل قرار نمی گیرد. به سخنی دیگر نمی توان از مفاد این اصل، آزادی داشتن هر عقیده ای را استنباط کرد.

سوم. در هر حال نباید کسی در پی کشف عقاید دیگران برآید. اگر شخصی عقیده‌های خاص داشته باشد و این باور برخلاف موازین دینی باشد، برای دیگران ممنوع است که در مورد عقیده او تحقیق و تجسس کنند.

چهارم. این اصل، دیگران را از «تعرض» به اشخاص به صرف داشتن عقیده‌های خاص منع کرده است. این امر به معنای ترک امر به معروف و نهی از منکر نیست؛ چه اینکه مطابق اصل هشتم قانون اساسی، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای است همگانی و متقابل بدیهی است یکی از بارزترین موارد و مصادیق اجرای این واجب مهم، انحراف در عقیده است.

پنجم یکی از مصادیق بارز اصل بیست و سوم قانون اساسی اصل چهاردهمین قانون است که موجب آن دولت جمهوری اسلامی و مردم مسلمان موظف شده‌اند نسبت به افراد غیر مسلمانی که دین آنها به رسمیت شناخته شده با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی رفتار نمایند و حقوق اسلامی آنان را رعایت کنند.

#### ۹.۱ داشتن حریم خصوصی و ممنوعیت تجاوز و تجسس نسبت به آن:

یکی از حقوق مدنی افراد حق داشتن حریم خصوصی است منظور از حریم خصوصی محیط خلوت و محرمانه هر فرد است که دیگران حق ندارند در آن تجسس یا به آن تجاوز نمایند اصل بیست و پنجم قانون اساسی این مهم را اینگونه بیان کرده است:

بازرسی و نرساندن نامه ها ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی افشای مخابرات تلگرافی و تلکس سانسور عدم مخابره و نرساندن آنها به استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.

اگرچه در قسمت اول این است که مصادیقی از حریم خصوصی افراد که عموماً مربوط به وسایل ارتباطی است ذکر شده اما در قسمت اخیر آن لفظ هرگونه تجسس به کار رفته است این لحظه نیز لفظ گامی است که همه انواع تجسس در امور خصوصی مردم را شامل می شود اقدامات دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی نیز باید به موجب قوانین می باشد که به حکم ذیل این اصل تصویب شده است. ممنوعیت تجسس در امور دیگران و حریم خصوصی افراد مورد تاکید قرآن کریم نیز قرار گرفته است.



۱.۲ آزادی نشریات و مطبوعات در بیان مطالب: یکی دیگر از حقوق سیاسی که در اصل ۲۴ مورد تاکید قانونگذار اساسی قرار گرفته و آزادی مطبوعات در بیان مطالب است این حق یکی از مصادیق آزادی بیان است که در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است:

نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آن که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد  
تفصیل آن را قانون معین می‌کند

از آنجا که مطبوعات یکی از ابزار نظارتی مهم مردم بر دولت و از سویی زبان گویای مردم در برابر مسئولان شمرده می‌شود چنین حقی به مطبوعات اعطا شده است خط قرمز آزادی بیان و مطبوعات مبانی اسلام و حقوق عمومی است بدین معنا که اگر از این خطوط قرمز بگذرند جلوی سوء استفاده آنها از آزادی گرفته خواهد شد منظور از قانون در متن اصل فوق قانون مطبوعات مصوب ۶۴/۱۲/۲۲ و اصلاحات بعدی آن است.

## ۲.۲. آزادی احزاب و سایر تشکل‌ها:

آزادی احزاب یکی از آزادی‌های اساسی در کشورهای مردمسالار به شمار می‌آید احزاب و تشکل‌های گوناگون نیز از ابزار نظارتی مردم بر دولت‌ها شمرده می‌شود و در هر کشور به هر میزان تعداد آنها و آزادی‌شان بیشتر باشد نشان از دموکراسی بیشتر در آن کشور است براین اساس اصل بیست و ششم قانون اساسی این آزادی را پیش‌بینی کرده و محدودیت‌های آن را نیز بیان داشته:  
احزاب و جمعیت‌ها انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند. مشروط به اینکه اصول استقلال آزادی و وحدت ملی موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرده یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.

## ۳.۲. آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها:

یکی از مصادیق مهم آزادی سیاسی آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی است این آزادی که خود به گونه‌ای از ابزار نظارتی مردم بر زمامداران است در اصل بیست و هفتم قانون اساسی با در نظر گرفتن محدودیت‌های اینگونه پیش‌بینی شده:

تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها بدون حمل سلاح به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است.

## فصل پنجم

۳، حقوق قضایی حقوق قضایی از حقوق شهروندی مدنی است که در برخی از اصول قانون اساسی و پاره ای از قوانین عادی، مورد تأکید قرار گرفته است. ویژگی این دسته از حقوق آن است که فقط به اتباع ایرانی اختصاص ندارد، بلکه اتباع سایر کشورها نیز می توانند از این حقوق بهره مند شوند. در نتیجه حقوق قضایی، پیش از آنکه جزء حقوق شهروندی باشد، در زمره حقوق بشر است. این حقوق را در پی بر می رسیم.

۱.۳. اصل یا حق برائت: یکی از اصول مهم و مسلم حقوق بشری اصل برائت است بدین معنا که باید بنا را بر بی گناهی افراد گذارد و تا هنگامی که در دادگاه صالح با استناد به دلایل قطعی یا قرائن علم آور مجرم بودن آنها ثابت نشده نباید کسی را مجرم پنداشت و محکوم به مجازات کرد چنانکه در اصل سی و هفتم قانون اساسی آمده است:

اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

۲.۳. ممنوعیت شکنجه و اجبار به شهادت اقرار و سوگند:

اصل سی و هشتم قانون اساسی بیان کننده دو حق هم سوست این اصل هم به ممنوعیت شکنجه (شامل آزار جسمی و روحی) تصریح دارد و هم به ممنوعیت اجبار اشخاص به شهادت، اقرار و سوگند در محضر دادگاه یا در مراحل مقدماتی دادرسی که می توان آن را حق سکوت نامید:

هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود.

جالب اینکه در این اصل دو ضمانت اجرا پیش بینی شده است یکی اعتبار نداشتن شهادت اقرار یا سوگندی که تحت شکنجه و اجبار ایجاد شده و دیگری مجازات کسی که از مفاد این اصل سرپیچی کند. البته پوشیده نماند که مفاد این اصل شامل مجازات بدنی کسی نمی شود که مجرمیت احراز شده و حکم قطعی در مورد او صادر گشته است از این رو مجازاتهای اعدام رجم قطع دست شلاق زندان و تعزیرات که در قوانین جزایی پیش بینی شده از شمول این اثر را خارج است.

۳.۳. ممنوعیت هتک حرمت و حیثیت متهمان و محکومان:

از نگاه اسلام یکی از حقوق مردم آن در مقابل یکدیگر رعایت حرمت و حیثیت افراد است قانون‌گذار اساسی به پیروی از آموزه‌های اسلام حتی هرگونه بدرفتاری و بی‌حرمتی نسبت به متهمان و محکومان را ممنوع کرده و متخلفان از این حکم را مستوجب مجازات شمرده است. اصل سی و نهم در این خصوص مقرر داشته است:

هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر بازداشت زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.

### ۴.۳. حق دادخواهی و دسترسی به دادگاه صالح:

یکی از حقوق قضایی شهروندی امکان دادخواهی آنها در مقابل تعدی و تجاوز دیگران به حقوقشان است چنانچه افراد حقوقشان مورد تجاوز قرار گرفته باید بتوانند نزد مراجع ذیصلاح اقامه دعوی کنند و حق خود را بازستانند این حق مشروع در اصل سی و چهارم قانون اساسی این گونه بیان شده است:

دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاههای صالح رجوع نماید همه افراد ملت حق دارند این‌گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس نمی‌تواند دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.

در مورد انواع دادگاه‌ها و صلاحیت‌های آنها در فصل مربوط به قوه قضائیه سخن خواهیم گفت.

### ۵.۳. منع توقیف خودسرانه اشخاص:

یکی از حقوق مسلم اشخاص عدم امکان سلب آزادی آنهاست افراد آبادان در اجتماع رفت و آمد کنند و بی‌هیچ دغدغه‌ای به امور روزمره خود مشغول باشند. تنها آزادی کسانی قابل سلب است که به گونه‌ای مجرمیت یا اتهام آنها به اثبات رسیده و قانون‌دستگیری آنها را اجازه داده باشند اصل سی و دوم در این مورد می‌گوید:

هیچکس را نمیتوان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند در صورت بازداشت موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتبا به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالح قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

این اصل هم بیان‌کننده منع توقیف و دستگیری خودسرانه افراد است و هم تصویری در تشریفات مقدماتی و برگزاری محاکمه بازداشت‌شدگان را مورد تاکید قرار داده است اگر این اصل به درستی رعایت شود نقش مهمی در جلوگیری از تضییع حقوق افراد و حفظ حقوق انسانی و غذای آنها خواهد داشت.

۶.۳. منع تبعید خودسرانه اشخاص: یکی دیگر از مجازات های سرکننده آزادی تبعید یا دور کردن محکومان دادگاهها و اماکن خاص است این مجازات ها نیز باید به موجب قانون و حکم قطعی دادگاه اعمال شود اصل سی و سوم در این باره مقرر می دارد.

هیچکس را نمی توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع یا به اقامت در محل مجبور ساخت مگر در مواردی که قانون مقرر می دارد.

فارغ از مباحث قضایی این اصل بیان کننده یکی دیگر از آزادی ها و حقوق مدنی نیز هست: آزادی در تعیین محل اقامت و مسکن اشخاص.

۷.۳. حق برخورداری از وکیل مدافع:

گاهی طرفین دعوا به خودی خود نمی تواند در برابر دادگاه از خود دفاع کنند از این رو حق برخورداری از وکیل مدافع به عنوان یکی از حقوق قضایی برای آنها به رسمیت شناخته شده است در اصل سی و پنجم قانون اساسی در این باره می گوید:

در همه دادگاهها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.

طبق رویه مرد عمل قسمت آخر اصل فوق مربوط به دعوا هایی است که مجازات سنگین دارند و متهم برای گرفتن وکیل توانایی ندارد در این صورت دولت موظف است به رایگان برای وکیل انتخاب کند به چنین وکیلی وکیل تسخیری گفته می شود.

۳- ۸، علنی بودن محاکمان؛ قانون گذار اساسی برای تضمین حداکثری حقوق جان و عملکرد صحیح دادگاه ها، اصل را بر علنی بودن محاکمه ها گذارده است مطابق اصل ۱۶۵ قانون اساسی.

محاکمات، علنی انجام می شود و حضور افراد بلامانع است، مگر آنکه به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافعی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد، با در دعوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.

برابر این اصل، ممکن است در دو مورد بیان شده در آن، محاکمه غیر علنی نیز برگزار شود، اما در مورد جرائم سیاسی و مطبوعاتی همواره اصل بر برگزاری محاکمه علنی است. اصل ۱۶۸ در این زمینه مقرر داشته است رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی، علمی است و با حضور هیئت منصفه در محاکم دادگستری صورت می گیرد.

۹ - ۳. اصل قانونی بودن جرم و مجازات: این اصل یکی از اصول پذیرفته شده در همه نظام های حقوقی از جمله نظام حقوقی اسلام است. به موجب این اصل حقوقی، نمی توان کسی را مجرم تلقی

کرد، یا او را به مجازاتی محکوم نمود، مگر آنکه در قوانین جرم بودن عمل ارتكابی بیان شده و برای آن مجازات تعیین شده باشد. اصل سی و ششم قانون اساسی در این باره است  
حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.  
همچنین در اصل ۱۶۶ آمده است؛  
احکام دادگاهها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که براساس آن حکم صادر شده است.

مطابق اصول مزبور هنگامی می توان متهمین را به مجازات محکوم کرد که اولاً عمل ارتكابی او در قوانین و مقررات عنوان مجرمانه داشته باشد دوم اینکه مجازات مقرر در قانون برای همان جرم پیش بینی شده باشد و سوم که دادگاه صالح باید به اتهام مجرم رسیدگی کند و حکم خود را به صورت مستدل و مستند صادر کند اجرای این موارد در استیفای حقوق قضایی ملت نقش مهمی دارد.

اصل عطف بماسبق نشدن قوانین:

بر اساس اصل و قاعده عقلی و شرعی (قبح عقاب بلا بیان) نمی توان کسی را به اتهام ارتكاب عملی که قانون در زمان ارتكاب آن عمل را جرم می دانسته و پس از ارتكاب آن عمل را جرم دانسته مجازات کرد.

این اصل هم از سوی دادگاه و هم از سوی قانونگذار لازم الاجرا است به بیان دیگر قضات می توانند متهم را با استناد به قانون موخر از ارتكاب عمل وم کنند و قانونگذار می تواند در قانونی که وضع می کند عمل ارتكابی سابق در آن جرم پنداشته و قابل تعقیب بداند اصل ۱۶۹ قانون اساسی در مقام بیان این قاعده می گوید:

هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی شود.

ناگفته نماند حکم حدود و قصاص، از موضوع اصل عطف بماسبق نشدن قوانین استثناء شده است. بر اساس اظهار نظر شورای نگهبان مبنای این استثناء آن است که این مجازات ها در شرع مقدس پیش بینی شده و به همین دلیل چنانچه قانونی بر خلاف آن حکم مقرر کرده باشد خلاف شرع است همچنان که در قوانین قبل از انقلاب چنین بوده است.

۱۱.۳.

جبران خسارت و اعاده حیثیت بی گناهی که محکوم شده است:

چه بسا بر اثر اشتباه قاضی کسی که واقعا مجرم یا متخلف نبوده محکوم به مجازات یا دوران خسارت شود در این صورت باید خسارات مادی و معنوی شخص محکوم جبران شده و لطمات وارد شده به حیثیت او اعاده شود. اصل ۱۷۱ قانون اساسی در این زمینه مقرر می دارد:

هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در صورت تقصیر مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد.

مفاد این اصل برگرفته از دستوره‌های دینی است چنانکه امام باقر علیه السلام در روایتی می‌فرماید: امیرالمومنین علی علیه السلام قضاوت کرده است که آنچه را که قاضی آن در خون و مال خطا می‌کنند باید به وسیله بیت المال مسلمین جبران گردد.

بدیهی است در صورت تاوان اشتباه قاضی از بیت المال پرداخت می‌شود که اشتباه او به خاطر کوتاهی او در کشف حکم یا تخلف عمدی وین باشد در غیر این صورت نه تنها از نظر شرعی گناهکار و مسئول شناخته می‌شود بلکه از نظر حقوقی نیز برابر قوانین و مقررات با وی رفتار می‌شود و باید از عهده خسارات برآیند.

#### ۴. حقوق شهروندی اقتصادی

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چند اصل به حقوق شهروندی اقتصادی اختصاص یافته که به آن‌ها می‌پردازیم.

#### ۱.۴ آزادی اشتغال و حق داشتن شغل:

طبق اصل بیست و هشتم قانون اساسی

هر کسی هم دولت شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.

در این اصل سه محدودیت برای اصل آزادی اشتغال قرار داده شده یعنی نباید شغل افراد با موازین اسلامی مصالح عمومی و حقوق دیگران در تعارض باشد در زمان دولت نیز موظف شده است بر اساس نیاز جامعه مشاغل گوناگون زمینه اشتغال را برای افراد به صورت عادلانه فراهم کند. در بندهای دوم و پنجم اصل چهل و سوم قانون اساسی در فراهم سازی شرایط و امکانات کار برای همه و آزادی انتخاب شغل تاکید شده است.

#### ۲.۴. حق مالکیت حاصل از کسب و کار مشروع و لزوم احترام به آن:

بر اساس موازین دینی و حقوقی یکی از حقوق مسلم اشخاص حق مالکیت است که بر پایه آن هر کسی که از راه مشروع مالی به دست آورد مالکان شناخته می‌شود این مهم در اصل چهل و ششم قانون اساسی آمده است:

حرکت مالک حاصله کسب و کار مشهور خویش است و هیچ کس نمی‌تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار از دیگری سلب کند.  
به موجب ذیل این اصل ایجاد انحصار در مشاغل ممنوع شده است.

احترام به مالکیت مشهور اشخاص در مبانی دینی اسلام جایگاه ویژه ای دارد و انسان که احترام مال مسلمان همچون احترام به جان او دانسته شده است بدین بیان اموال مردم همانند جان آنان محترم است و نباید مورد تعرض و چپاول قرار گیرد. در اصل چهل و هفتم بر لزوم محترم شمردن حق مالکیت اشخاص که از راه مشروب به دست آمده تاکید شده است:

مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است ضوابط آن را قانون معین می‌کند.

در اصل چهل و نهم مصادیقی از ثروت و مالکیت نامشروع شده که دولت موظف کرده آنها را از افراد تشکیل شد و به صاحبانش یا بیت المال بازگرداند.

دولت موظف است ثروتهای ناشی از ربا و رشوه، اختلاس سرقت، قمار، استفاده از موقوفات، سواستفاده از مقاطعه کاری ها و معاملات دولتی فروش زمینهای موات و مباحات اصلی، فایر کردن اماکن سه سال و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت المال بدهد این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود.

حقوق شهروندی فرهنگی:

ماهیت اسلامی نظام حکومتی در ایران اقتضا می‌کند که به مقوله فرهنگ بیش از امور دیگر توجه شود. ریشه بسیاری از مشکلات و مسائل در هر کشوری را باید در فرهنگ آن کشور جست. میان فرهنگ و پیشرفت مادی و معنوی هر کشور رابطه مستقیم و متقابل وجود دارد به هر میزان فرهنگ رشد کند و اصلاح شود به همان میزان کشور در مسیر رشد و تعالی حرکت خواهد کرد و به عکس.

در جای جای قانون اساسی جمهوری اسلامی بر اصول و مبانی ارزشی دینی و فرهنگ اسلامی تاکید شده است پرداخت مستقل به همه این موارد مجال وسیعی می‌طلبد که از حوصله این نوشتار بیرون است.

حق آموزش و پرورش:

آموزش و پرورش اعم از آموزش علوم و معارف مختلف و تربیت بدنی و ورزش است. بر این اساس بند ۳ اصل سوم، یکی از وظایف دولت اسلامی را آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی می‌شمرد. همچنین بند چهارم این اصل وظیفه دیگری را نیز بر عهده دولت نهاده است:

تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه های علمی فنی فرهنگی و اسلامی از طریق تاسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان. در اصل چهل و سوم نیز در دو بخش برای آموزش و پرورش و استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر تاکید شده است. افزون بر این در اصل سی و نهم قانون اساسی به طور مستقل وظیفه مندی دولت در این راستا بیان شده است.

دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.

علاوه بر این اصول در دو فراز از اصل چهل و سوم نیز در آموزش و پرورش همگانی و استفاده از علوم و فنون و تربیت نیروهای ماهر که بخشی از آموزش و پرورش در کشور است تاکید رفته است.

## فصل ششم

از مباحث لازم و ضروری در قانون اساسی هر کشوری اصول مربوط به بیان شکل حکومت نحوه توزیع قدرت و میزان قدرت توزیع شده میان قوای تشکیل دهنده حکومت و دستگاه‌های حکومتی و چگونگی ارتباط قوای سه گانه و کنترل آنها بر یکدیگر است. در این فصل ابتدا شکل حکومت در جمهوری اسلامی ایران را تبیین می‌کنیم و آن را به سوال یا شبهه‌ای که در خصوص نظارت رهبر بر قوای سه گانه وجود دارد پاسخ می‌گوییم.

### الف. شکل حکومت و قوای سازنده آن:

پیشتر در مورد نوع حکومت در ایران سخن گفتیم طبق آنچه بیان شد نوع حکومت در ایران، جمهوری اسلامی است که بر اساس مبانی دینی و مردمی و سوار گشته و در قانون اساسی برنامه‌هایی برای دستیابی به اهداف متعالی آن بیان شده است در فصل حاضر سخن از شکل حکومت است که مراد از آن نحوه چینش و قرار گرفتن قوای تشکیل دهنده حکومت و دستگاه‌های حکومتی در کنار یکدیگر و چگونگی ارتباط و میزان روابط میان آنهاست.

اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی در بیان شکل حکومت در جمهوری اسلامی ایران می‌گوید:

قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از قوه مقننه و قوه مجریه و قوه قضاییه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند این قوا مستقل از یکدیگرند.

در این اصل دو محور اساسی مورد توجه قرار گرفته است:

تفکیک قوا و اعمال قوای سه گانه زیر نظر ولایت مطلقه فقیه.

### یک اصل تفکیک قوا

به موجب این اصل حکومت در جمهوری اسلامی ایران بر اساس استقلال یا تفکیک قوای سه گانه شکل گرفته است اصل تفکیک قوا یکی از اصولی است که از دیرباز مورد توجه فیلسوفان و حقوقدانان بوده تا به بهترین روش برای اداره جامعه و تامین هرچه بیشتر مصالح فردی و اجتماعی بشر دست یابند این اصل بدین شکل که امروزه نظر حقوقدانان مقبول افتاده و در قوانین اساسی کشورها نهادینه شده محصول تلاش‌های فلاسفه و حقوقدانان قرن هجدهم است به ویژه شارل دو منتسکیو - حقوقدان و فیلسوف فرانسوی که در کتاب معروفش روح القوانين بدان اشاره دارد.



پایه اندیشه منتسکیو، بر حفظ و حراست از آزادی و امنیت فردی است وی در صدد بوده است با شیوه ای مناسب قدرت را محدود کند و در برابر آن سدها و موانع ایجاد نماید تا جلوی زیاده‌روی‌ها گرفته شود و در نتیجه آزادی این عزیزترین گوهر گرانبهای بشری از دست برد ترکتازی‌های صاحبان قدرت ایمن بماند. وی برای رسیدن به این هدف می‌نویسد:

در هر دولت کشوری سه قسم قدرت وجود دارد قدرت تقنینی قدرت اجرا کننده و موضوعاتی که حقوق بین الملل بستگی دارد و قدرت اجرا کننده موضوعاتی که به حقوق مدنی وابسته است شهریار یا حاکم توسط قدرت نخست (قوه مقننه) قوانین را برای مدتی را برای همیشه وصل کرده و قوانین موضوعه پیشین را نیز اصلاح می‌کند وی توسط قدرت دوم (قوه مجریه) جنگ یا صلح برقرار می‌کند سفیر می‌فرستد یا سفیر می‌پذیرد امنیت را برقرار می‌سازد و جلوی تهاجمات را می‌گیرد و توسط قدرت سوم (قوه قضاییه) نیز جنایتکاران را کیفر میدهد و در مورد مرافعات بین اشخاص قضاوت می‌کند.

نتیجه آنکه به پیشنهاد منتسکیو در هر کشوری وجود سه قوه ضرورت دارد: قوه مقننه قوه، مجریه و قوه قضاییه.

هر چند از زمان نظریه‌پردازی وی تاکنون تغییراتی در نظریه او به سوی تکامل رخ داده حقوقدانان امروزی وی را بنیانگذار اصل یا نظریه تفکیک قوا می‌دانند هدف از پذیرش اصل تفکیک قوا چنین است:

۱. از تمرکز قدرت که نوعاً فساد آور است در بسته یک نفر یا یک قدرت پیشگیری شود.
۲. کارهای اداره کشور (قانونگذاری اجرا و قضا) به صورت تخصصی در آید و به متخصصان همان کار سپرده شود تا به آسانی و با سرعت بیشتری انجام شود.
۳. به منظور پیشگیری از فساد آوری قدرت توزیع شده بین قوا هر قوه ای بر قوای دیگر نظارت کند.

تفکیک قوا از جهات گوناگون ای دسته بندی شده که یکی از آنها از جهت میزان ارتباط و همکاری آنها با یکدیگر است: (تفکیک نسبی قوا) و (تفکیک مطلق قوا).

تفکیک نسبی قوا زمانی پدیدار می‌شود که میان قوای مختلف در عین استقلال از یکدیگر اولاً همکاری باشد بدین معنا که بخشی از کاره قوه توسط قوای دیگر انجام شود مانند وضع آیین نامه توسط قوه مجریه در حالی که اصول قوه مقننه وظیفه قانون گذاری را بر عهده دارد و دوم اینکه قوای مختلف بر همدیگر نظارت نمایند تفکیک مطلق قوا میزان ایجاد خواهد شد که از یک سو میان قوا هیچ تداخل کاری نباشد (هر چند با یکدیگر همکاری دارند) و از سویی هیچ گروهی نسبت به قوای دیگر از ابزار نظارتی و کنترلی برخوردار نباشد به بیان دیگر قوانین باید در برابر هم مسئولیت سیاسی داشته باشند. بر اساس آنچه گفته شد و با توجه به مفاد اصل پنجاه و هفتم و ضوابط مربوط به اعمال قوای سه گانه **❖** در اصول بعدی قانون اساسی بیان شده نتیجه می‌گیریم که در جمهوری اسلامی ایران تفکیک نسبی قوا با برتری قوه مقننه و ویژگی خاصی یعنی (زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت) بودن مورد پذیرش قرار گرفته است این ویژگی موجب شده که تفکیک قوا و ساختار حکومتی پذیرفته شده در ایران از سایر تفکیک قوا های مرسوم و ساختارهای حکومتی در قالب کشورهای دنیا متمایز گردد با وجود این ویژگی تفکیک قوا و ساختار حکومتی در ایران دارای (شانیت ولایی) است.

۲. اعمال قوای سه گانه زیر نظر ولایت مطلقه فقیه:

شانیت والای ساختار حکومتی یا اعمال قوای سه گانه زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت سبب شده است که این شبهه پیش آید: با توجه به فلسفه اصل تفکیک قوا (پیشگیری از تمرکز قدرت در دست یک نفر) با اعمال قوای سه گانه زیر نظر رهبر مغایر با این اصل است و چه بسا موجب فساد رهبر و دیکتاتوری او می‌شود.

پاسخ به این شبهه را با بیان سه مقدم آغاز می‌کنیم:

۱. تمرکز قدرت همیشه و به طور مطلق تصاویر و مذموم نیست بلکه اگر قدرت در دست افراد ناصالح و بی تقوا جمع شود زمینه فساد آنها فراهم شده است در حقیقت اگر (تیغ در کف زنگی مست) باشد موجب ترس و نگرانی خواهد شد اما اگر قدرت در دست افراد پاک سرشت و انسانهای خداترس باشد نه تنها مورد مذمت نبوده و جای هیچ نگرانی باقی نمی‌ماند بلکه موجب آسودگی افراد از بابت فساد ایشان نیز می‌شود.

۲. از آنجا که در اندیشه کلامی شیعه غیر از معصومان علیه السلام همه انسان‌ها در معرض اشتباه و گناه قرار دارند، باید در حد امکان از چنین تمرکزی ایجاد شود در حد امکان از تمرکز قدرت پیش‌گیری شود. از این رو در صورتی که چنین تمرکزی ایجاد شود (شبهه آنچه در اصل پنجاه و هفتم مشاهده شده باید پاسخ کافی و به مناسبی برای آن وجود داشته باشد

پذیرفتنی است؛ چراکه قانون‌گذار لیا فقیه را پذیرفته و بدین ترتیب حکومت ایرا لوازم آن را نیز بپذیریم. بر پایه اصل ولای ای این اصل را نشانه تمرکز قدرت در دست رهبر بدانیم، از لحاظ منطق حقوقی ت؛ چراکه قانون‌گذار اساسی در اصل پنجم و اصل پنجاه و هفتم، ولایت مطلقه و بدین ترتیب حکومت ایران دارای شأن «ولایی» شده است، از این رو باید مدیری برپایه اصل ولایت مطلقه، ولایت ولی فقیه بر همه امور و شئون که به طور کلی در سه حوزه تقنین، اجرا و فضا می‌گنجد - ثابت می‌شود. از همین رو، امر تأمین و فراهم شدن زمینه اعمال ولایت مطلقه فقیه در کشور می‌باید به گونه ای این ولایت تحقق یابد. به همین دلیل در اصل مزبور، اعمال قوای سه گانه زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت پیش‌بینی شده است.

البته از لحاظ شرعی و حقوقی نیز می‌باید به این شبهه پاسخ گفت که در پی می‌آید. نخست. از لحاظ شرعی بر اساس مبانی دینی، در حکومت ولایی، همه امور کشور، نهادها و دستگاههای مختلف باید مشروعیت خود را از ناحیه ولی و حاکم شرعی جامعه به دست آوردند. در زمان حضور معصوم که این مشروعیت از ناحیه حضرت داده می‌شود، اما در زمان غیبت مشروعیت قوای حاکم و دستگاه‌های مختلف، از فقیه واجد شرایطی که در جامعه ولایت دارد، ناشی می‌شود و بدین ترتیب مشروعیت، عملکرد آنها را تضمین می‌کند. به بیانی دیگر با اعمال قوای سه گانه زیر نظر رهبر، این قوا مشروعیت یافته، بر امور جامعه در حیطه کار خود ولایت می‌یابند و بدین گونه، اقداماتشان نافذ خواهد شد

دوم، از لحاظ حقوقی. آنچه در این اصل بیان شده، «نظارت بر قواست و نظارت، غیر از تمرکز قدرت مرسوم یا اجرا و اعمال همه امور کشور توسط یک شخص است. به بیان دیگر، موجب به که تصمیم گیری درباره امور گوناگون و اجرای آنها، در یک شخص متمرکز صورت، خوف فساد و خودرایی وجود دارد. بر این اساس به موجب اصل مزین دارد بر کار همه قوا نظارت داشته باشد تا در صورت مشاهده تخلف و انیان دهد و به مسیر صحیح بازشان گرداند، یا اگر بین قوای کشور اختلاف و تداخل آید در مقام حل اختلاف آنها برآید. بررسی تاریخ بعد از انقلاب در مورد اجرای ای نشان دهنده آن است که قوای سه گانه زیر نظر ولی فقیه همواره آزادانه و با ان انجام وظایف خود پرداخته اند، بی آنکه وی در کار قوای مختلف دخالت کرده با مصلحت کشور و مردم اقتضا کند که در این صورت وی به قوهای تذکریم اقدامی خاص جلوگیری می کند.

۲. جدای از اینکه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در ابتدا از سوی نمایندگان مردم - در مجلس خبرگان مؤسس - به تصویب و تأیید امام خمینی قلع رسیده، این قانون به رای مردم نیز گذارده شده است. از این رو، مفاد آن کاملاً مورد تأیید مردم قرار گرفته و آنها آزادانه کلیه مندرجات آن از جمله اصل ۵۷ را پذیرفته اند.

۳. از لحاظ حقوق اساسی، وجود اصل ۵۷ در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نکته جدیدی نیست، بلکه در برخی دیگر از کشورها نیز نهاد ناظری شبیه به نهاد ولایت فقیه وجود دارد که هم وظایف مهم و اساسی حکومت را عهده دار است و هم بر کار قوای سه گانه نظارت و روابط آنها را با یکدیگر تنظیم می کند و در صورت مشاهده انحراف نیز به آنها تذکر می دهد. در اصطلاح حقوق اساسی به چنین مقامی که مافوق قوای تشکیل دهنده حکومت قرار دارد و گاهی نیز به صورت جمعی یا شورایی است به «قوة تعدیل کننده» گفته می شود.

، یکی از شرایط پیش بینی شده و اطمینان را ایجاد می کند که جن داشته باشد، به هیچ رو امکان تحقق یا رهبر تضمین کننده عدم انحراف او از

با پیش بینی شده برای رهبر، عدالت و تقوا» است. وجود این شرما این

کند که حتی اگر کوچکترین احتمال سوء استفاده رهبر از مفاد این اجمل وجود رو امکان تحقق یافتن این امر وجود نخواهد داشت؛ چراکه نخارت خبرگان بر عدم انحراف او از مسیر عدالت و تقواست، به سخنی دیگر، هنگامی که رهبر از تم خود سوء استفاده کند، خود به خود از مقامش برکنار می شود و خبرگان موظفاند و پس از اعلام خبر انزال وی، رهبر جدیدی تعیین و معرفی کنند. این اقدام،

بنده یکی از آرمان های اجرایی دولت یا نظام جمهوری اسلامی ایران است که در بند مسیر اصل سوم بیان شده: «محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی»

ب) اعمال قوای سه گانه

اصولاً در نظام های مردم سالار تشکیل قوای سه گانه و توزیع قدرت میان آنها، ناشی از حق حاکمیت مردم بر سرنوشت اجتماعی شان است؛ بدین معنا که در این گونه نظامها، مردم بر شئون مختلف خود حاکم هستند و خود تصمیم می گیرند تا سرنوشت خویش را به دست نمایندگانشان بسپارند. بر این اساس فصل سوم قانون اساسی بدین عنوان نام گرفته: «حق حاکمیت ملت و قوای ناشی از آن.» در این فصل پس از بیان نوع حاکمیت و شکل حکومت در جمهوری اسلامی ایران، نحوه اجرا یا اعمال قوای ناشی

از حق حاکمیت ملت بیان شده است. اصول پنجاه و هشتم تا شصت و یکم قانون اساسی در مقام بیان این مهم است.

یک. اعمال قوه مقننه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دو شیوه برای اعمال قوه مقننه یاق پیش بینی شده است که بدانها می پردازیم  
فتنه با قانون گذاری

شیوه نخست. قانون گذاری غیرمستقیم ایی تردید مردم به دلیل دارا بودن حق حاکمیت بر سرنوشت اجتماعی خودشان مورد قوانین حاکم بر خود، در محدوده احکام و موازین اسلامی تصمیم بگیرند. اما از آنی امروزه به سبب گستردگی جوامع و فراوانی تعداد مردم و تنوع و پیچیدگی امور، در عا قانون گذاری مستقیم از سوی مردم وجود ندارد، این مهم به صورت غیرمستقیم می پذیرد؛ بدین ترتیب که مردم افرادی را به نمایندگی از سوی خود برای تصویب قوانین برمی گزینند تا ایشان با در نظر گرفتن مصالح مردم و کشور قوانین را تصویب کنند. در این روش، درحقیقت اراده نمایندگان نشان دهنده اراده انتخاب کنندگان یا ملت است. بر این بنیاد قانون گذار اساسی در اصل پنجاه و هشتم می گوید:  
اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می شود و مصوبات آن پس از طی مراحلی که در اصول بعد می آید، برای اجرا به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ می گردد. فصل ششم قانون اساسی (اصل ۶۲ تا ۹۹) مربوط به قوه مقننه است که در جای خود به آن می پردازیم.

شیوه دوم. قانون گذاری مستقیم با آنکه در اصل پنجاه و هشتم، اصل بر قانون گذاری غیرمستقیم گذارده شده، قانون اساسی پیش بینی کرده است در موارد بسیار مهمی که رأی و نظر مردم اهمیت بالایی دارد، امکان هر به آرا عمومی مردم نیز وجود داشته باشد. اصل پنجاه و نهم در این زمینه مقرر کرده است:

در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه پرسی و مراجعه مستقیم به آراء مردم صورت گیرد درخواست مراجعه به آرای عمومی باید به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس برسد.

به منظور اجرای این اصل و جمهوری اسلامی ایران» به قانون، همه قشرهای جامی عمومی گذارده می شود، به یکی از د همه پرسی به پیشنهاد رئیس جمهور با یک این اصل، در سال ۱۳۶۸ قانونی تحت عنوان «قانون همه پرسی در ایران» به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. به موجب این های جامعه باید بتوانند با آزادی کامل نظر خود را درباره موضوعی که به آرا عمومی گذارده

می شود به یکی از دو صورت «آری یا نه به صورت مخفی اعلام کنند و پیشنهاد رئیس جمهور با یکصد نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و با سب دست کم دو سوم مجموع نمایندگان مجلس، انجام خواهد شد  
نه گفتنی است پس از پیروزی انقلاب تاکنون زمینه اجرای اصل فوق و قانون مربوط به ان ماده است؛ ضمن آنکه خاطر نشان می سازیم منظور از همه پرسی مذکور در بند سوم اصل

که صدور فرمان آن یکی از وظایف رهبری است. همه پرس‌ی مندرج در اصل ۱۷ است که در اصطلاح به آن همه پرس‌ی اساسی» گفته می‌شود که برای تصویب نهایی قانون اساسی صورت می‌گیرد. این همه پرس‌ی، با همه پرس‌ی تقنینی مندرج در اصل پنجاه و نهم تفاوت دارد. دو اعمال قوه مجریه منظور از اعمال قوه مجریه، انجام امور اجرایی کشور در زمینه های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر طبق قوانین و مقررات است. براساس اصل شصتم قانون اساسی

اعمال قوه مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیماً برعهده رهبری گذارده شده، از طریق رئیس جمهور و وزارت براساس این اصل، قوه مجریه دو رکن دارد: رهبر و رئیس جمهور، وظایف اجرایی رهبر - ۱ به عنوان بالاترین رکن اجرایی کشور - در اصل یکصد و دهم مورد اشاره قرار گرفته که در جای خود به آن پرداخته می‌شود. وظایف رئیس جمهور نیز در اصول متعددی از قانون اساسی آمده است که در مبحث مربوط بیان خواهد شد.

فصل نهم قانون اساسی (اصل ۱۱۳ تا ۱۵۱) مربوط به چگونگی اعمال قوه مجریه است.

سه اعمال قوه قضاییه:

اصل شصت و یکم قانون اساسی در مورد اعمال قوه قضاییه می‌گوید:

اعمال قوه قضاییه به وسیله دادگاههای دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی بپردازد.

در این اصلن تنها به چگونگی اعمال قوه قضاییه بر که به مهمترین اهداف غذا در اسلام نیز اشاره شده است این اهداف عبارت است از تست حقوق عمومی گسترش و اجرای عدالت و نیز اقامه حدود الهی. سایر اهداف و وظایف قوه قضاییه در اصول دیگر قانون اساسی بیان شده است.

## فصل هفتم

در فصل پیش با شکل حکومت در جمهوری اسلامی ایران آشنا شدیم. براساس آنچه گفته شد، ساختار حکومتی در ایران دارای چهار رکن است: رهبر و قوای مقننه، مجریه و قضائیه. در کنار قوای سه گانه، دستگاه‌ها و نهادهای خاص و مستقلی نیز حاکمیت را اعمال می‌کنند.

در این فصل و فصل‌های بعدی به ترتیب در مورد هر یک از این ارکان و دستگاهها به بحث خواهیم نشست.

### الف) جایگاه رهبر

#### یک جایگاه رهبر در اندیشه اسلامی

مسئله مدیریت و رهبری جامعه یکی از مسائل مهم نظام حکومتی اسلام شمرده می‌شود.

متون اسلامی سرشار از آموزه‌هایی است که بر اهمیت جایگاه و نقش امام و رهبر در جامعه تاکید می‌کند که خداوند در قرآن کریم امامت و حکومت بر مردم را امتیاز و مقامی برای برخی پیامبران نسبت به پیغمبران دیگر دانسته است در مورد پیامبر اسلام و اولیای پس از آن حضرت اطاعت مطلق را فرمان داده و مردم را به رجوع آنها در موادی که در آن نزاع دارد فراخوانده است در نظام سیاسی اسلام همواره دو اصل در کنار یکدیگر قرار گرفته و حکومت ولایی را پی ریزی نموده اند یکی از اصل عدم ولایت کسی بر دیگری بدین معنا که کسی بر دیگری ولایت ندارد و افراد در زندگی خود

آزادند و دیگری ضرورت وجود حکومت حاکم و رهبر در جامعه انسانی در مبانی دینی نیز وجود امیر برای مردم ناگزیر دانسته شده است نتیجه کنار هم قرار گرفتن این دو اصل آن است که در جامعه سیاسی اصل عدم ولایت کسی بر دیگری دچار استثناء می شود و انسان های آزاد در مورد امور عمومی تحت ولایت رئیس جامعه قرار می گیرند یعنی بر اساس حکم عقل امام و رهبر محور مرکزی هر نظام سیاسی شمرده می شود بنابراین وجود او به عنوان ولی برای اداره امور جامعه و مردم و استقرار نظم و امنیت بوده اطاعت مردم از وی نیز ضرورتی انکار ناپذیر است این ضرورت تا بدان پایه است که امام علیه حکومت والی بسیار ستمگر و کینه توز را بهتر است فتنه های مداوم ناشی برترین ثمره وجود حاکم و رئیس در هر جامعه ایجاد نظم و حفظ نظام اجتماعی است از این رو پیامبر اکرم ولی امر و زمام دار اسلامی را به عنوان نظام الاسلام معرفی نموده است در روایت رهبر جامعه به نظام یا ریسمانی که دانه های مروارید را به هم متصل می کند و یا به محوری که از وسط دو سنگ آسیا عبور می کند تشبیه شده است علی در بیان نقش رهبر جامعه او را به محور آسیا مانند می کند جایگاه رهبر چون چنان ریسمانی محکم است که مهره ها را متحد ساخته به هم پیوند می دهد اگر این رشته از هم بگسلد مهره ها پراکنده و هر کدام به سویی خواهند افتاد و هرگز جمع آوری نخواهند شد در روایتی دیگر از امام علی در مورد ضرورت تعیین حاکم از زمامدار برای جامعه پیش از هر کار آمده است در حکم خداوند و حکم اسلام و مسلمین واجب است بعد از آنکه امامشان فوت کرد یا کشته شد خواه آن امام گمراه باشد یا هدایت شده دست به هیچ اقدامی نزنند و دستی پیش نمی برند و قدمی بر ندارند مگر آنکه قبل از آن برای خویش امامی با افت عالم با تقوا آشنا به قضاوت برگزینند امامی که وجوه حکومتی را جمع آوری کرده و حج آنها را اقامه نموده و اجتماعشان را حفظ کند و صدقاتشان را جمع کند. هر چند بدان اشاره شد مربوط به زمان حضور امام معصوم

است و نباید فراموش شود چه نقش بنیادی و مهم امام در زمان غیبت نیز برقرار است ضمن آنکه این نقش به جانشینان ایشان یعنی فقهای واجد شرایط ولایت نیز منتقل می‌شود به بیانی دیگر همانگونه که در زمان وجود امام معصوم در حفظ پایه های نظام سیاسی نقش اساسی دارد در زمان غیبت وی این جایگاه به ولی فقیه می‌رسد و مردم می‌باید از او اطاعت کند امام خمینی درباره تشابه نقشی محوری و ولایت فقیه با نقش و جایگاه پیامبر و امام معصوم می‌گوید اگر فرد لایقی که دارای این دو خصلت عدالت و علم باشد به پا خواست و تشکیل حکومت داد به همان ولایتی را که حضرت رسول اکرم در امر اداره جامعه داشت دارا می‌باشد و بر همه مردم لازم است که از او اطاعت کند این توهم که اختیارات حکومتی رسول اکرم بیشتر از حضرت امیر بود یا اختیارات حکومتی حضرت امیر بیش از بقیه است باطل و غلط است البته فضایل حضرت رسول اکرم بیش از همه عالم است و بعد از ایشان فضایل حضرت امیر از همه بیشتر است لکن زیادی فضایل معنوی اختیارات حکومتی را افزایش نمی‌دهد همان اختیارات و ولایتی که از دست اول و دیگر ائمه در تدارک و بسیج سپاه تعیین ولات و استانداران اختیارات را برای حکومت فعلی قرار داده است منتها شخص معینی نیست روی عنوان عالم عادل است همچنین امام رضا در حدیثی به تفصیل امامت و رهبری را زمام دین و نظام مسلمین معرفی می‌کند که بسیاری از امور حکومتی از قبیل اجرای حدود و حفظ مرزها و دفاع از دین را بر عهده دارد از آنچه گفته شد آشکار می‌شود که مفهوم ولایت فقیه با ولایت و محجورین تفاوت دارد ولایت فقیه در ادامه ولایت خدا پیامبر و امامان معصوم از ولایت بر امور عمومی جامعه در جهت حفظ مصالح عمومی و منافع اسلام و مسلمین است اما ولایت ولی یا قیم بر محجورین شامل صغار و مجانین و مانند آنها ولایت بر امور خصوصی ایشان است که پیش از آن که وظیفه حاکم اسلامی باشد. وظیفه اولیایی شریان‌ها پدر و جد پدری یا کسی که دادگاه تعیین می‌کند است.



دو. جایگاه رهبر در قانون اساسی جمهوری اسلامی

در زمان تصویب قانون اساسی به پیروی از اندیشه سیاسی اسلام دیدگاه های فقهی بزرگ شیعه ولایت فقیه به عنوان یکی از اصول اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران به این قانون راه یافت و بدین ترتیب برای اولین بار یک نهاد حکومتی دینی جنبه قانونی و رسمی یافت در مقدمه قانون اساسی ضرورت و هدف پایه گذاری نهاد ولایت فقیه اینگونه تاسیس شده است بر اساس ولایت امر و امامت مستمر قانون اساسی زمینه تحقق رهبری فقیه جامع الشرایطی ای را که از طرف مردم به عنوان رهبر شناخته می شد آماده می کند تا ضمن عدم انحراف سازمان های مختلف از وظایف اصیل اسلامی خود باشد بنیان این اصل نیز در اصل پنجم قانون اساسی اینگونه بنا نهاده شده در زمان غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوا آگاه به زمان شجاع مدیر و مدبر به دست که طبق اصل یکصد و هفتم عهده دار آن می گردد فصل نهم نهادینه کننده به ولایت فقیه در قانون اساسی است و هم بیان کننده اینکه ولایت فقیه در ادامه ولایت امامان معصوم در عصر غیبت است این امروز برگرفته از روایاتی است که به موجب آن ها فقها از سوی پیامبر اسلام و ائمه اطهار به عنوان جانشینان آنحضرت معرفی شده اند تا مردم در پیشامدها به ایشان مراجعه کنند به موجب این سخن ولایتی از لحاظ منش از آن خداوند است در عصر به معصومان اختصاص دارد و در زمان غیبت به فقهای جامع الشرایط واگذار می شود البته در اصل فوق برخی از شرایط رهبر نیز ذکر شده است فصل هشتم قانون اساسی به بیان مسائل مربوط به ولایت فقیه به رهبری پرداخت است در برخی دیگر از اصول قانون اساسی نیز به پاره ای از وظایف رهبر اشاره شده است در ادامه این فصل و فصل بعد به اجمال به این اصول می پردازد.

(ب) ویژگی های رهبر

در متون اسلامی صفات و ویژگی‌های خاصی برای رهبری جامعه اسلامی در نظر گرفته شده است قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز بر اساس همین روایات و فتاوای فقها در سه اصل شرایط و ویژگی‌های رهبر را برشمرده یکی از اصل پنجم که پیشتر ذکر شد و دو دیگر نیز اصول یک صد و هفتم و یکصد و نهم که اصل اخیر مستقلاً در مقام بیان شرایط علمی اختلاقی و مدیریتی رهبر از مطابق این اصل

:شرایط و صفات رهبر

1. صلاحیت علمی لازم برای افتا در ابواب مختلف فقه

2. عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام

3. بینش صحیح سیاسی و اجتماعی تدبیر شجاعت مدیریت و قدرت کافی برای رهبری.

در صورت تعدد واجدین این شرایط شخصی که دارای بینش فقهی و سیاسی قوی‌تری باشد مقدم است بیان چند نکته در این خصوص ضرورت دارد نکته نخست منظور از صلاحیت علمی لازم برای افتا در ابواب مختلف فقه که شرط علمی رهبر است\_ دارا بودن قوه اجتهاد است اجتهاد نیز به معنای توانایی علمی استخراج احکام شرعی از منابع فقه است که بدون سطح اجتهاد مطلق و اجتهاد جزئی قابل تقسیم است منظور از اجتهاد مطلق اجتهادی است که مجتهد توانایی فتوا دادن در همه ابواب فقهی اعم از عبادی آرت و معاملات را دارد اما اجتهاد جزئی آن است که مجتهد در یک یا چند زمینه فقهی در صلاحیت افتا دارد بر اساس آنچه گفته شد و بر باید کسی باشد که دارای قوه اجتهاد مطلق باشد یعنی بتواند در همه مسائل فقهی مورد نیاز اجتهاد کند و فتوا دهد.

نکته دوم: در بند دوم این اصل شرط اخلاقی رهبری یعنی عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام پیش‌بینی شده است نوع بیان قانونگذار در این زمینه گویای آن است که عدالت و تقوای رهبر باید بیشتر و شدیدتر از عدالت و تقوایی باشد که در امسال قضاوت و شهادت دادن لازم است

نکته سوم: در بند سوم نیز از شرایط مدیریتی رهبر ذکر شده است منظور از داشتن قدرت کافی برای رهبری این است که رهبر باید توانایی و سلامت جسمی کافی برای ایفای وظایف خطیر رهبری را داشته باشد

نکته چهارم: مطابق این اصل در صورتی که واجدین شرایط رهبری افرادی متعددی باشند خبرگان باید کسی را بر دیگران مقدم دارند که نسبت به سایرین از بینش فقهی و سیاسی قوی‌تری برخوردار باشد این حکم بیانگر برتری و تقدم شرط علمی و توانمندی سیاسی نسبت به سایر شرایط است

نکته پنجم: این اصل هیچ اشاره‌ای به شرایط سنی تابعیتی و سوابق اجرایی و سیاسی رهبر نشده است در حقیقت مسکوت گذاشتن این موارد ناشی از نظریه ولایت فقیه است که بر اساس مبانی دینی به اثبات رسیده است در روایات مربوط به سایر دلایل مورد استناد در این نظریه به این شرایط تصریح نشده اگر چه از لحاظ حقوقی افزودن شرط تابعیت ایرانی به شرایط رهبر خالی از وجه نیست

ج) گزینش رهبر

به طور کلی در زمینه گزینش شده بر یا ولی فقیه در دوران غیبت امام عصر دو نظریه وجود دارد برخی معتقدند که بر اساس روایات مورد استناد در مورد ولایت فقیه همه فقها واجد شرایط ولایت و رهبری بر جامعه به طور عام از سوی معصومان برای تصدی این مقام در این دوران منصوب شده‌اند این نظریه را نظریه انتصاب می‌گویند که بر

پایه آن در هر زمان یکی از فقهاهایی که واجد شرایط برتر نسبت به دیگران است به عنوان والی و رهبر جامعه ایفای وظیفه می کند پاد های دیگر بر آن اند که چنین نصب عامی از سوی معصوم آن صورت نگرفته است بلکه در هر زمان مردم باید با ملاحظه شرایط لازم برای رهبر و ولی فقیه او را از میان واجدان شرایط برگزینند بین نظریه نیز نظریه انتخاب گفته می شود جدایی از بررسی مبانی فقهی این دو نظریه به نظر می رسد مفاد اصل پنجم قانون اساسی به نظریه انتصاب اشاره داشته و اصول یک صد و هفتم یکصد و هشتم و یکصد و یازدهم که در مقام بیان چگونگی تعیین رهبر و نظارت بر اوست ناظر به نظریه انتخاب است اصل یکصد و هفتم قانون اساسی در مورد شیوه انتخاب رهبر میگوید

پس از مرجع عالی قدر تقلید و رهبر کبیر انقلاب جهانی اسلام بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت الله العظمی امام خمینی قدس سره الشریف که از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته شدند تعیین رهبر به عهده خبرگان منتخب مردم است خوبسنگان زه بری درباره همه فقهای واجد شرایط مذکور bدر اصول پنجم و یکصد و نهم بررسی و مشورت می کنند هر گاه یکی از آنان را اعلم احکام و موضوعات فقهی یا مسائل سیاسی و اجتماعی یا دارای مقبولیت عامه یا واجد و برجستگی خاص در یکی از صفات مذکور در اصل یکصد و نهم تشخیص دهد او را به رهبری انتخاب می کنند و در غیر اینصورت یکی از آنان را به عنوان رهبر انتخاب و معرفی می نمایند و رهبر منتخب خبرگان به ولایت امر و همه مسئولیت های ناشی از آن را بر عهده خواهد داشت بر اساس این اصل به طور کلی دو شیوه برای انتخاب رهبر قابل تصور است که در پی می آید

یک. پذیرش عمومی

به موجب قسمت نخست اصل یادشده پذیرش عمومی فقط در مورد امام خمینی روی داده است بدین ترتیب که از همان آغاز نهضت اسلامی ملت ایران ایشان را به عنوان رهبر و بنیانگذار انقلاب پذیرفتند و پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز بدون برگزاری انتخاباتی خاص بر رهبری او گردن نهادند پس از ارتحال رهبر کبیر انقلاب این شیوه انتخاب رهبر نیز پایان پذیرفت و از آن پس شیوه دوم یعنی انتخاب رهبر از طریق مجلس خبرگان رسمیت یافت

دو. انتخاب به وسیله مجلس خبرگان

مطابق قسمت دوم این اصل نمایندگان مجلس خبرگان به نمایندگی از سوی مردم این وظیفه مهم را بر عهده دارند شیوه کار خبرگان به روشنی در این اصل باز آمده است ضمن آنکه در این آیین نامه داخلی مجلس خبرگان نیز به تفصیل در این باره راه کارهایی بیان شده در اینجا ممکن است سوال یا شبهه‌ای مطرح شود که در اصطلاح به آن شبهه دور می گویند پیش از پاسخ به این سوال شایسته است ابتدا مفهوم دور و چگونگی آن را در انتخاب رهبر توضیح دهیم در اصطلاح دور عبارت است توقف شی بر خودش مانند اینکه بگوییم وجود الف متوقف بر وجود ب و وجود ب نیز بر وجود الف متوقف است الف زمانی ایجاد خواهد شد که ب به وجود آید و ب نیز زمانی ایجاد خواهد شد که الف ایجاد شده باشد و به همین ترتیب باید دور زد. اما دور ادعا شده در مورد انتخاب رهبر به وسیله خبرگان این گونه تقسیم می شود طبق قانون انتخابات مجلس خبرگان وظیفه تشخیص صلاحیت علمی داوطلبان نمایندگی در مجلس خبرگان بر عهده فقهای شورای نگهبان و تایید صلاحیت عمومی آنها نیز بر عهده همه اعضا است (مشروعیت خبرگان وابسته به فقهای شورای نگهبان است) و مجلس خبرگان نیز رهبر را انتخاب و معرفی می نمایند مشروعیت رهبری به خودروسازان وابسته است و سوی دیگر فقهای شورای نگهبان را رهبر منصوب می کند مشروعیت

فقه‌های شورای نگهبان وابسته به رهبری است نتیجه آن که در انتصاب و اعطای مشروعیت نهادهای سه گانه شورای نگهبان خبرگان و رهبری دور به وجود می آید و دور هم باطل است و امکان وقوع ندارد به همین دلیل در مشروعیت رهبری نظام اشکال به وجود می آید پیش از آنکه پاسخ این شبهه را بیان کنیم بیان مقدمه لازم است بر فرض آن که دور هم محقق باشد احتمال تحقق فساد ناشی از آن بسیار ضعیف است چرا که یکی از شرایط فقه‌های شورای نگهبان عدالت است این ویژگی موجب می شود آنها در مورد داوطلبان به گونه‌ای غیرعادلانه و بر اساس سلیقه های شخصی خود اظهار نظر نکنند به دیگر بیان اصل بعد از اعمال عدالت از سوی آنهاست مگر آنکه خلاف آن ثابت شود البته بدیهی است با این مقدمه دور مطرح شده پاسخ داده نمی شود از این رو در ادامه بدان پاسخ می‌دهیم

1. عضویت اعضای مجلس خبرگان از یکسو نیازمند تایید صلاحیت ایشان به وسیله فقهای شورای نگهبان یا همه اعضا است و سوی دیگر بر اساس نظریه انتخاب ولی فقیه داوطلبان عضویت در مجلس خبرگان باید توسط مردم به این سمت انتخاب شوند بنابراین تایید شورای نگهبان یک پایه عضویت اعضا و دیگر سخن همه مشروعیت خبرگان مبتنی بر نظر شورای نگهبان نبوده و صرف تایید شورای نگهبان موجب و مجوز عضویت در خبرگان نیست

2. بر اساس نظریه انتصاب ولیه فقیه مشروعیت رهبری ولی فقیه به دلیل مردم و خبرگان وابسته نیست بلکه مشروعیت وی به نصب عام الهی است و کار خبرگان فقط تشخیص فرد لایق برای تصدی این مقام است از این رو اساسا در مشروعیت وی دوری پیش نمی آید

ممکن است گفته شود مبنای انتخاب رهبر قانون اساسی است نه نظریه انتخاب یا 3. انتصاب و در فرایند تعیین رهبر در این قانون دور مشاهده می شود در این صورت پاسخ می دهیم حتی اگر مبنای انتخاب رهبر قانون اساسی باشد باز هم در عمل دوری وجود نخواهد داشت بدین بیان که تعیین امام خمینی به رهبری به وسیله خبرگان نبوده است بلکه ایشان با گزینش عمومی مردم به این سمت انتخاب گردید و تعیین آیت الله خامنه‌ای به این سمت نیز بر عهده خبرگان ای بوده که در زمان امام خمینی با تایید شورای نگهبان آن زمان تشکیل شده است به سخنی دیگر رهبری فعلی در تعیین فقهای شورای نگهبان ای که صلاحیت خبرگان تعیین کننده وی را تایید کرده‌اند که هیچ نقشی نداشته است همین قضیه در مورد رهبر بعدی نیز صادق است بدین معنا که رهبر بعد از رهبری فعلی به وسیله خبرگانی تعیین می‌شود که در زمان این رهبر تشکیل شده است خلاصه این که مشروعیت قانونی رهبر فعلی وابسته به خبرگان تشکیل شده در زمان رهبر قبلی است و مشروعیت رهبر بعدی نیز بسته به خبرگانی است که در زمان رهبر فعلی تشکیل شده است بدین ترتیب عملاً دوری ایجاد نخواهد شد آنچه تاکنون در مورد رد دوری گفته شده نسبت به فرآیند انتخاب رهبر صدق می‌کند اما در خصوص نظارت خبرگان بر عملکرد رهبر این دور جاری می‌شود یعنی اگر چه انتخابات خبرگان رهبری در هر دوره مجلس خبرگان به وسیله شورای نگهبان ای برگزار می‌شود که رهبر منتخب آن شورای نگهبان را منصوب نکرده اما پس از انتخاب رهبر خبرگانی که پس از آن روی کار می‌آیند از ناحیه شورای نگهبانی تایید می‌شوند که منصوب به رهبر بودند و همین خبرگان مسئولیت نظارت بر عملکرد رهبری را بر عهده دارند در واقع دوری که ادعا شده در اینجا صادق است اگرچه عدالت و تقوایی که هم شرط رهبری هم شرط فقهای شورای نگهبان و هم شرط عضویت مجلس خبرگان از هرگونه شائبه ای را نفی می‌کند

د) پایان دوره رهبری و مسولیت های رهبر

یک. پایان دوره رهبری

همچنان که در فصل دوم این کتاب بیان شود در قانون اساسی مدت خاصی برای رهبری بیان نشده است این امر به معنای مادام العمر بودن رهبر نیست بلکه دور رهبری تا زمانی است که به شرایط لازم و توانایی کافی برای ایفای این مسئولیت را دارا باشد قسمت نخست اصل یکصد و یازدهم قانون اساسی در این زمینه مقرر می دارد هرگاه رهبر از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم گردد یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضی از شرایط بوده است از مقام خود برکنار خواهد شد تشخیص این امر به عهده خبرگان مذکور در اصل یکصد و هشتم می باشد به موجب این اصل هرگاه رهبر شرایط خود را از دست دهد یا مشخص شود از آغاز فاقد برخی شرایط بوده مانند آن که معلوم شود از ابتدا مجتهد مطلق نبوده خود به خود از مقامش برکنار می شود یا به اصطلاح از مقام خود منعزل می گردد نقش خبرگان در این میان تشخیص انزال رهبر و تعیین فرد جایگزین است در ادامه این اصل سه مطلب اساسی دیگر نیز پیش بینی شده است

1. در صورت پایان رهبری رهبر خبرگان و وظیفه دارند در اسرع وقت نسبت به تعیین و معرفی رهبر جدید اقدام نمایند
2. به هر دلیل که کشور موقتاً فاقد رهبری باشد شورایی وظایف و اختیارات رهبر را تا تعیین و معرفی رهبر بعدی بر عهده می گیرد می توان این شورا را که اعضای آن در این اصل مشخص شده شورای موقت رهبری نام نهاد



این دو مطلب به این ترتیب مقرر شده است در صورت فوت یا کناره گیری یا عزل رهبر خوبسنگان موظفند در اسرع وقت نسبت به تعیین و معرفی رهبر جدید اقدام نمایند تا هنگام معرفی رهبر شورای مرکب از رئیس جمهور رئیس قوه قضاییه و یکی از فقهای شورای نگهبان به انتخاب مجمع تشخیص مصلحت نظام همه وظایف رهبری را به طور موقت به عهده می گیرند و چنانچه در این مدت یکی از آنان به هر دلیل نتوانند انجام وظیفه نماید فرد دیگری به انتخاب مجمع یا حفظ اکثریت فقها در شورا به جای وی منصوب می گردد

به موجب ذیل این اصل محدودیت هایی برای شورا تعیین شده است در زمانی که 3. وظایف رهبری بر عهده شورای موقت رهبری است این شورا نمی تواند برخی از وظایف مهم او را انجام دهد مگر پس از تصویب سه چهارم اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام این شورا در خصوص وظایف بندهای 1، 2، 3، 5، 10 و قسمت های (د) و (هه) و (و) بند 6 اصل یکصد و دهم پس از تصویب سه چهارم اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام اقدام می کند. هرگاه رهبر بر اثر بیماری یا حادثه دیگری موقتاً از انجام وظایف رهبری ناتوان شود در این مدت شورای مذکور در این اصل وظایف او را عهده دار خواهد بود.

دو. مسولیت های رهبر

در این قسمت در مورد مسئولیت های مختلف رهبر سخن می گوئیم در ادبیات حقوقی واژه مسئولیت غالباً به معنی پاسخ گو بودن است با این توضیح که در حقوق خصوصی مراد از مسئولیت پاسخگویی در مقابل زیان دیده و جبران خسارت وی است در حقوق جزا منظور از مسئول بودن امکان مجازات کردن مجرم و پاسخگویی وی در مقابل بزه دیده و قانون است اما در حقوق عمومی هرگاه سخن از مسئولیت به میان می

آید بدین معنی است که مقام اجرایی در مقابل کسانی که قانون معین کرده است باید نسبت به وظایف و اختیارات قانونی خود و سایر مواردی که قانون تعیین می‌کند پاسخگو باشد به طور کلی رهبر و مسئولیت سیاسی حقوقی و مالی را عهده دار است.

## مسئولیت سیاسی. 1.

با استفاده از قسمت نخست و اصل یکصد و یازدهم مسئله نظارت بر رهبر و مسئولیت سیاسی رهبر در برابر خبرگان قابل اثبات است بدین بیان که لازمه تشخیص انعزال رهبر از سویی خبرگان نظارت خبرگان بر رهبر است چه این که بدون نظارت خبرگان نمی‌توان انتظار داشت آنها فقدان شرایط رهبری را تشخیص دهند و بر همین اساس کمیته ویژه‌ای در مجلس خبرگان تشکیل شده که وظیفه دارد تمام کردار و گفتار رهبر را زیر نظر گیرد همچنین لازمه نظارت خبرگان بر رهبر مسئولیت رهبر در مقابل خبرگان است بر این بنیاد خبرگان می‌توانند نسبت به وظایف و اختیارات رهبر از وی سوال کنند و وظیفه دارد به آنها پاسخ گوید.

## مسئولیت حقوقی رهبر. 2.

مسئولیت حقوقی رهبر در اصل یکصد و هفتم قانون اساسی بدین گونه بیان شده است رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است به موجب این جمله رهبر از جهت حقوقی با سایر افراد کشور تفاوتی ندارد و چنانچه تخلف یا جرمی از وی سرزند همانند سایر شهروندان مطابق قانون با او رفتار خواهد شد این امر از ویژگی‌های ممتاز نظام جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید که برخورد قانون با بالاترین مقام مملکتی و سایر افراد کشور یکسان است و هیچ مصونیتی برای رهبری نظام ایجاد نشده حال آنکه بر اساس قانون اساسی مشروطه شاهنشاه از هرگونه مسئولیتی مبرا بود هم اکنون نیز شاهد آنیم که در قوانین اساسی بسیاری از کشورها مصونیت‌های خاصی برای

سران کشور در نظر گرفته شده و رسیدگی و جرائم ایشان تابع تشریفات خاصی بیان شده است.

### مسئولیت مالی. 3.

در مورد مسئولیت مالی رهبر و سایر مقامات بلندپایه حکومتی نیز قانونگذار اساسی ترتیب خاصی را پیش بینی نموده است چنان که مطابق اصل ۱۴۲ می‌خوانیم دارای رهبر. رئیس جمهور. معاونان رئیس جمهور و وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت توسط رئیس قوه قضاییه رسیدگی می‌شود که برخلاف حق افزایش نیافته است

### فصل هشتم

در فصل پیشین پاره ای از مسائل و اصول قانون اساسی مربوط به رهبر را بررسی کردیم.

در این فصل نیز به بحث در مورد سایر اصول مربوط به نهاد رهبری و وظایف و اختیارات

رهبر خواهیم پرداخت.

الف) ولایت مطلقه فقیه در قانون اساسی

یکی از مباحث اساسی مرتبط با محدوده وظایف و اختیارات ولی فقیه، مسئله «ولایت مطلقه فقیه» است. در ابتدا مفهوم این گزاره را بیان می‌کنیم و سپس جایگاه آن را در قانون اساسی برمی‌رسیم

یک. تبیین ولایت مطلقه فقیه

در زمینه حدود وظایف و اختیارات ولی فقیه، نظریات گوناگونی از سوی فقها و صاحب نظران دینی مطرح شده که در دو نظریه خلاصه می‌گردد

نظریه نخست: برخی از فقها وظایف ولی فقیه را منحصر به اموری خاص دانسته‌اند؛ مانند فتوا دادن درباره مسائل شرعی مردم، قضاوت در میان آنان و سرپرستی امور حسبیه.

نظریه دوم: پاره‌ای نیز ولایت یا حیطة وظایف و اختیارات ولی فقیه را منحصر به امور خاصی و همچون موارد یادشده ندانسته و بر این باورند که دایره اختیارات وی همانند پیامبر 1 امامان معصوم محدود به امور خاصی نیست، بلکه رهبر جامعه یا ولی فقیه تا آنجا از

صلاحیت و اختیار برخوردار است که مصالح مردم و جامعه ایجاب کند. براساس این نظریه، حد و مرز اختیارات رهبر، «مصالح» جامعه اسلامی و مسلمانان است؛ یعنی تا جایی که مصلحت کشور و مردم ایجاب کند، از صلاحیت و اختیار کافی برخوردار است

و می تواند در این جهت، هر تصمیمی بگیرد و هر اقدامی را به عمل آورد. البته او نمی تواند در امور خصوصی مردم - مادامی که با امور عمومی در تعارض نباشد به دخالت کند.

در تفسیری دیگر از ولایت مطلقه فقیه، این نوع ولایت به معنای «انعطاف پذیری» دانسته

شده است؛ به این معنا که دستگاه ولایت باید بتواند دائما خودش را به موازات تحولات اجتماعی - که جزء سنت های زندگی انسان است - متحول کند. به سخنی دیگر، یک حالت انعطافی در دست ولی فقیه است که می تواند مسیر را اصلاح کند. مثلا در خصوص ایجاد و تاسیس بانکداری اسلامی، از این شیوه استفاده شده است.

در اصطلاح، به نظریه نخست که اختیارات و وظایف ولی فقیه را منحصر به موارد خاصی میداند، «ولایت مقیده فقیه» گفته می شود. اما به نظریه دیگر که این وظایف و اختیارات را محدود نمی شمرد و قائل به اطلاق آنهاست، «ولایت مطلقه فقیه» می گویند. بدین ترتیب، واژه «مطلقه» در اینجا در مقابل «مقیده» قرار دارد، اما نه اینکه به معنای بی قید و بندی و رها بودن و دیکتاتوری باشد. این نظریه در فقه دارای پیشینه های دراز بوده و از ادوار گذشته در میان فقها طرفداران بسیاری داشته است. از واژه «مطلقه» در بیان آنان تحت عناوین دیگری یاد شده؛ مانند ولایت کلیه الهیه، ولایت مبسوط الید و ولایت عامه.

نکته دیگر آنکه رعایت نکردن مصالح نظام از سوی ولی فقیه، از ضمانت اجرای کافی نیز برخوردار است؛ بدین ترتیب که اگر ولی فقیه مصالح کشور و مردم را مراعات نکند، شرط عدالت و بینش سیاسی و اجتماعی خود را از دست داده و در نتیجه از مقام خود منزحل میشود. این

ضمانت اجرا در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران براساس اصل یکصد و یازدهم، از طریق نمایندگان مجلس خبرگان عملی میشود.

دو. ولایت مطلقه فقیه در قانون اساسی

قانونگذار اساسی به پیروی از نظر فقهای شیعه به ویژه امام خمینی + ولایت مطلقه فقیه را پذیرفته است. چند اصل قانون اساسی بدین موضوع اشاره دارد

اول. اصل پنجم قانون اساسی در فصل کلیات که ولایت فقیه در دوران غیبت امام عصر را نهادینه ساخته، دلیلی بر پذیرش ولایت مطلقه فقیه در قانون اساسی است

مطابق این اصل در زمان غیبت، ولی فقیه به عنوان جانشین امام زمان معرفی شده است چون امام زمان مانند پیامبر اکرم 1 و سایر امامان معصوم از ولایت عام و مطلق برخوردار است، جانشینان وی باید از همین گونه ولایت برخوردار باشند

دوم. اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی به صراحت این نوع ولایت را برای ولی فقیه به رسمیت شناخته است

قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارت اند از قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند

این اصل بیان کننده برتری ولایت فقیه بر قوای تشکیل دهنده حکومت نیز هست که پیش تر در بحث شکل حکومت در جمهوری اسلامی ایران، مطالبی را بیان داشتیم. ناگفته نماند که در اصل یادشده عبارت «ولایت مطلقه امر و امامت امت»، به جای ولایت مطلقه

فقیه به کار رفته که از نظر معنایی با یکدیگر تفاوتی ندارند

سوم. از اصل یکصد و هفتم نیز می توان به پذیرش ولایت مطلقه فقیه از سوی قانون گذار اساسی پی برد

رهبر منتخب خبرگان، ولایت امر و همه مسئولیت های ناشی از آن را برعهده ..  
.... خواهد داشت

افزون بر آنکه «ولایت امر» در این جمله به صورت مطلق به کار رفته که از آن استفاده عموم می شود (رهبر در عموم مسائل مربوط به اداره کشور ولایت دارد)، از عبارت «همه»

مسئولیت های ناشی از ولایت» نیز می توان ولایت مطلقه رهبر را دریافت؛ بدین بیان که اصولاً تمامی امور کشور در سه امر تقنین، اجرا و قضا خلاصه می شود. جمله مزبور این مسئولیت های سه گانه را برعهده رهبری نهاده و این به معنای پذیرش «اصل ولایت مطلقه فقیه» در قانون اساسی است. درباره این جمله در مبحثی دیگر تحت عنوان «موقعیت رسمی رهبر» سخن خواهیم گفت

چهارم. بند ۸ اصل یکصد و دهم قانون اساسی نیز نشان دهنده پذیرش ولایت مطلقه فقیه است. مطابق این بند، «حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام»، از وظایف رهبر شمرده شده است. «معضلات نظام» به معنای گره های کوری است که ممکن است در نظام پیش آید و راه کار از پیش تعیین شده ای برای حل آن وجود نداشته باشد، یا نمی توان به صورت عادی راهکاری برای آن در نظر گرفت

بدیهی است این ترکیب اضافی (معضلات نظام عمومیت داشته و همه امور مختلف کشوراعم از اجرایی، تقنینی و قضایی را در برمی گیرد. واگذاری حل آنها به رهبری، به معنای اعطای اختیارات تام به وی در این راستاست و این همان پذیرش ولایت مطلقه

برای رهبر است. بدین بیان، رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، هر تصمیمی که در مورد حل معضل در هریک از قوای سه گانه و امور مربوط به آنها بگیرد، لازم الاجراست.

افزون بر روش یادشده (حل معضلات نظام طبق بند ۸ اصل ۱۱۰) رهبر می تواند از طریق صدور حکم ولایی یا حکم حکومتی (حکومتی) معضلات و مسائل مهم کشور را حل و فصل کند. حکم ولایی که در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی به اعتبار X از منابع حقوق اساسی شمرده می شود، «فرمانهای جزئی پیامبر و امام منصب حکومت داری» است. به بیانی دیگر، احکام حکومتی آن دسته از احکام جزئی و اجرایی است

که از جانب پیامبر اکرم و امامان معصوم به منظور اجرای احکام کلی الهی صادر می گردد. این منصب و اختیار صدور این گونه احکام، به استناد دلایل ولایت مطلقه فقیه، به

ولی فقیه نیز تسری می یابد.

بدیهی است حکم ولایی ولی فقیه که باید در راستای مصالح عمومی اسلام، دولت اسلامی و مردم مسلمان صادر شود، بر سایر احکام شرعی و قوانین مقدم است و به همین رو بر همه افراد اعم از مردم عادی و دولتمردان - واجب است که از آن پیروی کنند.

(ب) وظایف و اختیارات رهبر در قانون اساسی

:اصل یکصد و دهم قانون اساسی وظایف و اختیارات رهبر را این چنین برمی شمرد



۱. تعیین سیاستهای کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام؛
  ۲. نظارت بر حسن اجرای سیاستهای کلی نظام؛
  ۳. فرمان همه پرسی؛
  ۴. فرماندهی کل نیروهای مسلح؛
  ۵. اعلام جنگ و صلح و بسیج نیروها؛
  ۶. نصب و عزل و قبول استعفای فقهای شورای نگهبان، عالی ترین مقام قوه قضائیه، رئیس سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، رئیس ستاد مشترک، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی؛
  ۷. حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه؛
  ۸. حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام؛
  ۹. امضای حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون می آید، باید قبل از انتخابات به تایید شورای نگهبان و در دوره اول نیز به تایید رهبری برسد.
  ۱۰. عزل رئیس جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی، یا رای مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی
- براساس اصل ۲۸۹

عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس ۱۱۰.  
قوه قضائیه

رهبر می تواند برخی از وظایف و اختیارات خود را به شخص دیگری نیز تفویض کند. در خصوص این اصل بیان چند نکته ضروری است که در پی می آید

یک. گستره وظایف و اختیارات رهبر

در اصل پیش گفته، وظایف و اختیاراتی در چهار حیطه برای رهبر پیش بینی شده است: امور مربوط به اداره عالی نظام که مافوق قوای سه گانه است؛ امور مربوط به قوه مجریه، امور مربوط به قوه مقننه و امور مربوط به قوه قضائیه. در حقیقت احصای این وظایف، ترجمان دیگری از این جمله اصل یکصد و هفتم است

رهبر منتخب خبرگان، ولایت امر و همه مسئولیت های ناشی از آن را برعهده خواهد داشت ....

براساس این جمله است که انتخاب یا انتصاب سران قوای سه گانه به طور مستقیم یا غیرمستقیم، از وظایف رهبر شمرده شده است. همچنان که پیش تر گذشت، به این ترتیب قوای سه گانه از ناحیه ولی فقیه مشروعیت می یابند و صلاحیت اعمال ولایت را به دست می آورند

دو. حصری یا تمثیلی بودن وظایف و اختیارات رهبر

یکی از پرسش های مطرح در خصوص اصل یکصد و دهم این است که آیا وظایف و اختیارات شمرده شده برای رهبر در این اصل جنبه حصری دارد یا جنبه غیر حصری (تمثیلی)؟ با توجه به مشروح مذاکرات شورای بازنگری در قانون اساسی، به طور کلی در مورد گستره وظایف و

اختیارات قانونی رهبر دو نظریه وجود دارد

نظریه نخست: برخی بر این اعتقاد بوده و هستند که آنچه در اصل ۱۱۰ قانون اساسی آمده، وظایف و اختیارات انحصاری رهبر است؛ یعنی همه وظایف حکومتی رهبر در این اصل ذکر شده و قائل شدن وظایف و اختیاراتی بیش از موارد یازده گانه مذکور در این اصل، تخلف از قانون اساسی است. به تعبیری دیگر، وظایف یادشده در این اصل «جنبه حصری» دارد. مهم ترین دلیل این گروه آن است که او در حقوق عمومی، اصل بر «عدم صلاحیت» است،

مگر آنکه قانون وظایفی را برای مقامی بیان کند. به این معنا، اگر قانون برای کسی وظیفه و صلاحیتی تعیین نکرد، اصل بر عدم آن است؛ یعنی اگر ندانیم که آیا وظیفه ای خاص برعهده اوست یا خیر، اصل این است که چنین وظیفه ای ندارد. دوم اینکه اگر برای رهبر افزون بر

موارد مذکور در اصل ۱۱۰ اختیاراتی قائل شویم، نتیجه منفی در پی دارد؛ بدین معنا که برای رهبر، شانتی مافوق قانون قائل شده ایم که این نتیجه بی شک خلاف موازین حقوقی و قانونی است و موجب خودکامگی او می شود. سوم آنکه قانون گذار اساسی در وضع این اصل در مقام

بیان بوده و از همین رو آنچه در خصوص وظایف رهبر در نظر داشته، بدان تصریح کرده است. یادآور می شویم سخنگوی کمیسیون مربوط به مباحث رهبری که همزمان یکی از فقهای شورای نگهبان نیز بوده، در گزارش کمیسیون مزبور، نظر مسلم فقهای شورای نگهبان را منحصر دانستن وظایف رهبر به موارد مندرج در اصل ۱۱۰ «عنوان می کند. پس از این گزارش نسبت به اصلاحات اعمال شده در اصل مزبور رای گیری شد و این اصل با وضع کنونی به تصویب رسید.

شایان ذکر است پیروان این نظر در شورای بازنگری، در مقام مباحث نظری شرعی کاملاً بر نظریه ولایت مطلقه فقیه باور و اذعان داشتند، اما در مقام قانون گذاری و حقوق موضوعه بر این اعتقاد بودند که منحصر دانستن وظایف رهبر، پذیرفتنی نیست و ممکن است افزون

بر ایجاد اتهام علیه نظام اسلامی و نهاد رهبری، گاه موجب سوءاستفاده از آن نیز بشود. نظریه دوم: در مقابل پاره ای نیز بر این باورند که آنچه در اصل ۱۱۰ ذکر شده، «جنبه تمثیلی» دارد؛ بدین معنا که در این اصل نمونه ای از وظایف رهبر بیان شده و رهبر به جز این موارد نیز وظایف و اختیاراتی برعهده داشته یا می تواند عهده دار شود. به دیگر سخن، آنچه در این اصل ذکر شده، وظایف «انحصاری» رهبر است یعنی فقط در صلاحیت رهبرانجام دهد؛ نه وظایف حصری وی. برای این گفته نیز دلایلی چند ذکر شده که پاسخی به دلایل قول پیشین نیز شمرده می شود

اول. دلیل شرعی: از لحاظ شرعی، ولایت مطلقه فقیه که در قانون اساسی پذیرفته شده، در مبانی دینی ریشه دارد و مطابق آنچه پیش تر گفته شد، «ولایت مطلقه» بدین معناست که ولی فقیه در تمامی امور حکومتی دارای اختیارات است، مگر در مواردی که برای وی محدودیتی معین شده باشد؛ مانند آنچه برخلاف مصلحت عمومی است، یا دخالت در امور خصوصی مردم تلقی شود. حال بر این بنیاد، منحصر دانستن وظایف ولی فقیه در موارد

برشمرده شده در اصل یکصد و دهم، برخلاف مبانی دینی و اصل ولایت مطلقه فقیه است. توضیح آنکه، اطلاق اصل چهارم قانون اساسی مبنی بر اسلامی بودن تمامی قوانین و مقررات، شامل اصول قانون اساسی نیز می شود و از همین رو نمی توان اصلی برخلاف مبانی و موازین

دینی تصویب کرد. بدین ترتیب با پذیرش اصل ولایت مطلقه فقیه باید لوازم آن را نیز بپذیریم که یکی از مهم ترین آنها پذیرش نامحدود بودن وظایف حکومتی ولی فقیه است، مادام که برخلاف مصلحت عمومی اقدام نکند.

:دوم. دلایل حقوقی: در این باره می توان به چند دلیل اشاره داشت

اجرای «اصل عدم صلاحیت»، جایی است که تردیدی در کار باشد؛ یعنی اگر شک داشته باشیم که وظیفه ای جزء وظایف یک مقام است یا خیر، اصل بر این است که وظیفه

مورد تردید بر عهده او نیست؛ در حالی که با توجه به مبانی شرعی پیش گفته، بی گمان تمامی وظایف و اختیارات حکومتی قبل از هر کس برعهده رهبر است و از ناحیه اوست که این وظایف به دیگران تنفیذ می گردد.

در قانون اساسی برای رئیس جمهور نیز وظایفی ذکر شده است، اما هیچ کس قائل ۲. به این نیست که این وظایف جنبه حصری دارد؛ چه اینکه در قوانین عادی و عرف سیاسی و اجرایی، وظایف دیگری نیز بیش از آنچه در قانون اساسی برای رئیس جمهور ذکر شده، تعیین گردیده

است؛ مانند ریاست وی بر شوراهای عالی گوناگون که به موجب قوانین تشکیل می شود. بنابراین وظایف شمرده شده برای رهبر نیز منحصر به موارد ذکر شده در قانون اساسی نیست؛ همچنان که در برخی قوانین عادی نیز برای رهبر اختیاراتی تعیین شده است.

در کنار قانون اساسی، از منابع دیگری نیز مانند عرف زمامداری و قوانین عادی ۳. (قوانین مصوب مجلس) به عنوان منابع قواعد حقوق اساسی یاد می گردد. گاهی این

منابع به عنوان متمم و مکمل قانون اساسی شمرده می شود. بنابراین چنانچه در قانون عادی قاعده ای حقوقی

از سنخ قواعد حقوق اساسی وضع شود، یا در عرف زمامداران و سیاستمداران، رویه‌های مرسوم شود که به عنوان قاعده حقوق اساسی پذیرفته گردد، تا زمانی که این قواعد خارج از قانون اساسی برخلاف این قانون نباشد، معتبر است. بر این اساس اگر در رویه و عرف رهبری

ولی فقیه، وظیفه و اختیاری خارج از موارد یادشده در قانون اساسی وجود داشته باشد، تامادامی که آن وظیفه یا اختیار مغایر با قانون اساسی و قبل از آن، مغایر با شرع مقدس نباشد، از اعتبار برخوردار است و می توان رسمیت آن را پذیرفت؛ مانند تعیین ائمه جمعه، انتصاب نماینده

دردستگاه‌های مختلف، ارسال پیام به مقامات و سازمانهای بین المللی، پذیرش درخواست ملاقات از سوی مقامات خارجی و نیز ارشاد قوای مختلف در خصوص کارها و وظایفشان. از این رو به استناد عرف و رویه رهبری در نظام جمهوری اسلامی، وظایف و اختیارات رهبریش از آن چیزی است که در قانون اساسی آمده است

در برخی دیگر از اصول این قانون نیز برای رهبر وظایفی شمرده شده است. بنابراین ۴۰ اگر بگوییم وظایفی که در این اصل آمده، حصری است، بین اصول قانون اساسی تناقض پیش می آید؛ بدین گونه که از یک سو باید بگوییم قانون گذار اساسی وظایف رهبر را در موارد یازده گانه منحصر کرده و از دیگر سو در اصولی دیگر برای وی وظایفی را برشمرده است؛ همچون تعیین و پیشنهاد موارد اصلاح یا متمیم قانون اساسی به شورای بازنگری قانون

اساسی، انتخاب ده نفر برای عضویت در شورای بازنگری و دو نفر برای عضویت در شورای عالی امنیت ملی و نیز موافقت وی با تصدی اختیارات رئیس جمهور توسط معاون اول یا تعیین فرد دیگری به جای وی، زمانی که به دلایلی کشور فاقد رئیس جمهور است.

عمومیت و اطلاق بند ۸ اصل یکصد و دهم دلیل دیگری است که مطابق آن، یکی ۵. از وظایف رهبر «حل معضلات نظام است که از طرق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام.» بدیهی است برای ایفای این وظیفه از سوی رهبر، وی باید از چنان آزادی عملی برخوردار باشد که بتواند در همه مواردی که تحت عنوان معضل پیش می آید ورود کرده، آن را حل نماید.

بنابر آنچه گفته شد، انجام اموری از سوی رهبر به جز مواردی که در اصل ۱۱۰ قانون اساسی باز آمده، نه تنها خلاف قانون نیست و جایگاه رهبر را مافوق قانون قرار نمی دهد، بلکه اگر اقدامات رهبر در جهت اعمال ولایت است، این اقدامات کاملاً حقوقی بوده و آثار حقوقی

بر آن مترتب است. به بیان دیگر، اقدامات رهبر نباید مغایر با قانون اساسی و سایر قوانین باشد. چه بسا چیزی در قانون بیان نشده، اما با موازین قانونی و حقوقی نیز ناسازگار نیست که نمی توان بر انجام این گونه موارد، مخالفت با قانون اطلاق کرد.

تجربه سالها پس از انقلاب اسلامی و استقرار حکومت ولایی (چه در زمان امام خمینی + و چه در زمان رهبری آیت الله خامنه ای) نشان دهنده آن است که نه تنها هیچ گاه ولی فقیه از حدود قانونی تجاوز نکرده و برخلاف قانون تصمیمی نگرفته، بلکه همواره بر اجرای قانون به وسیله مسئولان نیز تاکید نموده است.

به هر روی، از آنجا که پیروان هر دو نظریه معتقد به اصل ولایت فقیه بوده و بدان پایبند بوده اند، قانون گذاران اساسی تصمیم گرفتند جمع میان دو قول را مبنا قرار دهند و این گونه بود که بند هشت اصل ۱۱۰ را به تصویب رساندند. به موجب این بند، یکی از وظایف رهبر «حل

معظلات نظام است که از طرق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام.» بدیهی جا در کار نظام و امور آن گره افتد، رهبری می تواند از طریق مجمع

تشخیص مصلحت نظام راه حلی برای آن بیابد و مشکل پیش آمده را مرتفع کند. بدین ترتیب از یک سو منحصر بودن وظایف رهبر - که با موازین حقوق عمومی سازگار است - پذیرفته شده و از دیگر سو نیز دست رهبر در مورد وظایف حکومتی و اختیارات گسترده ولایتی بسته

نیست؛ آن گونه که هرگاه به اعمال ولایت از سوی وی نیازی باشد، به استناد این بند می تواند اعمال ولایت کند.

## اهداف

هدف کلی آشنایی با قوه مقننه و وظایف و اختیارات آن به عنوان مهم ترین قوه در نظام

جمهوری اسلامی ایران. اهداف جزئی



آگاهی از جایگاه مردمی قوه مقننه؛ ۲. آشنایی با ارکان قوه مقننه (مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان) و ساختار قانون گذاری مجلس؛ ۳. آگاهی از سیر انتخابات مجلس شورای اسلامی؛ ۴. آشنایی با مراحل قانون گذاری در جمهوری اسلامی ایران.

در فصل ششم این کتاب در مورد تفکیک قوا و شکل حکومت در جمهوری اسلامی ایران مطالبی را باز گفتیم. بر پایه آنچه گفته شد، براساس اصل پنجاه و هفتم، شکل حکومت در ایران عبارت است از تفکیک نسبی قوا و قوای حاکم عبارت است از مقننه، مجریه و قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت اعمال می گردند. در دو فصل پیش در مورد نهاد ولایت فقیه (رهبری) سخن گفتیم. در این فصل و فصلهای بعد اصول مربوط به چگونگی اعمال قوای سه گانه را بررسی خواهیم کرد.

الف) مقدمه

یک جایگاه مردمی قوه مقننه در نظام های سیاسی دنیا قوه مقننه مردمی ترین قوه بشمار می آید؛ چراکه از آرا مستقیم مردم

شکل گرفته و تجلی حاکمیت یکپارچه ملت بر سرنوشت اجتماعی خویش است. قوه مقننه متشکل از نمایندگان منتخب مردم است که به صورت غیر مستقیم نقش دخالت مردم در قانون گذاری را ایفا می کند. تصمیمات نمایندگان مجلس در امر قانون گذاری از یک سو و نظارت آنها بر اقدامات دولت از سوی دیگر، بسان آئینه ای است که اراده و خواست عمومی را باز می تاباند. مطالبات مجلس از دولت در قالب قوانین و نظارتهای اعمال شده توسط مجلس بر دولت، در واقع همان مطالبات مردم از دولت و نظارت آنها بر دولت است که به اختیار خود، به نمایندگانشان در مجلس واگذار کرده اند.

دو. اعمال قوه مقننه

اساسا در نظام مبتنی بر موازین دینی، حق قانون گذاری از آن شارع مقدس است. اوست که برای همه امور دنیوی و اخروی مردم قانون وضع کرده و برای متابعت از آن، ثواب و برای سرپیچی از آن نیز عقاب معین کرده است. در بند ۱ اصل دوم قانون اساسی بر این امر تصریح شده و حاکمیت و تشریح به خداوند اختصاص یافته است. اما به دلیل واگذاری بخشی از حاکمیت مطلق الهی به انسانها برای تعیین سرنوشت اجتماعی شان، مردم از اختیار قانون گذاری نیز برخوردار شده اند؛ به گونه ای که یکی از جلوه های حاکمیت مردم، حق قانون گذاری است. آشکار است که در نظام حقوقی اسلام، قوانینی که مردم یا نمایندگان ایشان وضع می کنند، نباید با قوانین الهی یا همان احکام و موازین شرعی مغایرت داشته باشد؟

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مقام بیان چگونگی اعمال قوه مقننه از سوی ملت، دو شیوه را پیش بینی نموده است که در پی می آید.

۱. شیوه قانون گذاری مستقیم یا مراجعه به آرای عمومی، برپایه اصل پنجاه و نهم: در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه پرسی و مراجعه مستقیم به آرای مردم صورت گیرد. در خواست مراجعه به آرای عمومی باید به تصویب دوسوم مجموع نمایندگان مجلس برسد.

به همه پرسی یاد شده در این اصل، اصطلاحاً «همه پرسی تقنینی» گفته می شود. همچنین به آن قانون گذاری مستقیم گفته میشود که مردم مستقیماً و بدون واسطه نمایندگان، قوانین را وضع می کنند. اجرای همه پرسی تقنینی، در موارد استثنایی به عمل می آید؛ بدین بیان که

در مسائل بسیار مهم»، ممکن است قانون گذاری از راه مراجعه به آرای عمومی صورت پذیرد. مطابق ماده ۳۶ «قانون همه پرسی در جمهوری اسلامی ایران» (مصوب

۴/۴/۱۳۶۸

، رئیس جمهور با یک صد تن از نمایندگان مجلس می توانند همه پرسی یا مراجعه ( به آرای عمومی را درخواست کنند. چنانچه این درخواست به تصویب حداقل دو سوم مجموع نمایندگان رسید، همه پرسی برگزار می شود. شایان ذکر است پس از انقلاب اسلامی تاکنون هیچ موردی از این نوع قانون گذاری در جمهوری اسلامی ایران به وقوع نپیوسته است.

۲، شیوه غیرمستقیم یا قانون گذاری از سوی نمایندگان مردم، براساس اصل پنجاه و هشتم اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل میشود و مصوبات آن پس از طی مراحل - که در اصول بعد می آید برای اجرا به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ می گردد. از آن رو که امروزه جوامع بشری - بسیار گسترده و امور مردم و کشور نیز بسیار متنوع و پیچیده شده است، عملاً امکان اعمال دموکراسی مستقیم و مراجعه به آرای عمومی در همه زمینه ها وجود ندارد، در همه کشورها (به استثنای کشور سوئیس که در پاره ای موارد اصل بر قانون گذاری مستقیم است)، بهترین و مهم ترین شیوه قانون گذاری، وضع قوانین از سوی نمایندگان مردم است. هر چند در درجه نخست قانون گذاری حق مردم است، امروزه این شیوه - یعنی قانون گذاری به وسیله نمایندگان منتخب مردم - در اعمال قوه مقننه نقش اصلی به خود گرفته و در شرایط عادی (شرایط غیر از موضوع اصل پنجاه و نهم) قانون گذاری توسط مجلس انجام می شود.

گفتنی است اعمال قوه مقننه منحصر به قانون گذاری نیست، بلکه شامل نظارت هم می شود که آن نیز در درجه اول، حق مردمی است که به موجب قانون اساسی به نمایندگان خود سپرده اند.

#### ب) ترکیب قوه مقننه

در غالب کشورها، قوه مقننه از دو مجلس ترکیب یافته؛ مانند مجلس عوام و مجلس الردان یا اشراف در انگلیس و کنگره و سنا در آمریکا، فرانسه و ایران قبل از انقلاب. ترکیب دوگانه قوه مقننه این گونه توجیه می شود که معمولا مجلس اول یا مجلس قانون گذار که مرکب از نمایندگان مردم است. و به طور مستقیم انتخاب شده اند - کانون برخورد عواطف و احساسات سیاسی، حزبی و جناحی است. از این رو، ممکن است قوانینی به تصویب رسد که متاثر از این عوامل بوده و به مصلحت کشور و مردم نباشد. بنابراین ضرورت دارد قوانین این مجلس در مجلسی بالاتر مورد نظارت قرار گیرد تا قانونی برخلاف مصلحت به تصویب نرسد و بدین وسیله از تندروی ها و محافظه کاری های مجلس پایین تر نیز جلوگیری شود. در برخی موارد سنا یا مجلس بالاتر نیز | به خودی خود می تواند مستقلا قانون وضع کند

در جمهوری اسلامی ایران، نظام دو مجلسی برای قوه مقننه مورد پذیرش قرار نگرفته و در عین حالی که قوه مقننه مرکب پیش بینی نشده، این قوه کاملا هم بسیط در نظر گرفته نشده است، بلکه از دو رکن تشکیل یافته: «مجلس شورای اسلامی» و «شورای نگهبان». فصل ششم قانون اساسی (اصل ۶۲ تا ۹۹) به قوه مقننه اختصاص یافته است. البته می توان به این دو رکن، رکن سوم را نیز افزود: «مجمع تشخیص مصلحت

نظام». همچنان که در ادامه خواهیم گفت، این مجمع در مقام حل اختلاف مجلس و شورای نگهبان، به قانون گذاری می پردازد

شایان ذکر است قوه مقننه در نظام قبل از انقلاب اسلامی، مرکب از دو مجلس بوده: مجلس شورای ملی و مجلس سنا. به جز این دو مجلس، پادشاه نیز رکن قانون گذاری مملکت شمرده می شد و می توانست خود مستقلا (به استثنای قوانین مربوط به دخل و خرج مملکت) قانون گذاری کند

رکن نخست قوه مقننه، مجلس شورای اسلامی یک. انتخابات مجلس شورای اسلامی طبق اصل شصت و دوم قانون اساسی مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که به طور مستقیم و با رای مخفی انتخاب می شوند، تشکیل می گردد. شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و کیفیت انتخابات را قانون معین خواهد کرد.» در جهت اجرای این اصل «قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی» به تصویب مجلس رسیده و مواد مختلف آن بارها از سوی مجلس

مورد اصلاح و بازنگری قرار گرفته است. در ماده ۱ این قانون وظیفه برگزاری انتخابات برعهده دولت گذارده شده و باید در جهت اجرای اصل شصت و سوم ترتیبی اتخاذ نماید که پیش از پایان دوره قبل، انتخابات را برگزار نماید؛ به گونه ای که کشور در هیچ زمان بدون مجلس نباشد

۱. شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان انتخاب کنندگان باید دارای این شرایط باشند: .. تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران؛ | ۲. داشتن هجده سال تمام ۳. عاقل بودن

انتخاب شوندگان نیز باید شرایطی چند داشته باشند: ۱. اعتقاد و التزام عملی به اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران؛ ۲. تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران ۳. ابراز وفاداری به قانون اساسی و اصل متری ولایت مطلقه فقیه؛ ۴. داشتن مدرک کارشناسی ارشد یا معادل آن؛ ۵. نداشتن سوء شهرت در حوزه انتخابیه؛ ۶. سلامت جسمی در حد برخورداری از نعمت بینایی، شنوایی و گویایی؛ ۷. حداقل سن سی سال تمام و حداکثر هفتاد و پنج سال تمام

نظارت بر انتخابات با توجه به اهمیت انتخابات مجلس شورای اسلامی، قانون گذار ۲۰:  
نظارت مضاعفی بر این انتخابات پیش بینی نموده است

در هر یک از حوزه های انتخابیه، هیئت های اجرایی وزارت کشور به ریاست فرماندار .. یا بخشدار حوزه انتخابیه و مرکب از هیئت نظارت شورای نگهبان، نه نفر از معتمدین محل و رئیس اداره ثبت احوال، نظارت بر شرایط داوطلبان نمایندگی و صحت جریان انتخابات در حوزه انتخابیه مربوط را عهده دارند

در اصل نود و نهم قانون اساسی نظارت کلی و عام بر انتخابات برعهده شورای ۲۰:  
نگهبان است

شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری،

مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی و همه پرسی را برعهده دارد. براساس ماده 3 قانون انتخابات مجلس

این نظارت استصوابی و عام در تمام مراحل و «

در کلیه امور مربوط به انتخابات جاری است.» همچنین در تفسیری که شورای نگهبان از این اصل به عمل آورده، «نظارت مذکور در اصل ۹۹ استصوابی است و شامل تمام مراحل انتخابات از جمله تایید و رد صلاحیت کاندیداها می شود. براساس این نظارت است که شورای نگهبان می تواند صلاحیت کاندیداها و نتیجه انتخابات را تایید یا رد کند.

پس از برگزاری انتخابات و ورود انتخاب شونده‌گان به مجلس، باید اعتبارنامه هریک ۳. از آنها به تایید سایرین برسد؛ بدین ترتیب که ابتدا تعدادی شعبه با عضویت راه یافتگان به مجلس تشکیل شده، سپس پرونده انتخاباتی هریک از منتخبین در شعبه ای که خود نماینده عضو آن نیست، مورد بررسی قرار می گیرد و گزارش آن به صحن علنی مجلس ارائه می شود. در این مرحله نمایندگان با نگاهی فراگیر، به شرایط، صلاحیت و درستی برگزاری انتخاب فرد مورد نظر رای می دهند که به این عمل «تصویب اعتبارنامه» نمایندگان گفته می شود. اگر اعتبارنامه نماینده ای به تصویب نرسد، انتخاب مردم کان لم یکن فرض شده و نمایندگی فرد مورد نظر ملغی می گردد. مجلس زمانی رسمیت می یابد و انتخاب هیئت رئیسه دائم را آغاز می کند که دست کم اعتبارنامه دوسوم مجموع نمایندگان به تصویب رسد؟

### توقف انتخابات ۳.

اصل شصت و هشتم قانون اساسی توقف انتخابات را صرفاً در صورت وجود شرایط زیر مجاز دانسته است:

کشور در حال جنگ باشد، یا توسط کشورهای دیگر اشغال شده باشد؛ ۲. رئیس 1. جمهور در حوزه انتخابیه اشغال شده یا تمام کشور، توقف انتخابات را پیشنهاد داده

باشد؛ ۳. این پیشنهاد به تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان رسیده و به تایید شورای نگهبان برسد؛ ۴. مدت توقف انتخابات معین شده باشد

برابر ذیل اصل مزبور، در صورت توقف انتخابات در یک حوزه انتخابیه یا تمام کشور، حسب مورد، نماینده سابق آن حوزه یا مجلس سابق به کار خود ادامه خواهد داد. خاطرنشان می سازیم در این اصل از توقف انتخابات در صورت پیشامد حوادث طبیعی (از قبیل سیل و زلزله) سخنی به میان نیامده است. اما در قانون انتخابات مجلس در این باره آمده است:

انتخابات مجلس در حوزه های انتخابیه ای که دچار حوادثی از قبیل سیل، زلزله، جنگ و ... شوند، با تشخیص و پیشنهاد وزارت کشور و موافقت شورای نگهبان در شهرهای محل استقرار مهاجرین حوزه های مذکور، و در صورت امکان در حوزه های مذکور نیز برگزار خواهد گردید و مراتب به اطلاع عموم خواهد رسید

دو. نمایندگی مجلس شورای اسلامی

در همه نظام های حقوقی و تمام کشورها، نمایندگان مجلس از جایگاه ویژه ای برخوردارند. مردم با انتخاب نمایندگان خود در مجلس، درحقیقت به آنها وکالت می دهند تا در امور عمومی و در عرصه قانون گذاری و نظارت بر قوای دیگر، از سوی موکلان خویش ایفای نقش کنند. در نظام جمهوری اسلامی ایران، رسمیت و فعالیت مجلس شورای اسلامی، بسته به حضور نمایندگان در مجلس است. در ادامه، مباحث مربوط به نمایندگی مجلس شورای اسلامی را بررسی می نمایم

اوصاف نمایندگی ملی بودن: هرچند هریک از نمایندگان مجلس از سوی مردم یک حوزه انتخابیه انتخاب می شوند، بیشک نماینده همه ملت بشمار می آیند. این مهم از



مسئول بودن هر نماینده - که در اصل هشتاد و چهارم بدان اشاره شده - دانسته میشود. مطابق این اصل، «هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است ...» تصویب اعتبارنامه هر نماینده از سوی سایر نمایندگان، راهکاری حقوقی برای تبدیل شان محلی هر نماینده به شان ملی است.

کلی بودن: از ویژگیهای نمایندگی در حقوق عمومی، کلی و عام بودن آن است؛ به این

معنا که در حقوق عمومی، نماینده می تواند هر اقدامی را که به مصلحت موکلین خود با مردم است، انجام دهد؛ درست برخلاف نمایندگی و وکالت در حقوق خصوصی که حوزه اختیارات وکیل، محدود به اموری است که در عقد وکالت بدان تصریح شده است. بنابراین منظور از

کلی بودن نمایندگی آن است که براساس قسمت اخیر اصل هشتاد و چهارم، «هر نماینده ... حق دارد در همه امور داخلی و خارجی کشور اظهارنظر کند.» این اختیار عام نمایندگان، عمومیت و کلیت حوزه اختیار قانون گذاری مجلس را نیز ایجاب کرده است.

عزل ناپذیر بودن نماینده: یکی از تفاوت های نمایندگی در حقوق عمومی و حقوق خصوصی آن است که در حقوق عمومی، نماینده از سوی موکلین قابل عزل نیست، بلکه عزل او تابع تشریفات خاصی است که در قوانین و مقررات پیش بینی می شود. اما در حقوق خصوصی، یکی از حقوق موکل، عزل وکیل است، مگر آنکه موکل این حق را از خود سلب کرده باشد. نماینده مجلس نیز پس از آنکه به مجلس راه یافت، مردم حوزه انتخابیه، دیگر نمی توانند او را از نمایندگی عزل کنند. اخراج وی از مجلس یا پذیرش استعفای او تابع تشریفات خاصی است که در آیین نامه داخلی مجلس مقرر شده است.

واگذار نشدن نمایندگی به غیر: به موجب جمله نخست اصل هشتاد و پنجم، «سمت نمایندگی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست.» اما در وکالت حقوق خصوصی، وکیل می تواند وکالت خود را به دیگری واگذارد، مگر آنکه خلاف آن در عقد وکالت تصریح شده باشد.

مشارکتی بودن نمایندگی: هویت مجلس و وظایف و اختیارات مجلس با تشریک مساعی نمایندگان تحقق می یابد؛ بدین معنا که در بسیاری از موارد ممکن است یک نماینده پیشنهاددهنده باشد، اما هرگونه تصمیم گیری از سوی مجلس زمانی امکان پذیر است که اکثریتی از نمایندگان یا «مجلس شورای اسلامی» به آن رای دهند.

مصونیت نمایندگی برای آنکه نماینده بتواند آزادانه و بی هیچ هراسی حقوق مردم ۲۰ را به خوبی استیفا نماید، ضروری است که از مصونیت برخوردار باشد. منظور از مصونیت آن است که نتوان نماینده را در

دوران نمایندگی و پس از آن، به سبب ایفای وظایف نمایندگی و اقدامات وی در این جهت تحت تعقیب قضایی و انتظامی قرار داد. بدین منظور اصل هشتاد و ششم قانون اساسی مقرر داشته است:

نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی، در اظهارنظر و رای خود کاملاً آزادند و نمی توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده اند، یا آرایی که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده اند، تعقیب یا توقیف کرد. پرواضح است که این اصل مصونیت مطلق قضایی برای نمایندگان ایجاد نمی کند، بلکه اگر نماینده

مجلس، متهم به ارتکاب جرمی باشد، یا شاکی خصوصی داشته و جرم او از موضوع اصل مزبور خارج باشد، مانند سایر افراد جامعه به اتهام او رسیدگی می شود

دوره نمایندگی دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی چهار سال است ... عمر هر ۳۰ دوره مجلس نیز چهار سال است که با شروع نمایندگی نمایندگان شروع شده و با پایان دوره نمایندگی نیز خاتمه می یابد. چنانچه به دلایلی حوزه ای فاقد نماینده باشد، از طریق انتخابات میان دوره ای برای تعیین و انتخاب نماینده اقدام می شود. در این صورت، دوره نمایندگی این عده از نمایندگان محدود به پایان همان دوره مجلس است

سوگند نمایندگی براساس اصل شصت و هفتم قانون اساسی ۴۰

نمایندگان باید در نخستین جلسه مجلس به ترتیب زیر سوگند یاد کنند و متن قسم نامه را امضا نمایند

بسم الله الرحمن الرحيم

من در برابر قرآن مجید به خدای قادر متعال سوگند یاد می کنم و با تکیه بر شرف انسانی خویش تعهد می نمایم که پاسدار حریم اسلام و نگاهبان دستاوردهای انقلاب اسلامی ملت ایران و مبانی جمهوری اسلامی باشم؛ ودیعه ای را که ملت به ما سپرده، به عنوان امینی عادل پاسداری کنم و در انجام وظایف و کالت، امانت و نقوا را رعایت نمایم و همواره به استقلال و اعتلای کشور و حفظ حقوق ملت و خدمت به مردم پایبند باشم؛ از قانون اساسی دفاع کنم و در گفته ها و نوشته ها و اظهار نظرها، استقلال کشور و آزادی مردم و تامین مصالح آنها را مدنظر داشته باشم.» نمایندگان اقلیت های دینی این سوگند را با ذکر کتاب آسمانی خود یاد خواهند کرد. نمایندگانی که در جلسه نخست شرکت ندارند، باید در اولین جلسه ای که

حضور پیدا می کنند، مراسم سوگند را به جای آوردند. گفتنی است چنانچه نماینده به تعهدات خود در این سوگندنامه عمل نکند و قسم خود را زیر پا نهد، می توان او را از نظر حقوقی مسئول دانست و مورد مواخذه و پیگرد قرار داد، هر چند قوانین در این مورد خاموش است.

سه. افتتاح مجلس و تشکیلات قانون گذاری مجلس .. افتتاح مجلس براساس ماده ۲ آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، «نخستین جلسه هر دوره مجلس شورای اسلامی طبق اصل شصت و پنجم قانون اساسی با حضور حداقل دوسوم مجموع نمایندگان رسمیت می یابد

در آغاز جلسه آیات ۳۵ تا ۴۲ سوره شوری تلاوت می شود. پس از قرائت پیام مقام معظم رهبری، مراسم سوگند انجام و در پایان جلسه، نمایندگان به منظور بزرگداشت بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی + و شهیدان انقلاب اسلامی و ادای احترام و تجدید عهد با آنان در مرقد مطهر آن حضرت و بهشت زهرا حضور خواهند یافت.» در اولین جلسه، نمایندگان به ترتیبی که پیش تر گفته شد، سوگند مذکور در اصل شصت و هفتم قانون اساسی را یاد خواهند کرد

## ۲، تشکیلات قانون گذاری مجلس

هیئت های رئیسه مجلس هیئت رئیسه سنی: در جلسه افتتاحیه مجلس، 1- ۲- «هیئت رئیسه سنی» انتخاب می شود؛ بدین ترتیب که «مسئول ترین فرد از نمایندگان حاضر به عنوان رئیس سنی و فرد بعدی به عنوان نایب رئیس و دو نفر از جوان ترین نمایندگان حاضر به سمت منشی معین می شوند و در جایگاه هیئت رئیسه قرار می گیرند. در صورت تساوی سن، هیئت رئیسه سنی با قید قرعه از بین مسن ترین و جوان

ترین نمایندگان حاضر تعیین خواهد شد.» وظایف هیئت رئیسه عبارت است از: «اداره جلسه افتتاحیه، انجام مراسم تحلیف، اقتراع شعب و اجرای انتخابات هیئت رئیسه موقت.» ۲

هیئت رئیسه موقت: در دومین جلسه علنی مجلس، انتخاب هیئت رئیسه موقت مجلس انجام خواهد شد که ترکیب و طرز انتخاب آن همانند هیئت رئیسه دائم است، به جز اینکه اکثریت نسبی در انتخاب رئیس کافی است. «وظایف هیئت رئیسه موقت، اداره جلسات مجلس تا زمان تایید اعتبارنامه دوسوم نمایندگان و اجرای انتخابات هیئت رئیسه دائم و تمشیت امور اداری مجلس است.» ۲

هیئت رئیسه دائم: به موجب ماده ۱۳ آیین نامه داخلی مجلس، «پس از تصویب اعتبارنامه حداقل دو سوم مجموع نمایندگان، هیئت رئیسه موقت اقدام به انتخاب هیئت رئیسه دائم می کند. اعضای هیئت رئیسه دائم برای یک سال انتخاب میشوند. مبنای تجدید انتخابات سالیانه، سالروز انتخابات هیئت رئیسه قبلی بوده و در صورتی که با تعطیلات مصادف گردد، در جلسه قبل از آن انجام می گردد و مسئولیت هیئت رئیسه جدید از سالروز انتخابات قبل تفویض خواهد گردید.» براساس

ماده ۱۴ همین آیین نامه، «هیئت رئیسه دائم مرکب از رئیس، دو نایب رئیس، شش دبیر و سه ناظر میباشد.» اعضای هیئت رئیسه دائم پس از انتخاب شدن، سوگند مندرج در ماده ۱۷ آیین نامه مزبور را یاد می کنند و از آن پس موظف به رعایت آن اند.

:متن سوگند چنین است

بسم الله الرحمن الرحيم من به عنوان عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی در برابر قرآن مجید به خداوند قادر متعال سوگند یاد می کنم که حداکثر توان خود را برای

اجرا آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی با مراعات بی طرفی کامل در انجام وظایف به کار گیرم و از

هرگونه اقدام مخالف آیین نامه اجتناب نمایم. گفتنی است وظایف، اختیارات و مسئولیت های هیئت رئیسه دائم در برابر مجلس، در مواد ۲۱ تا ۲۵ آیین نامه داخلی ذکر شده است.

#### شعب و کمیسیونها ۲۰- ۲-

شعب: پس از انجام مراسم تحلیف، نمایندگان به حکم قرعه به طور مساوی به پانزده شعبه تقسیم می شوند و افراد باقیمانده به ترتیب از شعبه اول به بعد، یک به یک به شعب افزوده می شوند. نمایندگانی که بعدا سوگند یاد می کنند، به حکم قرعه به عضویت شعبی که کسری دارند، پذیرفته میشوند. هر شعبه دارای یک رئیس، دو نایب رئیس، یک سخن گو و دو دبیر خواهد بود که جداگانه با رای مخفی (با ورقه) و با اکثریت نسبی بیش از یک سوم کل اعضای شعبه انتخاب می شوند. در صورت تساوی نیز به حکم قرعه عمل خواهد شد.

نتیجه انتخابات با ذکر آرا طی گزارشی به وسیله سخن گو به اطلاع مجلس می رسد. مناط اعتبار برای رسمیت جلسات شعب، حضور دست کم دوسوم اعضاست و تصمیمات شعب به جز در مورد انتخاب افراد، با اکثریت مطلق آرای عده حاضر خواهد بود.

هریک از شعب برای تمام دوره نمایندگی رسمیت دارند. وظایف و اختیارات آنها عبارت است از: ۱. رسیدگی به اعتبارنامه ها، ۲. تعیین اعضای کمیسیون تحقیق؛ ۳. تعیین اعضای کمیسیون تدوین آیین نامه داخلی مجلس؛ ۴. بررسی و تشخیص صلاحیت نامزدهای عضو در کمیسیون های تخصصی مجلس

شعبه های مزبور به طور مستقیم در قانون گذاری نقش ندارند، اما به دلیل ایفای نقش در

تشخیص صلاحیت اعضای کمیسیون های تخصصی مجلس، نقش غیر مستقیمی در این زمینه ایفا می کنند.

کمیسیون ها: مجلس شورای اسلامی دارای دو کمیسیون اصلی است: یکی کمیسیون های خاص شامل کمیسیون تحقیق، تدوین آیین نامه داخلی مجلس و اصل نودم که مقررات مربوط به آنها در مواد ۳۰ تا ۳۲ آیین نامه داخلی مجلس بیان شده است و دوم کمیسیون های تخصصی مجلس که مطابق آیین نامه داخلی تشکیل می شوند، شامل آموزش و تحقیقات، اجتماعی، اقتصادی، امنیت ملی و سیاست خارجی، انرژی، برنامه و بودجه و محاسبات، بهداشت و درمان، شوراها و امور داخلی کشور، صنایع و معادن، عمران، فرهنگی، قضایی و حقوقی، کشاورزی و آب و منابع طبیعی

کمیسیون های تخصصی وظایف مشترکی دارند: .. بررسی طرح ها و لوایح ارجاعی و گزارش آن به مجلس شورای اسلامی؛ ۲. رسیدگی به درخواست های تحقیق و تفحص؛ ۳. رسیدگی به سوال نمایندگان از رئیس جمهور و وزیران؛ ۴. بررسی موارد ارجاعی از لوایح برنامه توسعه و بودجه سالانه و گزارش آن به کمیسیون تلفیق؛

کسب اطلاع از چند و چون اداره امور کشور و دریافت و بررسی گزارش های ۵. عملکردی و نظارتی از اجرای قوانین مرتبط با دستگاه های مربوط؛

تهیه گزارش موردی و سالانه در خصوص امور اجرایی دستگاهها و نحوه اجرایی ۶. قوانین به خصوص قانون برنامه توسعه و بودجه سالانه و ارائه نکات مثبت و منفی و پیشنهاد اصلاح آن و در آخر نیز تقدیم گزارش به مجلس برای قرائت؛

سازمان ها، شرکتهای و موسسات دولتی یا وابسته به دولت که طبق اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی به آنها محول می گردد

افزون بر کمیسیون های خاص و تخصصی، کمیسیون های دیگری تحت عنوان «کمیسیون ویژه» پیش بینی شده که در مسائل مهم و استثنای کشور، با پیشنهاد نمایندگان و رای مجلس تشکیل می شود. اعضای این کمیسیون ها دست کم پانزده نفرند که با رای مخفی نمایندگان انتخاب می گردند؟

چهار. وظایف مجلس شورای اسلامی

مهمترین وظایف مجلس شورای اسلامی قانون گذاری و نظارت است. در ادامه طی دو بند این وظایف را مورد بحث قرار میدهم

۱. قانون گذاری قوانین و مقررات داخلی از جهت سلسله مراتب، از بالا به پایین بدین ۱۰ قرار است: قانون اساسی، قوانین عادی و مصوبات دولتی در ایران مرجع تصویب قانون اساسی، خبرگان موسس یا مجلس تدوین قانون اساسی است و مرجع بازنگری در آن نیز شورای بازنگری که موضوع اصل ۱۷۷ است. به موجب حکم مذکور در اصل هفتاد و یکم این قانون، مرجع تصویب قوانین عادی، مجلس شورای اسلامی است

مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می تواند

قانون وضع کند. از این اصل دو نکته دریافتنی است

صلاحیت قانون گذاری مجلس صلاحیتی عام است؛ بدین معنا که مجلس در تمام .. امور مختلف کشور می تواند قانون وضع کند و از این جهت محدودیتی برای آن وجود ندارد. ۲. منظور از «حدود مقرر در قانون اساسی» آن است که این اختیار عام مجلس



در امر قانون گذاری محدود به رعایت احکام شرع مقدس و مفاد قانون اساسی است.  
اصل هفتاد و

دوم در این خصوص مقرر داشته

مجلس شورای اسلامی نمی تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در

اصل نود و ششم آمده، بر عهده شورای نگهبان است. این اصل تاکید دوباره ای است بر  
:اصل چهارم قانون اساسی، مبنی بر لزوم شرعی بودن کلیه قوانین و مقررات

کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر

برعهده فقهای شورای نگهبان است. حکم اصل مزبور برگرفته از آیات بسیاری است. ۱. افزون بر آنکه مجلس از صلاحیت عام در وضع قوانین برخوردار است، در این زمینه دارای صلاحیت انحصاری» نیز هست؛ بدین مفهوم که اصولاً صلاحیت وضع قوانین عادی در انحصار مجلس بوده و هیچ نهاد دیگری به جز مجلس در این امر صلاحیت ندارد، مگر مراجعی که در قانون اساسی یا سایر منابع حقوق اساسی استثنا شده اند.  
:اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی در این باره می گوید

، مجلس نمی تواند اختیار قانون گذاری را به شخص یا هیئتی واگذار کند، ولی در موارد ضروری می تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل هفتاد و

دوم به کمیسیون های داخلی خود تفویض کند. در این صورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می نماید، به صورت آزمایشی اجرا می شود و تصویب نهایی آنها با مجلس خواهد بود. همچنین مجلس شورای اسلامی می تواند تصویب دائمی اساسنامه سازمان ها، شرکت ها، موسسات دولتی یا وابسته به دولت را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون های ذی ربط واگذار کند و یا اجازه تصویب آنها را به دولت بدهد. در این صورت مصوبات دولت نباید با اصول و احکام مذهب رسمی کشور و یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیب مذکور در اصل نود و ششم با شورای نگهبان است. علاوه بر این، مصوبات دولت نباید مخالفت قوانین و مقررات عمومی کشور باشد و به منظور بررسی و اعلام عدم مغایرت آنها با قوانین

مزبور باید ضمن ابلاغ برای اجرا، به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد. | برپایه این اصل علاوه بر مجلس، دو نهاد دیگر نیز می توانند به وضع قانون یا مقررات اقدام کنند: یکی «کمیسیون های داخلی مجلس» که صلاحیت وضع قوانین آزمایشی دارند و دیگری «دولت» که می تواند اساسنامه دائمی شرکتها و موسسات دولتی یا وابسته به دولت و آیین نامه های اجرایی قوانین را وضع کند. بدیهی است به موجب این اصل دولت باید همه مصوبات خود را برای نظارت بر آنها - از حیث عدم مغایرت با قوانین و مقررات عمومی کشور - به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برساند. بدین منظور هیئتی به نام هیئت تطبیق مصوبات دولت با قوانین، زیر نظر رئیس مجلس تشکیل شده است. در صورتی که رئیس مجلس مصوبه دولت را خلاف قوانین و مقررات عمومی کشور تشخیص دهد، نظر خود را با

ذکر دلیل به دولت اعلام می نماید، چنانچه این قبیل مصوبات بعضاً یا کلاً خلاف قانون تشخیص داده شوند، حسب مورد هیئت وزیران با کمیسیون مربوطه مکلف است ظرف یک هفته پس از اعلام نظر رئیس مجلس نسبت به اصلاح مصوبه اقدام و سپس دستور فوری توقف اجرا را صادر نماید. چنانچه هیئت وزیران ظرف مدت مقرر، نسبت به اصلاح یا لغو قانون اقدام نکند؛ پس از پایان مدت مذکور حسب مورد تمام یا قسمتی از مصوبه مورد ایراد ملغی الاثر خواهد بود؟

به جز این دو مرجع، مصوباتی نیز که مجمع تشخیص مصلحت نظام - در مقام حل اختلاف مجلس و شورای نگهبان با حل معضلات نظام به تصویب می کند، جنبه قانونی داشته و لازم الاجراست. همچنین از آنجاکه شورای عالی انقلاب فرهنگی به موجب حکم ولایی ولی فقیه تاسیس شده و مصوبات آن نیز در حکم قانون است، باید این مصوبات نیز اجرا شود.

ناگفته نماند اقدام دیگر مجلس در عرصه قانون گذاری، شرح و تفسیر قوانین عادی است. تفسیر قانون به معنای بیان اراده قانون گذار بوده و از اعتبار و ارزشی هم وزن قانون برخوردار است. اصل هفتاد و سوم قانون اساسی در این زمینه می گوید:

شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است. مفاد این

اصل مانع از تفسیری که دادستان - در مقام تمیز حق - از قوانین می کنند، نیست براساس این اصل، علاوه بر مجلس که قوانین مصوب را تفسیر می کند، قضات محاکم نیز می توانند در مقام دادرسی برداشت و تفسیر شخصی خود را از قانون، مبنای صدور حکم قرار دهند.

اصول کلی حاکم بر قانون گذاری مجلس براساس آنچه گفته شد، اصول کلی 1-1-1 حاکم بر قانون گذاری مجلس بدین شرح است: ۱. اصل رعایت برابری افراد و منع تبعیض (مفاد اصول نوزدهم و بیستم)؛ ۲. اصل صلاحیت عام و فراگیر مجلس در قانون گذاری (موضوع اصل هفتاد و یکم)؛

اصل رعایت موازین و دستورهای شرع و عدم جواز تصویب قانون مغایر با آن ۳. (موضوع اصول چهارم و هفتاد و دوم)

اصل رعایت موازین قانون اساسی و عدم تصویب قانون برخلاف اصول این قانون ۴. (موضوع اصل هفتاد و دوم)؛

اصل صلاحیت انحصاری مجلس و عدم امکان واگذاری امر قانون گذاری به مرجع یا نهاد دیگر (موضوع اصل هشتاد و پنجم)، به جز موارد تصریح شده در قانون اساسی و مواردی که ناشی از حکم حکومتی ولی فقیه است؛ ۵.

اصل رعایت درآمد و هزینه عمومی، به این معنا که مجلس نمی تواند قوانینی را ۶. تصویب کند که به کاهش درآمد یا افزایش هزینه منجر شود، مگر آنکه راه جبران کاهش درآمد و تامین هزینه پیش بینی گردد (موضوع اصل هفتاد و پنجم)-

اصل علنی بودن مذاکرات مجلس شورای اسلامی، مگر در موارد اضطراری (موضوع ۷. اصل شصت و نهم)؛

اصل آزادی اظهارنظر نمایندگان در ایفای وظایف نمایندگی از جمله قانون گذاری ۸. (موضوع اصل هشتاد و ششم)-

مراحل قانون گذاری نخست. پیشنهاد قانون پیشنهاد قانون گاه از سوی دولت به ۲-۱- مجلس ارائه میشود که به آن

لایحه قانونی» گفته میشود. «لوائح قانونی تقدیمی به مجلس باید به امضای رئیس «جمهور و وزیر یا وزرای مسئول رسیده باشد. در صورت نداشتن وزیر مسئول، امضای رئیس جمهور کافی است.» گاه نیز «طرح قانونی» به امضای دست کم پانزده نفر از نمایندگان رسیده، به مجلس پیشنهاد میشود. افزون بر این، «شورای عالی استانها نیز حق دارد در حدود وظایف و اختیارات خود طرح هایی تهیه و مستقیماً یا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کند.»<sup>۲</sup>

دوم. بررسی و تصویب: مهم ترین مرحله قانون گذاری مجلس، مرحله بررسی و تصویب است. پس از آنکه پیشنهاد قانون از سوی هیئت رئیسه مجلس اعلام وصول شد، بسته به نوع قانون پیشنهادی از جهت عادی یا فوری بودن، به دو شیوه بررسی و تصویب صورت می پذیرد 1. بررسی و تصویب عادی: تا پیش از آخرین اصلاحیه آیین نامه داخلی مجلس

(سال ۱۳۸۷)، رسیدگی به طرح ها و لوایح عادی، دو شوری بود؛ بدین معنی که کلیات قانون پیشنهاد شده و مواد آن طی دو شور به تصویب میرسید: پس از اعلام وصول طرح یا لایحه قانونی، ابتدا موضوع برای بررسی ابتدایی و کلیات آن به کمیسیون یا کمیسیون های تخصصی اصلی و فرعی مربوط ارجاع شده، سپس گزارش بررسی کمیسیون به منظور تصویب کلیات در شور اول، تقدیم مجلس می شد. پس از تصویب کلیات در این شور، موضوع برای بررسی مواد و تصویب اولیه، دیگر بار به کمیسیون ارجاع می گردید. پس از آنکه مواد در کمیسیون به تصویب ابتدایی می رسید، نتیجه کار کمیسیون به منظور تصویب نهایی به صحن مجلس ارائه می گردید و مجلس در

شور دوم، مواد قانون را تک تک و پس از بررسی پیشنهادهای مرتبط با مواد تصویب می نمود.

اما پس اصلاحیه مورد اشاره، بررسی و تصویب کلیه طرح ها و لوایح عادی - به استثنای موارد ضروری به تشخیص هیئت رئیسه - «یک شوری» شده است؛ بدین ترتیب که پس از اعلام وصول قانون پیشنهادی از سوی هیئت رئیسه، پیشنهاد به کمیسیون اصلی و در صورت نیاز به کمیسیون های فرعی ارجاع می شود. کمیسیون اصلی گزارش مربوط به بررسی کلیات

و مواد را برای بررسی در یک شور به صحن علنی مجلس ارائه می دهد و گزارش سایر کمیسیون های فرعی نیز چاپ و بین نمایندگان توزیع می گردد. پس از مذاکرات ابتدایی در صورتی که کلیات قانون رای بیاورد، مجلس وارد بررسی جزئیات یا مواد قانون میشود.

۲، بررسی و تصویب فوری: طرح ها و لوایح فوری برحسب ضرورت و نیاز کشور به آنها، یک فوریتی، دو فوریتی و سه فوریتی هستند. اصل بر عادی بودن رسیدگی طرح ها و لوایح است، مگر آنکه پس از پیشنهاد قید هریک از این نوع فوریتها به وسیله پیشنهاددهنده قانون، فوریت آن به تصویب برسد. پس از آنکه فوریت یک قانون پیشنهادشده به تصویب نمایندگان رسید، کلیات و مواد در یک شور به تصویب می رسد؛ بدین گونه که طرح ها و لوایح یک فوریتی، به کمیسیون اصلی و فرعی ارجاع می گردد تا بدون نوبت در دستور کار قرار گیرد و گزارش کار کمیسیون - شامل کلیات و مواد - در یک شور بررسی و تصویب شود. طرح ها و لوایح دو فوریتی، پس از تصویب دو فوریت، حداکثر ظرف مدت شش ساعت چاپ و توزیع شده و حداکثر ظرف چهل و

هشت ساعت پس از چاپ و توزیع در دستور کار جلسه مجلس قرار می گیرد. طرح ها و لوایح سه فوریتی، پس از تصویب فوریت بلافاصله در دستور مجلس قرار می گیرد؟

به موجب اصل نود و هفتم قانون اساسی، «وقتی طرح یا لایحه‌های فوری در دستور کار مجلس قرار گیرد، اعضای شورای نگهبان باید در مجلس حاضر شوند و نظر خود را اظهار نمایند.» این الزام از آن روست که قانونی که به فوریت در مجلس بررسی و تصویب شده، در مرحله نظارت شورای نگهبان دچار تاخیر نشده و فوریت آن لوث نگردد. به موجب تفسیر شورای

انطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد و چنانچه آن را مغایر ببیند، برای تجدیدنظر به مجلس بازگرداند. در غیر این صورت مصوبه قابل اجراست. الزام به اظهارنظر شورا ظرف مدت ده روز، موجب جلوگیری از تعطیل و تاخیر در اجرای قوانین و سبب استیفای حقوق مردم است. با این همه، در مواردی ممکن است اظهار نظر در مورد برخی قوانین نیازمند فرصت بیشتری باشد. بر این مبنا، در اصل نود و پنجم گفته شده است:

در مواردی که شورای نگهبان مدت ده روز را برای رسیدگی و اظهارنظر نهایی کافی نداند، می تواند از مجلس شورای اسلامی حداکثر برای ده روز دیگر با ذکر دلیل، خواستار تمدید وقت شود. مبنای نظارت شورای نگهبان بر مصوبات مجلس، تخصص محوری و نظر کارشناسی اعضای این شورا است. با ملاحظه اصل نود و ششم قانون اساسی آشکار می شود که نظارت دوگانه ای بر مصوبات مجلس به عمل می آید:

«نظارت شرعی» و «نظارت قانونی». اصل مذکور این دو نوع نظارت را این گونه برعهده اعضای شورای نگهبان نهاده است

تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان، و تشخیص عدم تعارض آنها با قانون اساسی برعهده اکثریت

همه اعضای شورای نگهبان است. در صورتی که شورای نگهبان مصوبه مجلس با بخش هایی از آن را مغایر با شرع یا قانون اساسی تشخیص دهد، مصوبه موردنظر را با ذکر دلیل برای تجدیدنظر به مجلس بازمی گرداند." در این مرحله، برخورد مجلس با این اقدام شورای نگهبان ممکن است تامین نظر شورا و اصلاح ایرادات وارد شده و یا اصرار بر مصوبه سابق باشد. در صورت تامین نظر شورا از سوی مجلس، قانون گذاری خاتمه یافته و وارد مراحل اجرایی می شود. چنانچه مجلس بر رای قبلی خود اصرار ورزد - یعنی بین مصلحت اندیشی مجلس و شرع اندیشی شورای نگهبان اختلاف نظر پیش آید به مراتب برای حل اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان، به مجمع تشخیص

مصلحت نظام ارجاع می شود. در این مجمع است که اگر مصوبه مجلس مطابق مصالح نظام باشد، از باب حکم شرعی ثانوی، بر آن مهر تایید می خورد، هرچند مغایر با حکم شرعی اولی باشد. در این خصوص در فصل مربوط به مجمع تشخیص مصلحت بیشتر سخن خواهیم گفت.

در پایان با توجه به اصول مورد بحث، چند نکته را خاطرنشان می سازیم

اظهارنظر شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس، مبنی بر عدم مغایرت آنها با شرع ..  
و قانون اساسی است، نه مطابقت با آن دو. ۲. تشخیص



مغایرت یا انطباق قوانین با موازین اسلامی با فقهای شورای نگهبان است؟<sup>۳</sup>. تا زمانی که شورای نگهبان در مورد مصوبه مجلس اظهار نظر نکرده، مصوبه مورد نظر از دستور کار مجلس خارج نمی شود. از این رو، مجلس می تواند در آن ورود کرده، یا آن را از شورای نگهبان استرداد کند.

### ۱- 3. مراحل اجرایی شدن قانون

نخست. امضای رئیس جمهور: پس از سیر مراحل تصویب قانون در مجلس و تایید شورای نگهبان با تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام، نوبت به امضا و ابلاغ قانون به مسئولان اجرایی برای اجرا و دستور انتشار آن از سوی رئیس جمهور می رسد. این وظیفه رئیس جمهور در اصل ۱۲۳ این گونه بیان شده

رئیس جمهور موظف است مصوبات مجلس یا نتیجه همه پرسی را پس از طی مراحل

قانونی و ابلاغ به وی امضا کند و برای اجرا در اختیار مسئولان بگذارد. منظور از «مراحل قانونی» مذکور در این اصل، مراحل قانون گذاری از سوی مجل یا از طریق همه پرسی است که در بند پیشین مورد بررسی قرار گرفت. به موجب این اصل، پس از طی مراحل قانونی و احراز آن از سوی رئیس جمهور، وی موظف است قانون را امضا کند و در اختیار مسئولان قرار دهد. اصل مزبور تمامی قوانین جاری کشور را اعم از آنکه مربوط به قوه مجریه با قوای دیگر باشد، در برمی گیرد. این کلیت شامل آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی نیز می شود.

ماده یک قانون مدنی (اصلاحی ۱۴/۸/۱۳۷۰ مجلس شورای اسلامی) و ماده واحده

قانون تعیین مهلت قانونی برای اجرای اصل ۱۲۳ قانون اساسی (مصوب

، مهلت پنج روز را برای امضای رئیس جمهور تعیین کرده است. همچنین در این ( ماده واحده برای امضای قوانین فوری به وسیله رئیس جمهور، ۴۸ ساعت مهلت تعیین شده است. در هر صورت اگر در این مهلت رئیس جمهور قانون را امضا نکند، به موجب احکام قوانین مزبور، رئیس مجلس دستور انتشار آن را صادر می کند

نتیجه اینکه، امضای قوانین از سوی رئیس جمهور صرفاً جنبه تشریفاتی دارد. از این رو براساس قواعد حقوق اساسی ایران رئیس جمهور نمی تواند نسبت به قوانین مصوب مجلس اعلام مخالفت کرده، یا به اصطلاح قوانین مصوب مجلس را «وتو» کند. این همه ناشی از برتری قوه مقننه بر قوه مجریه است. به سخن دیگر، نمایندگان مجلس از سوی مردم انتخاب شده اند تا براساس مصالح و منافع مردم و کشور قانون گذاری کنند و رئیس جمهور را نیز برمی گزینند تا قوانین مجلس را به اجرا در آورد. بدیهی است برپایه قوانین موجود، دولت می تواند به هنگام قانون گذاری مجلس از مواضع خود دفاع کند و پس از تصویب نیز دلیلی برای مخالفت رئیس جمهور با قوانین باقی نمی ماند. یادآور می شویم در برخی کشورها چنین حقی برای رئیس جمهور به رسمیت شناخته شده؛ یعنی میتواند دست کم یک بار قانون را برای تجدیدنظر به مجلس بازگرداند و در صورتی که مجلس بار دیگر آن قانون را تصویب کرد، لازم الاجرا می شود. در نظام قانون گذاری آمریکا از این روش پیروی می شود

دوم. انتشار قانون پس از آنکه رئیس جمهور با رئیس مجلس (در صورت استنکاف رئیس جمهور از امضای قانون)، قانون را برای اجرا ابلاغ و دستور انتشار آن را صادر کرد، روزنامه رسمی (ارگان قوه قضائیه) موظف است ظرف مدت ۷۲ ساعت نسبت به انتشار قانون اقدام نماید. تمامی قوانین پس از پانزده روز از تاریخ انتشار، لازم الاجرا

تلقی شده و جهل به آن مسموع نیست، مگر آنکه در قانون زمان دیگری برای اجرای آن پیش بینی شده باشد. تنها استثنایی که به موجب قانون بر فرایند انتشار قانون و مدت مورد نیاز برای لازم الاجرا شدن آن

وارد شده، آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی است. به موجب مصوبه مجلس، آیین نامه داخلی مجلس از موضوع ماده ۲ قانون مدنی استثنا شده و بلافاصله پس از تصویب لازم الاجرا می شود. شایان یادآوری است که این آیین نامه نیز به عنوان یکی از قوانین مصوب مجلس باید به امضای رئیس جمهور برسد و ابلاغ شود.

در پایان گفتنی است اجرای بسیاری از قوانین مصوب مجلس، مشروط به تصویب آیین نامه اجرایی آن از سوی دولت است؛ بدین معنا که دولت باید در مدتی که در قانون تعیین می شود، چگونگی اجرای قانون را تبیین کند. روشن است که تا وقتی آیین نامه مربوط تهیه و تصویب نشود، امکان اجرای قانون وجود ندارد.

گزیده مطالب ۱. از آنجاکه قوه مقننه از آرای مستقیم مردم شکل می گیرد و نمایندگان مجلس از جانب مردم و برای

آنها قانون گذاری و بر اقدامات دولت نظارت می کنند، می توان این قوه را مردمی ترین قوه در میان

قوای سه گانه نامید. ۲. در جمهوری اسلامی ایران دو شیوه برای وضع قانون پیش بینی شده: شیوه مراجعه به آرای عمومی

یا همه پرسی در موارد بسیار مهم، و شیوه قانون گذاری از سوی مجلس شورای اسلامی، شیوه دوم

غالب و مهم تر است. ۳. در جمهوری اسلامی ایران، نظام دو مجلسی پذیرفته نشده، اما در عین حال قوه مقننه از دو رکن

ترکیب یافته: مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز که به حل اختلاف مجلس و شورای نگهبان می پردازد، رکن سوم قوه مقننه بشمار می رود، هر چند این

مجمع اصالتاً زیر مجموعه نهاد رهبری است. ۴. نمایندگان مجلس با رای مستقیم مردم انتخاب می شوند. شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندهگان

و کیفیت برگزاری انتخابات و نظارت بر آن، در قوانین مربوط پیش بینی شده است

نمایندگی مجلس، سمتی است با این اوصاف: ملی، کلی، عزل ناپذیر، غیر قابل ۵. واگذاری به غیر و مشارکتی ۶. دوره نمایندگی مجلس چهار سال است و نمایندگان در این دوره در مقام ایفای وظایف نمایندگی از مصونیت برخوردارند. ۷، هیئت های رئیسه مجلس به ترتیب عبارت است از: ستی، موقت و دائم. ساختار قانون گذاری مجلس نیز شامل شعب و کمیسیون های خاص، تخصصی و ویژه است. ۸. مهم ترین اصول حاکم بر قانون گذاری مجلس از این قرار است: صلاحیت عام و انحصاری مجلس در قانون گذاری، رعایت موازین شرعی و مفاد قانون اساسی و نیز رعایت درآمد و هزینه عمومی کشور. ۹. مهمترین وظایف مجلس، قانون گذاری و نظارت است. مراحل قانون گذاری عبارت است از: پیشنهاد

قانون، بررسی و تصویب و نظارت شورای نگهبان مراحل اجرایی شدن قانون نیز شامل امضای رئیس جمهور و ابلاغ او به دستگاههای اجرایی برای اجرا و انتشار قانون در روزنامه رسمی است.

## اهداف

هدف کلی آشنایی با وظیفه نظارت مجلس شورای اسلامی بر دولت و امور کشور و آشنایی

با شورای نگهبان. اهداف جزئی ۱. آگاهی از چگونگی نظارت مجلس بر دولت و ابزار و راه های این نظارت؛ ۲، آشنایی با شورای نگهبان (رکن دوم قوه مقننه)، ترکیب اعضا، مدت عضویت در شورا و وظایف و اختیارات آن

در فصل پیشین مطالبی در مورد مجلس شورای اسلامی (رکن اول قوه مقننه و قانون گذاری به عنوان مهمترین وظیفه آن سخن گفتیم. در این فصل در ادامه، ابتدا وظیفه مهم دیگر مجلس، یعنی «نظارت» را مورد بررسی قرار داده، آنگاه در مورد شورای نگهبان (رکن دوم قوه مقننه) سخن خواهیم گفت

## نظارت ۲.

دومین وظیفه مهم مجلس شورای اسلامی، «نظارت» است. نظارت پارلمانی که به نمایندگی از سوی مردم توسط مجلس شورای اسلامی انجام می شود، جایگاه ویژه ای در همه کشورها و نظام های حقوقی دارد. نظارت مجلس بر امور مختلف کشور جز آنکه

زمینه قانون گذاری بهتر و مناسب تر را فراهم می کند، تضمین مناسبی برای محسن اجرای قانون از سوی مجریان نیز بشمار می آید. بی گمان قانون گذاری شایسته، مفید و موثر زمانی وجود خواهد داشت که از

مختصر حقوق اساسی و آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ضمانت - ۱۸۲  
اجرایی کافی برخوردار باشد. ضمانت اجرای نظارتی مجلس آنگاه کامل خواهد شد که تبعات قضایی و سیاسی مناسبی داشته باشد. به طور کلی سه نوع نظارت برای مجلس شورای اسلامی پیش بینی شده که در ادامه بدان می پردازیم

#### نظارت بر تاسیس هیئت وزیران ۲. ۱۰

تاسیس قوه مجریه در نظام جمهوری اسلامی ایران، در اراده و رای عمومی مردم ریشه دارد؛ بدین ترتیب که مردم با رای مستقیم خود از یک سو رئیس جمهور را انتخاب می کنند و از سوی دیگر نمایندگان مجلس را برمی گزینند. هیئت وزیران نیز با تشریک مساعی مجلس و رئیس جمهور تشکیل می شود؛ چنان که طبق قانون اساسی، رئیس جمهور باید وزیران پیشهادی خود را برای اخذ رای اعتماد به مجلس معرفی کند و آنان نیز زمانی به سمت وزارت منصوب می شوند که از مجلس رای اعتماد کسب کنند. اصل ۱۳۳ در این خصوص مقرر داشته

وزرا توسط رئیس جمهور تعیین و برای گرفتن رای اعتماد به مجلس معرفی می شوند ... پس از معرفی وزیران از سوی رئیس جمهور، کار نظارت مجلس بر تاسیس هیئت وزیران آغاز میشود. در این مرحله، نمایندگان برنامه های فردی و جمعی وزیران و خط مشی و اصول

کلی و ترکیب هیئت وزیران را ملاحظه می کنند. پس از بیانات نمایندگان موافق و مخالف و استماع سخنان وزیر پیشنهادی و رئیس جمهور، در صورتی که این برنامه ها را منطبق بر مصالح کشور و مردم ببینند و وزیر معرفی شده را برای اجرای آنها صالح تشخیص دهند، به وی رای اعتماد داده، رسماً او را در جایگاه وزارت منصوب می کنند. پس از آنکه فرد فرد وزیران از مجلس رای اعتماد گرفتند، نمایندگان بار دیگر به مجموع وزیران در قالب هیئت وزیران رای اعتماد میدهند و بدین طریق هیئت وزیران را تاسیس می کنند. رای اعتماد نمایندگان به مجموع وزیران، نشان دهنده تایید ترکیب وزیرانی است که پیش از آن به فرد فرد آنان رای اعتماد دادند. در حقیقت با این رای جمعی، حلقه های مجزای وزارت، به هیئت وزیران بدل می شود.

به قوه مجریه ای که با مشارکت رئیس جمهور منتخب مردم و مجلس تشکیل می .. شود، مجریه نیمه ریاستی - نیمه پارلمانی گفته میشود. در فصل بعد سایر انواع قوه مجریه نیز معرفی شده است. ۲. بنگرید به آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، ماده ۱۸۸ و ۱۹۱

نظارت بر عملکرد دولت مهمترین رابطه نظارتی مجلس با دولت، نظارت ۲. ۲. ۱۸۳ • مجلس بر عملکرد دولت «است. منظور از عملکرد دولت، تمامی اقداماتی است که هریک از وزیران، رئیس جمهور یا هیئت وزیران به عنوان وظایف و اختیارات قانونی خویش، در راستای تامین منافع و مصالح کشور انجام می دهند. براساس برتری مجلس بر قوای دیگر (طبق قانون اساسی)، اصولاً اقدامات و کارهای دولت باید زیر نظر مجلس باشد و نمایندگان می توانند با استفاده از ابزارهایی که بدانها اشاره خواهد شد، بر دولت نظارت داشته باشند. به طور کلی نظارت مجلس بر دولت به سه دسته تقسیم می گردد

یک دسته ای از اقدامات دولت باید قبل از اجرا تحت نظارت مجلس در آید و به تصویب برسد که می توان آن را «نظارت استصوابی مجلس بر دولت» نامید. این اقدامات را می توان چنین برشمرد:

۲. انعقاد قراردادهای بین المللی (اصل ۷۷) ..
۳. تغییر در خطوط مرزی (اصل ۷۸)؛ ۴. برقراری شرایط اضطراری و محدودیت های فوق العاده یا محدودیت رفت و آمد (اصل ۷۹)؛ ۵. گرفتن و دادن وام های بدون عوض داخلی و خارجی (اصل ۸۰)؛ ۶. استخدام کارشناسان خارجی در صورت ضرورت (اصل ۸۲) ۷. فروش بناها و اموال دولتی که ملی و یا از نفایس منحصر به فرد نباشد (اصل ۸۳)؛ ۸. تشکیل وزارتخانه جدید (اصل ۱۳۳)؛

نظارت بر مصوبات دولت (ذیل اصل ۸۵ و اصل ۱۳۸). این نوع نظارت بر عهده ۹. رئیس مجلس گذارده شده تا این مصوبات برخلاف قوانین و مقررات عمومی کشور نباشد.

دو. نوع دیگر، نظارت مجلس بر دولت در حین عملکرد دولت است. براساس حقی که قانون اساسی برای مجلس در نظر گرفته، مجلس می تواند دولت را به هنگامی که در حال

قانون اساسی بالاترین نصاب رای مجلس را برای تغییر و اصلاح خطوط مرزی پیش .. بینی نموده است. طبق اصل ۷۸ در صورت احراز سایر شرایط تغییر خطوط مرزی (یک طرفه نبودن، جزئی بودن و همسویی با مصالح کشور و استقلال و تمامیت ارضی) باید به تصویب چهار پنجم مجموع نمایندگان نیز برسد.

مختصر حقوق اساسی و آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران انجام - ۱۸۴  
وظیفه خاصی است، زیر نظر گیرد تا از اجرای صحیح آن اطمینان بیاید. بیشتر نظارت



های مجلس بر دولت از این قبیل است. در این راستا، مجلس از ابزار نظارتی متفاوتی استفاده می کند که در ادامه خواهد آمد.

سه. در یک مورد نیز مجلس بعد از اقدام دولت نظارت می کند و آن پس از اجرای بودجه است. مجلس این نظارت را از طریق دیوان محاسبات کشور اعمال می کند. این دیوان زیر نظر مجلس شورای اسلامی است. به مجموع نظارتهای مجلس بر بودجه، اعم از تصویب بودجه و اجرای آن نظارت مالی» گفته میشود

### ابزارهای نظارتی مجلس بر دولت ۳- ۲-

یک. تذکر: حق دادن تذکر کتبی به رئیس جمهور یا یکی از وزرا درباره یکی از وظایف آنان، از حقوقی است که آیین نامه داخلی مجلس برای نمایندگان به رسمیت شناخته است. به موجب این حق، «در کلیه مواردی که نماینده یا نمایندگان مطابق اصل هشتم و هشتم قانون اساسی، از رئیس جمهور یا وزیر درباره یکی از وظایف آنان حق سوال دارند، می توانند در خصوص موردنظر به رئیس جمهور و وزیر مسئول کتبا تذکر دهند.» هیئت رئیسه مجلس نیز موظف است تذکر را به مقامات مذکور ابلاغ و خلاصه آن را در جلسه علنی مجلس عنوان کند. تذکر نمایندگان از ضمانت اجرای مستقیم و موثری برخوردار نیست، اما می تواند زمینه را برای نظارت های شدیدتر بعدی فراهم آورد.

دو. سوال: حق سوال نمایندگان از رئیس جمهور و وزیران از حقوقی است که قانون اساسی برای آنها در نظر گرفته است. اصل هشتم و هشتم قانون اساسی در مورد این ابزار نظارتی به تفصیل سخن گفته و چگونگی انجام سوال از رئیس جمهور و وزیران را بیان کرده است

در هر مورد که حداقل یک چهارم کل نمایندگان مجلس شورای اسلامی از رئیس جمهور، و یا هریک از نمایندگان از وزیر مسئول، درباره یکی از وظایف آنان سوال کنند، رئیس جمهور یا وزیر موظف است در مجلس حاضر شود و به

اصل ۵۵ قانون اساسی ۲. اصل ۵۴ قانون اساسی ۳. آیین نامه داخلی مجلس، ماده ۱۰. ۱۹۲.

سوال جواب دهد و این جواب نباید در مورد رئیس جمهور بیش از یک ماه و ۱۸۵ • در مورد

وزیر بیش از ده روز به تاخیر افتاد، مگر با عذر موجه به تشخیص مجلس شورای اسلامی، نکته دیگر در مورد این اصل آن است که تنها سوال از رئیس جمهور و وزیران مجاز شمرده شده است. به بیانی دیگر، نمایندگان مجلس نمی توانند از روسای سازمان های مستقل دولتی و معاونان رئیس جمهور - که برخی از آنها ریاست سازمان های بزرگی را برعهده دارند - سوال کنند، بلکه می توانند رئیس جمهور یا وزیری را که سازمان دولتی زیر نظر وی قرار دارد، مورد سوال قرار دهند. بدیهی است این امر از نظر سیاسی آثار نامطلوبی در پی دارد؛ بدین بیان که چه بسا سوال از رئیس جمهور به خاطر تخلف یکی از معاونانش، منجر به تزلزل جایگاه ریاست جمهوری شود. این امر در مورد استیضاح که در ادامه به آن می پردازیم نیز صادق است. از همین روست که یکی از اقدامات مجلس در سال های اخیر، تبدیل برخی از معاونتهای ریاست جمهوری به وزارتخانه بوده است. از این طریق نظارت نمایندگان بر این سازمان ها امکان پذیرتر میشود.

سوال نمایندگان اجزای متعددی دارد و مسائل داخلی یا خارجی کشور را در برمی گیرد. ۳ پس از طی مراسم سوال از وزیران در کمیسیون های تخصصی و صحن مجلس، نسبت به وارد بودن سوال نماینده یا نمایندگان رای گیری می شود. در صورتی که اکثریت نمایندگان حاضر به وارد بودن سوال، رای بدهند، رئیس مجلس موظف است موضوع را برای رسیدگی به رئیس جمهور ارجاع دهد؟

اگر از رئیس جمهور سوال شود، ابتدا ظرف مدت یک هفته با حضور نماینده وی و نماینده منتخب سوال کنندگان، در کمیسیون تخصصی مربوط مورد رسیدگی قرار می گیرد. پس از آن، چنانچه هنوز یک چهارم نمایندگان سوال کننده امضای خود را پس نگرفته باشند، رئیس مجلس موظف است در اولین جلسه سوال را قرائت و برای رئیس جمهور

مانند تبدیل سازمان تربیت بدنی و سازمان ملی جوانان به وزارت ورزش و جوانان ۱۰ در سال ۱۳۹۰. ۲. آیین نامه داخلی مجلس

شورای اسلامی، ماده ۱۹۴، تبصره ۵ ۳. همان، ماده ۱۹۳، بند ۱. ۴. همان، ماده ۱۹۴ مختصر حقوق اساسی و آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ارسال - ۱۸۶ کند. رئیس جمهور موظف است ظرف یک ماه از تاریخ دریافت سوال، در مجلس حاضر شود و به سوال پاسخ گوید، مگر با عذر موجه و با تشخیص مجلس شورای اسلامی سوال از رئیس جمهور و وزیران نیز دارای ضمانت اجرایی مستقیم نیست، جز آنکه زمینه را برای نظارت بعدی و شدیدتر مجلس، یعنی استیضاح فراهم کند. همچنان که در آیین نامه داخلی مجلس پیش بینی شده، «چنانچه در هر دوره مجلس، سه بار با رای اکثریت نمایندگان حاضر، سوالات نمایندگان از هر وزیر، وارد تشخیص داده شود،

طرح استیضاح وزیر در صورت رعایت اصل هشتاد و نهم (۸۹) قانون اساسی و آیین نامه داخلی در دستور کار مجلس

قرار خواهد گرفت.» البته بدیهی است که باز شدن پای مقامات بلندپایه اجرایی به مجلس برای پاسخ به سوال نمایندگان، موجب تزلزل جایگاه آنها در افکار عمومی جامعه خواهد شد.؟

سه، استیضاح: شدیدترین نظارت مجلس بر عملکرد مقامات دولتی، «استیضاح» است. براساس قانون اساسی، استیضاح ممکن است از هیئت وزیران، هریک از وزیران با رئیس جمهور به عمل آید. این نظارت مجلس از ضمانت اجرایی کافی و موثری برخوردار است؛ چراکه ممکن است نتیجه آن به عزل رئیس جمهور، هیئت وزیران یا وزیر بینجامد. بند نخست اصل هشتاد و نهم قانون اساسی ابتدا در مورد استیضاح هیئت وزیران یا هریک از وزیران گفته است

نمایندگان مجلس شورای اسلامی می توانند در مواردی که لازم می دانند، هیئت وزیران یا هریک از وزرا را استیضاح کنند. استیضاح وقتی قابل طرح در مجلس

۱، همان، ماده ۱۹۶. ۲. همان، ماده ۱۹۷ ۳ همان، ماده ۱۹۵، اصلاحی سال ۱۳۸۷ ۴. مواد ۱۹۳ تا ۱۹۷ آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی در مورد چگونگی اجرای اصل ۸۸ قانون اساسی تنظیم شده است. .. استیضاح به معنای توضیح خواستن است. برخی حقوق دانان استیضاح را نظارت سیاسی مجلس بر دولت نام نهاده اند. (هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، ص

اصولا نظارت سیاسی به نظارتی گفته می شود که مقام ناظر نسبت به وظایف و (۲۰۷) اختیارات مقام اجرایی اعمال می کند. مقام اجرایی نیز نسبت به مقام ناظر مسئولیت سیاسی دارد؛ به این معنا که نسبت به وظایف و اختیارات خود باید در مقابل وی پاسخ

گو باشد. بر این اساس افزون بر استیضاح، سوال و تحقیق و تفحص را نیز می توان نظارت سیاسی قلمداد کرد.

• است که با امضای حداقل ده نفر از نمایندگان به مجلس تقدیم شود. هیئت ۱۸۷ وزیران یا وزیر مورد استیضاح باید ظرف مدت ده روز پس از طرح آن در مجلس حاضر شده و به آن پاسخ گوید و از مجلس رای اعتماد بخواهد. در صورت عدم حضور هیئت وزیران یا وزیر برای پاسخ، نمایندگان مزبور درباره استیضاح خود توضیحات لازم را می دهند و در صورتی که مجلس مقتضی بداند، اعلام رای عدم اعتماد خواهد کرد. اگر مجلس رای اعتماد نداد، هیئت وزیران یا وزیر مورد استیضاح عزل می شود. در هر دو صورت وزرای مورد استیضاح نمی توانند در هیئت وزیرانی که بلافاصله بعد از آن تشکیل می شود، عضویت پیدا کنند. در ادامه این اصل نسبت به استیضاح رئیس: جمهور آمده است:

در صورتی که حداقل یک سوم از نمایندگان مجلس شورای اسلامی رئیس جمهور را در مقام اجرای وظایف مدیریت قوه مجریه و اداره امور اجرایی کشور مورد استیضاح قرار دهند، رئیس جمهور باید ظرف مدت یک ماه پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و در خصوص مسائل مطرح شده توضیحات کافی بدهد. در صورتی که پس از بیانات نمایندگان مخالف و موافق و پاسخ رئیس جمهور، اکثریت دو سوم کل نمایندگان به عدم کفایت رئیس جمهور رای دادند، مراتب جهت اجرای بند ده اصل

یکصد و دهم به اطلاع مقام رهبری می رسد. دقت در مفاد این اصل، تفاوت های استیضاح وزیر و رئیس جمهور و شرایط استیضاح هر یک را روشن می کند؛ تفاوت هایی مانند نصاب لازم برای استیضاح وزیران و رئیس جمهور و نیز مهلت حضور ایشان در

مجلس برای توضیح دادن. مواد ۲۱۹ تا ۲۳۳ آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی،  
چگونگی و تشریفات استیضاح وزیران و رئیس جمهور را بیان کرده است

در خصوص این اصل چند نکته گفتنی است

موارد استیضاح و موضوعات آن مطلق است؛ به این معنا که قلمرو استیضاح صرفاً ۱.  
وظایف و اختیارات وزیران نیست، بلکه ممکن است موضوع استیضاح، امور خارج از  
وظایف وی نیز باشد، مانند صلاحیت و سلامت فردی مقام استیضاح شده ۲. پس  
از استیضاح، نسبت به عدم اعتماد به وزیر رای گیری می شود. آرای مثبت نمایندگان،  
به معنای موافقت با استیضاح و عدم اعتماد به وزیر، و آرای منفی نیز نشان از

آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، ماده ۲۲۵

مختصر حقوق اساسی و آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - ۱۸۸  
مخالفت با استیضاح و اعتماد به وزیر است. آرای ممتنع نیز به نفع وزیر شمارش می  
شود؛ زیرا نشان دهنده برنگشتن رای اعتماد اولیه نماینده از رای اعتماد به وزیر است

نتیجه رای عدم اعتماد به وزیر علاوه بر عزل فوری وزیر از وزارت، تنبیه دیگری را ۳.  
نیز در پی دارد و آن اینکه وزیر عزل شده نمی تواند در هیئت وزیرانی که بلافاصله بعد  
از آن تشکیل می شود، عضویت داشته باشد

رئیس جمهور در صورت استیضاح و رای عدم کفایت مجلس، از مقام ریاست .  
جمهوری عزل نمی شود، بلکه مراتب به اطلاع مقام رهبری می رسد و وی با در نظر  
گفتن مصالح کشور، یا او را از سمتش عزل می کند، یا اینکه وی را ابقا می نماید. چهار.

گزارش

منفی نمایندگان و کمیسیون ها: در اصلاحیه سال ۱۳۸۷ آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، طی ماده ۲۳۳ که به آیین نامه الحاق شد، در ادامه مباحث مربوط به استیضاح، ابزار نظارتی دیگری برای مجلس به منظور نظارت بر عملکرد رئیس جمهور، وزیر یا مسئولان دستگاه های زیرمجموعه آنان پیش بینی شده است. این ابزار نظارتی را که به بیانی یکی از اختیارات کمیسیون های تخصصی مجلس نیز شمرده شده، می توان «گزارش منفی نمایندگان از عملکرد دولت» نیز نام نهاد. به موجب ماده ۲۳۳ آیین نامه داخلی مجلس:

هرگاه حداقل ده نفر از نمایندگان و یا هر کدام از کمیسیون ها عدم رعایت شئون و نقض یا استنکاف از اجرای قانون یا اجرای ناقص قانون توسط رئیس جمهور و یا وزیر و یا مسئولین دستگاه های زیر مجموعه آنان را اعلام نمایند، موضوع بلافاصله از طریق هیئت رئیسه جهت رسیدگی به کمیسیون ذیربط ارجاع می گردد. کمیسیون حداکثر ظرف ده روز موضوع را رسیدگی و در صورت وارد بودن با اظهار نظر صریح، گزارش خود را از طریق هیئت رئیسه به مجلس ارائه می دهد. | در تبصره های این ماده ضمانت اجراهای نسبتاً شدیدی برای این ابزار نظارتی مجلس پیش بینی شده است. تبصره ۱ این ماده مقرر می دارد:

چنانچه نظر مجلس بر تایید گزارش باشد، موضوع جهت رسیدگی به قوه ۱۲. بنگرید به: همان، ماده ۳۳، بند ۶ و تبصره آن

قضائیه و سایر مراجع ذی صلاح ارجاع می شود تا خارج از نوبت و بدون ۱۸۹ •  
تشریفات

دادرسی رسیدگی نمایند. در تبصره ۲ این ماده به مانند ماده ۱۹۵ آیین نامه داخلی،  
:ضمانت اجرای شدیدتری در نظر گرفته شده است

در صورتی که مجلس در مورد رئیس جمهور یا هریک از وزیران، سه نوبت رای به وارد  
(۸۹) بودن گزارش بدهد، طرح استیضاح در صورت رعایت مفاد اصل هشتاد و نهم  
قانون اساسی در دستور کار مجلس قرار خواهد گرفت در خصوص این ماده و دو تبصره  
آن، به نظر می رسد افزودن ابزار نظارتی بیش از آنچه در قانون اساسی آمده، شائبه  
مغایر بودن با قانون اساسی را داشته باشد؛ به ویژه آنکه اجرای این ابزار نظارتی زمینه  
استیضاح را - البته با رعایت اصل ۸۹ - فراهم می کند. در هر حال این ابزار راه مناسب  
و موثری برای کنترل دولت از سوی مجلس شمرده می شود. این امر در مورد حق تذکر  
نمایندگان نیز وجود دارد، اگرچه حق دادن تذکر کتبی صرفاً در مواردی است که  
نماینده حق سوال دارد

پنج. تحقیق و تفحص: یکی دیگر از ابزار نظارتی مجلس، تحقیق و تفحص «است. اصل  
:هفتاد و ششم قانون اساسی این موضوع را این گونه بیان نموده است

مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد. از این اصل دو  
:نکته دریافتنی است

تحقیق و تفحص، حق مجلس شورای اسلامی است، نه حق یک یا چند نماینده ..  
مجلس. بنابراین اگر نماینده یا نمایندگان تقاضای تحقیق و تفحص داشته باشند،  
زمانی اقدام به این کار می شود که تقاضای آنها به تصویب کمیسیون تخصصی مربوط و  
مجلس برسد.؟



با توجه به کار برد لفظ «تمام» که از الفاظ عموم است و افزوده شدن کلمه «امور» ۲. به

بنگرید به مرکز ( ۳/۴/۱۳۶۰ )

درباره نظر تفسیری شورای نگهبان در مورد اصل ۷۶ (شماره ۲۸۱۳ مورخ تحقیقات .. شورای نگهبان، مجموعه نظریات شورای نگهبان، ص ۵۷ ۲. آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، ماده

قضائیه و سایر مراجع ذی صلاح ارجاع می شود تا خارج از نوبت و بدون تشریفات ۱۸۹ دادرسی رسیدگی نمایند. در تبصره ۲ این ماده به مانند ماده ۱۹۵ آیین نامه داخلی،  
:ضمانت اجرای شدیدتری در نظر گرفته شده است

در صورتی که مجلس در مورد رئیس جمهور یا هریک از وزیران، سه نوبت رای به وارد (۸۹) بودن گزارش بدهد، طرح استیضاح در صورت رعایت مفاد اصل هشتاد و نهم قانون اساسی در دستور کار مجلس قرار خواهد گرفت. در خصوص این ماده و دو تبصره آن، به نظر می رسد افزودن ابزار نظارتی بیش از آنچه در قانون اساسی آمده، شائبه مغایر بودن با قانون اساسی را داشته باشد؛ به ویژه آنکه اجرای این ابزار نظارتی زمینه استیضاح را - البته با رعایت اصل ۸۹ - فراهم می کند. در هر حال این ابزار راه مناسب و موثری برای کنترل دولت از سوی مجلس شمرده می شود. این امر در مورد حق تذکر نمایندگان نیز وجود دارد، اگرچه حق دادن تذکر کتبی صرفا در مواردی است که  
نماینده حق سوال دارد

پنج. تحقیق و تفحص: یکی دیگر از ابزار نظارتی مجلس، «تحقیق و تفحص» است. اصل هفتاد و ششم قانون اساسی این موضوع را این گونه بیان نموده است

مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد. از این اصل دو نکته دریافتنی است

تحقیق و تفحص، حق مجلس شورای اسلامی است، نه حق یک یا چند نماینده .. مجلس. بنابراین اگر نماینده یا نمایندگان تقاضای تحقیق و تفحص داشته باشند، زمانی اقدام به این کار می شود که تقاضای آنها به تصویب کمیسیون تخصصی مربوط و مجلس برسد؟

با توجه به کار برد لفظ «تمام» که از الفاظ عموم است و افزوده شدن کلمه «امور» ۲. به

بنگرید به مرکز ( ۳/۴/۱۳۶۰ )

درباره نظر تفسیری شورای نگهبان در مورد اصل ۷۶ (شماره ۲۸۱۳ مورخ ۱. تحقیقات شورای نگهبان، مجموعه نظریات شورای نگهبان، ص ۵۷. ۲. آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، ماده

مختصر حقوق اساسی و آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آن، - ۱۹۰ نتیجه می گیریم که اصولاً مجلس شورای اسلامی می تواند در همه امور کشور ورود یابد و از آنها تحقیق و تفحص به عمل آورد، خواه این امور مربوط به دستگاه ها و

نهادهای دولتی باشد، یا غیردولتی. البته در آیین نامه داخلی مجلس مواردی نیز استثنا شده است.

پس از آنکه تقاضای تحقیق و تفحص به تصویب مجلس رسید، هیئت ویژه‌های مرکب از چند نفر از نمایندگان مجلس (دست کم یازده و حداکثر پانزده نفر) به پیشنهاد کمیسیون و حکم رئیس مجلس، تشکیل شده و کار خویش را آغاز می‌کند. دستگاه یا دستگاه‌های اجرایی که مورد تحقیق و تفحص مجلس قرار می‌گیرند، باید تمامی مدارک و مستندات مورد نیاز هیئت مذکور را در اختیار قرار دهند. در غیر این صورت، آن دستگاه متخلف شناخته شده و پرونده تخلف آن به دادگاه ارجاع می‌شود. نتیجه کار هیئت تحقیق و تفحص در صحن مجلس قرائت می‌شود و به اطلاع عموم می‌رسد. در واقع تحقیق و تفحص، زمینه قانون‌گذاری مجلس را برای محدود کردن وظایف و اختیارات دستگاه متخلف نیز فراهم می‌کند. البته این امر از ضمانت کافی نیز برخوردار است؛ یعنی ارجاع موارد تخلف دستگاه مورد نظارت به مراجع قضایی و اداری و امکان استیضاح وزیری که تخلف او احراز شده است؟

شش. کسب اطلاع از مردم: در نظام جمهوری اسلامی ایران مردمی‌ترین نهاد، مجلس شورای اسلامی است. مجلس کاملاً از رای مستقیم مردم شکل گرفته و تجلی‌گاه خواست و اراده عمومی است؛ ضمن آنکه مرجع و پناهگاهی برای دادخواهی مردم نیز بشمار می‌رود. مردم می‌توانند شکایات خود را از دستگاه‌های مختلف به مجلس ارسال کنند و مجلس نیز موظف به رسیدگی به آنهاست. از همین روست که این فرایند یکی از ابزارهای نظارتی مجلس دانسته می‌شود. قانون اساسی جمهوری اسلامی این ویژگی مجلس را در اصل نودم این گونه بیان داشته

هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه با قوه قضائیه داشته باشد، می تواند شکایت خود را کتبا به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این تبصره ۷ ماده ۱۹۸. این دستگاهها عبارت است از: شورای نگهبان، مجلس خبرگان رهبری، مجمع تشخیص مصلحت نظام و پرونده های جریانی مراجع قضایی و امور ماهیتی قضایی در مورد دستگاه هایی که زیر نظر مقام معظم رهبری هستند، با اذن ایشان امکان تحقیق و تفحص توسط مجلس وجود دارد. ۲. بنگرید به آیین نامه داخلی مجلس

| .شورای اسلامی، ماده ۱۹۸ تا ۲۰۱

شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه ۱۹۱ و یا قوه قضائیه مربوط است، رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد، به اطلاع عامه برساند. در راستای اجرای این اصل، کمیسیون خاصی به نام «کمیسیون اصل نود» در مجلس شورای اسلامی تشکیل شده است. اعضای این کمیسیون، ترکیبی هستند از نمایندگان معرفی شده از سوی سایر کمیسیون ها (هر کمیسیون یک نفر) و هشت نفر از نمایندگان که توسط روسای شعب و هیئت رئیسه - به عنوان اعضای ثابت به انتخاب می شوند.

دایره شمول شکایت مردم نزد مجلس بسیار گسترده است؛ بدین معنا که به تصریح اصل فوق، این ابزار نظارتی نیز همچون تحقیق و تفحص، به نظارت مجلس بر دولت اختصاص نداشته و امور مربوط به قوای سه گانه را نیز در برمی گیرد. بدیهی است شکایات مردم باید ناظر به روش و طرز کار قوا باشد. از این رو، شکایت از مقررات و

تصمیمات مقامات و کارمندان دولتی شامل این اصل نمی شود. رسیدگی به این گونه شکایات در صلاحیت دیوان عدالت اداری است که در جای خود بدان خواهیم پرداخت

رکن دوم قوه مقننه: شورای نگهبان

پیش تر اشاره شد که برابر قانون اساسی مشروطه، ترکیب قوه مقننه قبل از انقلاب اسلامی، دو مجلسی بود؛ شامل مجلس شورای ملی و مجلس سنا که از شصت عضو تشکیل می یافت. سی نفر از این تعداد از سوی پادشاه (پانزده نفر از تهران و پانزده نفر از سایر شهرها و سی نفر به وسیله مردم (پانزده نفر از تهران و پانزده نفر از سایر شهرها) انتخاب می شدند. در متمم قانون اساسی مشروطه، پادشاه به عنوان رکن سوم قوه مقننه به این قوه افزوده گشت و به هر سه رکن اجازه قانون گذاری داده شد.؟

آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، ماده ۳۲ ۲. این مجلس از ۱۶۲ عضو .. ترکیب یافته بود که افزایش اعضای آن نیز امکان داشت. اعضای این مجلس برای مدت دو سال انتخاب می شدند. (اصول چهارم و پنجم قانون اساسی مشروطه) ۳. قانون اساسی مشروطه، اصل ۴۳ ۴. اصل ۲۷ متمم قانون اساسی مشروطه

مختصر حقوق اساسی و آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به - ۱۹۲ موجب اصل بیست و هفتم متمم قانون اساسی مشروطه هیچ یک از دو مجلس و شاهنشاه نباید برخلاف موازین شرعی، قانونی وضع کنند. در اصل دوم این قانون که به

اصل طراز» مشهور است، ضوابطی نیز برای نظارت بر قوانین مصوب مجالس یادشده پیش بینی شده بود، اما هیچ گاه این دغدغه مهم ملت جامه عمل نپوشید و مردم ایران همواره شاهد تصویب قوانینی بودند که مغایر با شرع بود

پس از پیروزی انقلاب اسلامی با تدبیر خبرگان قانون اساسی، نظام ترکیبی یا دو مجلسی جای خود را به نظام بسیط یا یک مجلسی داد و بدین سان مجلس سنا از قاموس تقنین کشور حذف گردید، اما در کنار مجلس شورای اسلامی به عنوان تنها مرجع صالح برای قانون گذاری، رکن دوم و ناظری به نام «شورای نگهبان» پیش بینی شد. فلسفه ایجاد شورای نگهبان، ضرورت پاسداری از احکام شرع و اصول قانون اساسی است. اسلامیت نظام" و لزوم ابتدای کلیه قوانین و مقررات بر موازین اسلامی و ممنوعیت مجلس در وضع قوانینی که مغایر با

اصل ۲۷ متمم قانون اساسی مشروطه ۲. مجلس مقدس شورای ملی که بتوجه و .. تایید حضرت امام عصر عجل الله فرجه و بذل مرحمت اعلی حضرت شاهنشاه اسلام خلدالله سلطانه و مراقبت حجج اسلامیه - کثرالله امثالهم - و عامه ملت ایران تاسیس شده است، باید در هیچ عصری از اعصار مواد قانونیه آن مخالفتی با قواعد مقدسه اسلام و قوانین موضوعه حضرت خیر الانام - صلی الله علیه و آله و سلم - نداشته باشد و معین است که تشخیص مخالفت قوانین موضوعه با قواعد اسلامیه برعهده علمای اعلام - ادام الله برکات وجودهم - بوده و هست. لهذا رسماً مقرر است در هر عصری از اعصار هیئتی که کمتر از پنج نفر نباشد، از مجتهدین و فقهای متدینین - که مطلع از مقتضیات زمان هم باشند . باین طریق که علمای اعلام و حجج اسلام مرجع تقلید شیعه اسلام بیست نفر از علما که دارای صفات مذکوره باشند، معرفی بمجلس شورای ملی بنمایند. پنج نفر از آنها را با بیشتر بمقتضای عصر، اعضای مجلس شورای ملی بالاتفاق یا بحکم قرعه تعیین نموده، پسمت عضویت بشناسند تا موادی که در مجلسین عنوان می شود، بدقت مذاکره و غوررسی نموده، هریک از آن مواد معنونه که مخالفت با قواعد مقدسه اسلام داشته باشد، طرح و رد نمایند که عنوان قانونیت پیدا نکند و رای این هیئت علما در این باب مطاع و متبع خواهد بود و این ماده با زمان ظهور حضرت

حجت عصر - عجل الله فرجه - تغییرپذیر نخواهد بود. ۳. اصل ۹۱ ۴. اصل ۱ قانون اساسی، به اصل ۴ قانون اساسی

اصول و احکام اسلام یا قانون اساسی است، اقتضا می کند که نهادی ناظر بر ۱۹۳ • مصوبات مجلس وجود داشته باشد. قانون گذار اساسی، شورای نگهبان را بدین منظور و با هدف انجام سایر موارد پیش بینی شده در قانون اساسی ایجاد کرده است

یک ترکیب اعضای شورای نگهبان

قانون گذار اساسی با در نظر گرفتن وظیفه مهم شورای نگهبان ترکیب دو گانه ای برای این شورا در نظر گرفته است؛ شامل کارشناسان دینی و کارشناسان حقوقی که با تشریک مساعی مقام رهبری، رئیس قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی انتخاب می شوند. اصل نود و یکم قانون اساسی در این باره می گوید

به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آنها، شورایی به نام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می شود 1، شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز که انتخاب این عده با مقام رهبری است؛ ۲. شش نفر حقوقدان در رشته های مختلف حقوقی، از میان حقوق دانان مسلمانی که به وسیله رئیس قوه قضائیه به مجلس شورای اسلامی معرفی می شوند و با رای

مجلس انتخاب می گردند. برپایه این اصل، کارشناسان دینی باید مجتهد، عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز باشند که انتخاب آنان با مقام رهبری است. برای کارشناسان حقوقی نیز شرط حقوقدان بودن و مسلمانی پیش بینی شده که انتخاب آنها نیز پس از معرفی رئیس قوه قضائیه، با مجلس شورای اسلامی است

دو. مدت عضویت

اصل نود و دوم قانون اساسی مدت عضویت اعضا و نحوه تغییر ایشان را این گونه بیان کرده است:

اعضای شورای نگهبان برای مدت شش سال انتخاب می شوند، ولی در نخستین . اصل ۷۲ قانون اساسی

مختصر حقوق اساسی و آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دوره - ۱۹۴  
پس از گذشتن سه سال، نیمی از اعضای هر گروه به قید قرعه تغییر می یابند  
و اعضای تازه ای به جای آنها انتخاب می شوند مطابق این اصل هر چند دوره عضویت  
شورای نگهبان شش سال تعیین شده، تغییر اعضا به گونه ای پیش بینی گشته که همه  
اعضا به یک باره تغییر نیابند، بلکه هر سه سال نیمی از اعضای هر گروه عوض شوند.  
این امر از آن روست که هیچ گاه نباید کشور بدون شورای نگهبان باشد؛ چراکه اگر  
شورای نگهبان وجود نداشته باشد، مجلس شورای اسلامی نیز اعتبار قانونی خود را از  
دست میدهد، درحالی که قانون گذار اساسی دوران فترت را برای مجلس منتفی و  
ممنوع دانسته است. همچنین از آنجا که در اصل فوق، محدودیتی برای انتخاب متوالی  
و مکرر اعضا پیش بینی نشده، اعضای این شورا می توانند چند دوره متوالی نیز به  
عضویت آن در آینده

استعفا و عزل فقهای شورای نگهبان در بند ۶ اصل ۱۱۰ از وظایف و اختیارات مقام  
رهبری شمرده شده، اما در مورد استعفا و عزل حقوق دانان سخنی به میان نیامده



است. با این حال، ماده ۷ آیین نامه داخلی این شورا تا حدودی تکلیف را مشخص کرده  
است |

استعفای اعضای شورا باید کتبا به دبیر شورا اعلام شود. دبیر شورا استعفانامه را در  
اولین جلسه قرائت می کند. چنانچه ظرف یک هفته از تاریخ قرائت، استعفا مسترد  
نشود، استعفانامه عضو فقیه به مقام معظم رهبری و استعفانامه عضو حقوق دان به  
روسای قوه قضائیه و قوه مقننه اعلام می گردد. چنان که پیداست، در این ماده هنوز در  
مورد عزل حقوق دانان شورا و مقام پذیرنده استعفای ایشان، ابهام وجود دارد، اگرچه به  
نظر میرسد پذیرش استعفا مشترکا برعهده روسای قوه مقننه و قضائیه قرار گرفته باشد  
سه. وظایف و اختیارات شورای نگهبان

شورای نگهبان سه وظیفه اصلی و سه وظیفه فرعی دارد. در آغاز به وظایف اصلی این  
شورا می پردازیم

، مطابق اصل ۹۳ قانون اساسی، «مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان  
اعتبار قانونی ندارد، مگر در مورد تصویب اعتبارنامه نمایندگان و انتخاب شش نفر حقوق  
دان اعضای شورای نگهبان» ۲، مفاد اصل ۶۸ قانون اساسی

- نظارت بر قوانین و مقررات کشور مهمترین وظیفه شورای نگهبان، نظارت ۱۰ ۱۹۵
- بر قوانین و مقررات کشور از جمله مصوبات مجلس شورای اسلامی است تا با شرع و  
قانون اساسی مغایرت نداشته باشد. اصولا نام گذاری این شورا به «شورای نگهبان»  
ناشی از واگذاری همین وظیفه مهم است. به جز آنچه در بحث مربوط به مراحل قانون

گذاری مجلس شورای اسلامی بیان کردیم، در این باره چند نکته دیگر نیز در خور ذکر است: ۱. نظارت شورا بر مصوبات مجلس، مبنی بر

عدم مغایرت» با شرع و قانون اساسی است نه مطابقت با آنها. بنابراین صرف نیافتن وجود دلیلی بر غیرشرعی بودن یا خلاف قانون اساسی بودن مصوبه مجلس، به معنای مشروعیت و قانونی بودن آن است

اعلام نظر در مورد عدم مغایرت مصوبات مجلس با احکام و موازین شرعی، برعهده ۲. فقهای شورای نگهبان، و اعلام نظر در مورد عدم مغایرت این مصوبات با قانون اساسی، برعهده اکثریت همه اعضا اعم از فقها و حقوقدانان است.؟

در صورتی که شورای نگهبان مصوبه مجلس را با شرع و قانون اساسی مغایر ۳. تشخیص دهد، باید آن را با ذکر مورد برای تجدید نظر به مجلس بازگرداند. در این مرحله اگر مجلس نظر شورای نگهبان را تأمین نکرد، مراتب برای بررسی مصلحت آمیز بودن مصوبه مجلس، به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع می شود

مطابق اصل نود و چهارم «کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای ۴. نگهبان فرستاده شود.» این عمومیت همه مصوبات و قانون گذاری های مجلس، حتی آیین نامه داخلی مجلس را در بر می گیرد، اما سایر مواردی را که حتی ناشی از آرای نمایندگان است، شامل نمی شود. از این رو، انتخاباتی که در مجلس انجام میشود (مانند انتخاب هیئت رئیسه، انتخاب اعضای حقوق دان شورای نگهبان و انتخاب نمایندگان برای عضویت در کمیسیون های خاص

قانون اساسی، اصل ۴، ۷۲، ۹۱ ۹۴ و ۹۶ ۲. اصل ۹۶ قانون اساسی ۳. اصل ۹۴ ۱. قانون اساسی ۴. اصل ۱۱۲ قانون اساسی

مختصر حقوق اساسی و آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یا - ۱۹۶  
مجامع خارج از مجلس) و همچنین تصویب اعتبارنامه نمایندگان در مجلس - که در  
حقیقت یک مرحله از قطعیت یافتن انتخاب آنهاست - از شمول این اصل بیرون است و  
نیازی به ارسال آنها به شورای نگهبان نیست.

مهلت اظهار نظر شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس، ده روز از تاریخ وصول ۵  
است. اگر شورا ظرف این مدت اظهار نظر نکرد، مصوبه مجلس تاییدشده تلقی گشته و  
لازم الاجراست. «در مواردی که شورای نگهبان مدت ده روز را برای اظهار نظر نهایی  
کافی نداند، می تواند از مجلس شورای اسلامی برای ده روز دیگر با ذکر دلیل خواستار  
تمدید وقت شود». ۲.

در زمینه وظیفه نظارت شورای نگهبان بر قوانین و مقررات کشور، نباید نظارت این  
شورا بر مصوبات دولت را نیز از نظر دور داشت. همچنان که پیش تر در بحث مربوط به  
صلاحیت انحصاری مجلس در قانون گذاری نیز گفته شد، به موجب قسمتی از اصل  
هشتاد و پنجم قانون اساسی

مجلس شورای اسلامی می تواند تصویب دائمی اساسنامه سازمان ها، شرکتهاء موسسات  
دولتی با وابسته به دولت را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون های ذیربط واگذار  
کند و با اجازه تصویب آنها را به دولت بدهد. در این صورت مصوبات دولت نباید با  
اصول و احکام مذهب رسمی کشور و یا قانون اساسی مغایرت داشته

باشد. تشخیص این امر به ترتیب مذکور در اصل نود و ششم با شورای نگهبان است. در  
ادامه خاطر نشان می سازیم چنانچه کسی نزد دیوان عدالت اداری شکایتی مبنی بر  
خلاف شرع بودن مصوبه دولت مطرح کند، هیئت عمومی دیوان، ملکف است آن را برای

اخذ نظر شورای نگهبان به این شورا ارسال نماید. نظر شورای نگهبان برای هیئت عمومی لازم الاتباع است؟

۱. اصل ۹۴ قانون اساسی ۲. اصل ۹۵ قانون اساسی ۳. موضوع اصل ۱۷۳ قانون اساسی
۴. ماده ۴۱ قانون دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۸۵: «در صورتی که مصوبه به لحاظ مغایرت با موازین

افزون بر این، از اطلاق و عموم اصل چهارم قانون اساسی، نتیجه می گیریم که ۱۹۷۰ نظارت بر عدم مغایرت مصوبات شوراهای اسلامی نیز برعهده شورای نگهبان است. اما قوانین کشور در مورد ساز و کار این نظارت، خاموش است. همچنین گفتنی است | گستره نظارت شورای نگهبان قوانین قبل از انقلاب را نیز در برمی گیرد

## نظارت بر انتخابات ۲.

وظیفه نظارت بر انتخابات گوناگون (به جز نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی) و همه پرسى، موضوع اصل پنجاه و نهم (همه پرسى تقنینی) و یکصد و هفتاد و هفتم (همه پرسى بازنگرى قانون اساسی) است. اصل نود و نهم در این زمینه مقرر می دارد

شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری

مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی و همه پرسى را برعهده دارد، ا پیشتر در مورد نوع این نظارت گفته شد که براساس تفسیر شورای نگهبان از این اصل، نظارت

مذکور در این اصل، عام، استصوابی و شامل تمام مراحل انتخابات است؛ از جمله مرحله تایید صلاحیت نامزدها.

### تفسیر قانون اساسی ۳.

بی تردید بنای قانون گذار آن است که در کار خود نهایت دقت را به عمل آورد و قوانینی فراگیر برای زمان های مختلف و عاری از هر ایراد و ابهامی وضع کند، اما با این همه، ممکن است گاه قانونی با توجه به شرایط جدید تفسیری دیگر بطلبد، یا اینکه مبهم بوده و نیاز به رفع ابهام یا بیان مراد و گستره شمول داشته باشد. اصولاً خود کسی که قانون را وضع کرده، شایسته ترین فرد برای بیان مراد آن و یا شمول آن نسبت به شرایط و موارد نوپیدا است. از آنجا که مجلس قانون گذار اساسی (یا خبرگان موسس) در جمهوری اسلامی ایران، پس از تصویب این قانون منحل شده و دیگر تشکیل نمی شود و شورای بازنگری در قانون اساسی نیز در مواقع ضروری (بر پایه اصل ۱۷۷) تشکیل می گردد، این وظیفه مهم طبق اصل نود و هشتم قانون اساسی برعهده شورای نگهبان است. این واگذاری در حقیقت به فلسفه ایجاد

شرعی برای رسیدگی مطرح باشد، موضوع جهت اظهار نظر به شورای نگهبان ارسال می شود. نظر فقهای شورای نگهبان برای هیئت عمومی لازم الاتباع است « .. تفسیر شماره ۱۹۸۳ مورخ

شورای نگهبان در پاسخ به شورای عالی قضایی ۸/۲/ ۱۳۶۰

مختصر حقوق اساسی و آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شورای - ۱۹۸  
نگهبان (نگهبانی از قانون اساسی) بازمی گردد؛ چه آنکه اگر تفسیر اصول قانون اساسی

به نهاد دیگری غیر از شورای نگهبان سپرده شود، چه بسا تفاسیری نسبت به اصول آن  
به عمل آید که مغایر با هدف قانون گذار اساسی باشد. به موجب این اصل

تفسیر قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است که با تصویب سه چهارم آنان انجام  
میشود. تفسیر قانون اساسی در حکم خود قانون اساسی است و شورای نگهبان زمانی  
دست به تفسیر میزند که مقام رهبری، رئیس جمهور، رئیس قوه قضائیه با رئیس  
مجلس شورای اسلامی و یا یکی از اعضای شورای نگهبان، نسبت به یکی از اصول این  
قانون درخواست تفسیر (استفسار کرده باشد

همچنین این شورا می تواند راسا در مواردی که ضروری بداند، به تفسیر قانون اساسی  
بپردازد. تشخیص اینکه آیا اصل موضوع استفسار به تفسیر نیاز دارد یا خیر، برعهده  
اکثریت اعضای این شورا است.؟

۴، سایر وظایف و وظایف فرعی شورای نگهبان نیز بدین قرار است: .. عضویت اعضای  
شورای نگهبان در شورای بازنگری قانون اساسی؛ ۲. عضویت یکی از فقهای شورای  
نگهبان در شورای موقت رهبری؛ ۳. حضور اختیاری و الزامی در مجلس  
شورای اسلامی طبق اصل نود و هفتم قانون اساسی

اعضای شورای نگهبان به منظور تسریع در کار می توانند هنگام مذاکره درباره لایحه با  
طرح قانونی در مجلس حاضر شوند و مذاکرات را استماع کنند. اما

۱، آیین نامه داخلی شورای نگهبان، ماده ۱۸ ۲. همان، ماده ۲۲ ۳. اصل ۱۱۲، بند ۱.  
۴. اصل ۱۱۱

چین

1:20

وقتی طرح یا لایحه‌های فوری در دستور کار مجلس قرار گیرد، اعضای شورای ۱۹۹ •  
نگهبان

باید در مجلس حاضر شوند و نظر خود را اظهار نمایند. همچنین ممکن است اعضای این شورا وظایف دیگری را نیز بر عهده داشته باشند که در این قانون ذکر نشده؛ مانند عضویت ثابت فقهای شورای نگهبان در مجمع تشخیص مصلحت نظام.

گزیده مطالب ۱. دومین وظیفه مهم مجلس شورای اسلامی نظارت است. نظارت مجلس بر دولت و امور کشور به

نمایندگی از سوی ملت، تضمینی برای حسن اجرای قوانین و جلوگیری از انحرافات دولت است. ۲. به طور کلی نظارت مجلس بر دولت دو گونه است: نظارت بر تاسیس دولت و نظارت بر عملکرد

آن، در نظارت بر تاسیس دولت، نمایندگان پس از استماع برنامه های وزرای پیشنهاد شده از سوی

رئیس جمهور، به ایشان رای اعتماد میدهند و بدین ترتیب هیئت دولت تاسیس می شود ۳. نظارت مجلس بر عملکرد دولت، یا قبل از اقدام دولت است. که اصطلاحاً به آن نظارت استصوابی

گفته می شود - یا حین عملکرد دولت و یا پس از آن. قانون اساسی مواردی را که لازم است دولت پیش از اقدام، از مجلس مصوبه بگیرد، برشمرده است. ۴. ابزار نظارتی مجلس

بر دولت عبارت است از: تذکر، سوال، استیضاح، گزارش منفی، کسب اطلاعات مردمی و تحقیق و تفحص، شدیدترین این ابزارها استیضاح است که به موجب آن، نمایندگان با

شرایط خاصی می توانند رئیس جمهور، هیئت وزیران با هر یک از وزیران را استیضاح کنند. ضمانت اجرای این نظارت، رای گیری برای عدم کفایت رئیس جمهور و عدم اعتماد به وزیر یا هیئت وزیران است. اگر رئیس جمهور از مجلس رای عدم کفایت بگیرد، مراتب برای تصمیم گیری در مورد عزل وی به رهبر ابلاغ می شود، اما رای عدم اعتماد مجلس به وزیر به معنای عزل او و عدم امکان عضویت او در هیئت وزیران بعدی است

چنان که پیش تر گفته شد، براساس تفسیر شورای نگهبان از این اصل، طرح ها و لوایح یک فوریتی از شمول آن بیرون است. از این رو، حضور اعضای شورای نگهبان هنگام بررسی این گونه قوانین الزامی نیست.

مختصر حقوق اساسی و آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۲۰۰

دومین رکن قوه مقننه، شورای نگهبان است. هدف اساسی از تشکیل این شورا، پاسداری از شرع

و قانون اساسی در امر قانون گذاری است که از طریق نظارت بر مصوبات مجلس شورای اسلامی محقق می شود. شورای نگهبان از ترکیب دو گانه حقوق دانان و فقها تشکیل شده است. مدت

عضویت اعضا نیز شش سال است. ۶. افزون بر نظارت شورای نگهبان بر مصوبات مجلس از جهت عدم مغایرت با شرع و قانون اساسی، نظارت بر انتخابات گوناگون و تفسیر اصول قانون اساسی، از دیگر وظایف مهم این شورا بشمار

پرسش .. علت اهمیت نظارت مجلس بر امور مختلف کشور چیست؟ ۲. نظارت مجلس بر تاسیس دولت را توضیح دهید. ۳. نظارت مجلس بر عملکرد دولت چگونه و با چه



- ابزارهایی محقق می شود؟ ۴. تذکر و سوال نمایندگان را با یکدیگر مقایسه کنید. ۵.
۱. استیضاح وزیران و رئیس جمهور را توضیح دهید
۶. کسب اطلاع مجلس از مردم چگونه است؟ قانون اساسی و آیین نامه داخلی مجلس  
در این باره چه می گوید؟
۷. فلسفه وجودی شورای نگهبان چیست؟ ۸۰ ترکیب اعضا، مدت عضویت و وظایف و  
اختیارات شورای نگهبان را بیان کنید
۱. پژوهش شورای نگهبان را با نهادهای مشابه در سایر کشورها مقایسه کنید
۲. وظایف مجلس شورای ملی و مجلس شورای اسلامی را قبل و بعد از انقلاب با توجه  
به قانون اساسی مشروطه و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقایسه کنید.

## فصل 11

در ابتدا نوع قوه مجریه در جمهوری اسلامی ایران را با توجه به نقش و جایگاه مردم در تشکیل آن بررسی می کنیم و آنگاه در مورد ترکیب این قوه، مقامات تشکیل دهنده آن و وظایف و اختیارات هریک سخن خواهیم گفت

الف) نوع قوه مجریه در جمهوری اسلامی ایران

پیش تر گفته شد که اصولاً در جوامع مردم سالار تشکیل قوای سه گانه در آرای عمومی ریشه دارد. به طور کلی براساس نقش و جایگاه مستقیم و غیرمستقیم مردم در

تشکیل قوه مجریه، با سه نوع مجریه در کشورهای دنیا رو به روییم: مجریه ریاستی، مجریه پارلمانی و مجریه نیمه ریاستی - نیمه پارلمانی (مختلط)

مجریه ریاستی» آن است که مردم به طور مستقیم طی انتخاب یک یا دو مرحله ای، رئیس جمهور را برمی گزینند و وی نیز اعضای دولت را به صورت مستقل از پارلمان انتخاب نموده، به نمایندگی از طرف ملت، قوه مجریه را اعمال می کند (نظیر آمریکا). در رژیمهای ریاستی، قوه مجریه نسبت به قوای دیگر از برتری نسبی برخوردار است و دولت در مقابل پارلمان مسئول نیست

در «مجریه پارلمانی» مردم نمایندگان پارلمان را انتخاب می کنند و دولت - اعم از رئیس جمهور با نخست وزیر - توسط نمایندگان تعیین می گردد و او وزیران را برای گرفتن رای اعتماد به مجلس معرفی می کند. به این نوع قوه مجریه که کاملاً در مقابل پارلمان مسئول است، مجریه وابسته نیز گفته میشود (مانند سوئیس)

اما مجریه «نیمه ریاستی - نیمه پارلمانی» که به آن «مجریه مختلط» گفته میشود، زمانی شکل می گیرد که دولت با تشریک مساعی پارلمان و رای مستقیم مردم تشکیل شود؛ بدین ترتیب که مردم از یک سو رئیس جمهور و از سوی دیگر نمایندگان مجلس را برمی گزینند و رئیس جمهور نیز وزیران را برای گرفتن رای اعتماد به مجلس معرفی می کند. در این نوع مجریه نیز دولت در مقابل مجلس مسئول است. با توجه به اصول قانون اساسی هر کشوری، ممکن است مجریه نیمه ریاستی - نیمه پارلمانی به سوی مجریه ریاستی یا پارلمانی گرایش داشته باشد

با این مقدمه، حال باید دانست در جمهوری اسلامی ایران چه نوع مجریه ای وجود دارد؟ بدین سوال با اشاره به چند اصل قانون اساسی پاسخ می‌دهیم: طبق اصل شصت و دوم،

مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که به طور مستقیم و با رای مخفی انتخاب می‌شوند، تشکیل می‌گردد.» از دیگر سو براساس اصل یکصد و چهاردهم، «رئیس جمهور برای مدت چهار سال با رای مستقیم مردم انتخاب می‌شود.» از سوی سوم مطابق اصل یکصد و سی و سوم، «وزرا توسط رئیس جمهور تعیین و برای گرفتن رای اعتماد به مجلس معرفی میشوند.» بدین ترتیب از آنجا که مردم با انتخاب رئیس جمهور (به طور مستقیم و مجلس به نمایندگی از سوی مردم) و با رای اعتماد به وزیران، تشکیل دهنده قوه مجریه هستند، نتیجه می‌گیریم که اولاً قوه مجریه نیز در آرای عمومی ریشه دارد و دوم اینکه نوع این قوه در ایران، «مجریه نیمه ریاستی - نیمه پارلمانی» است. از ملاحظه مجموع اصول مرتبط با قوای سه گانه در می‌یابیم که نوع قوه مجریه و تفکیک قوای ایران به سمت رژیم پارلمانی گرایش دارد. از لوازم این نوع مجریه، نظارت مجلس بر دولت و مسئول بودن دولت در مقابل مجلس است که در فصل پیشین در این باره به تفصیل سخن گفتیم.

ب) ارکان قوه مجریه

در کشورهای مختلف برحسب اینکه اعمال قوه مجریه بر عهده چند مقام طراز اول یا رکن است، با انواعی از قوه مجریه روبه روییم. اگر قدرت اجرایی اعم از لشکری و کشوری تنها در اختیار یک نفر مانند رئیس جمهور باشد، به آن «مجریه یک رکنی» گفته می‌شود (مانند امریکا). این نوع مجریه خاص نظامهای ریاستی است. اما اگر

قدرت اجرایی بین دو مقام - اعم از رئیس جمهور و نخست وزیر یا رئیس جمهور و پارلمان - تقسیم شود، آن را «مجریه دو رکنی» میخوانند

در جمهوری اسلامی ایران قبل از بازنگری قانون اساسی و پس از آن وضعیت متفاوتی مشاهده می شود؛ بدین بیان که در اصل شصتم قانون اساسی سال ۱۳۵۸ ارکان قوه مجریه عبارت بود از رهبر، رئیس جمهور و نخست وزیر. اما بعد از بازنگری سال ۱۳۶۸ در پی حذف .. ست نخست وزیری، اعمال قوه مجریه برعهده دو رکن قرار گرفت: رهبر و رئیس جمهور. اصل شصتم قانون اساسی بدین نکته اشاره دارد

اعمال قوه مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیماً برعهده رهبری گذارده شده، از طریق رئیس جمهور و وزارت است. مواردی که از سوی رهبری، قوه مجریه اعمال می شود، در اصل یکصد و دهم آمده که در فصل مربوط به رهبری بررسی شده است

شورای بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ منصب نخست وزیری را از ارکان قوه مجریه حذف نمود. اما با توجه به شرایطی که در کشور ما و ارکان اساسی آن وجود دارد، آیا مناسب تر نبود که منصب ریاست جمهوری حذف می گردید؟ به نظر می رسد چون در ساختار سیاسی و اجرایی کشور، رهبر از جایگاه رفیعی برخوردار است و نقش محوری و وظایف مهم اجرایی و سیاسی را برعهده دارد، شایسته بود به جای حذف نخست وزیری، ریاست جمهوری حذف می گردید؛ همان گونه که در سایر کشورهایی که در رده بالاتر از دولت مقامی مانند پادشاه، ملکه و امپراتور قرار دارد، مرتبه پایین تر از آن، نخست وزیر است، ضمن آنکه در کشور ما رهبری از مقام معنوی و مشروعیت دینی نیز برخوردار است که جایگاه حقوقی و ولایی او را به مراتب بالاتر می برد. به این ترتیب، نوع قوه مجریه در جمهوری اسلامی ایران «پارلمانی» خواهد شد؛ بدین گونه که

مردم نمایندگان مجلس، و مجلس نیز نخست وزیر را تعیین می کنند و وزیران نیز با تشریک مساعی نخست وزیر و مجلس انتخاب می شوند.

(ج) مقامات سیاسی قوه مجریه

منظور از مقامات سیاسی قوه مجریه، مقامات مرکزی این قوه است که در فرایند سیاست گذاری کلان کشور نقش و مشارکت دارند. بنابراین مقامات محلی مانند استانداران، فرمانداران و مدیران کل استانی از موضوع این بحث بیرون اند. چنان که گفتیم، اعمال قوه مجریه برعهده رهبر و رئیس جمهور است. در مورد رهبری در جمهوری اسلامی ایران، در فصل ششم و هفتم این کتاب به تفصیل مطالبی گفته شد. اینک با استناد به اصول قانون اساسی، به مقام دوم این قوه، یعنی رئیس جمهور می پردازیم.

یک. رئیس جمهور

:شرایط رئیس جمهور اصل یکصد و پانزدهم قانون اساسی در این باره می گوید ۱۰. رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند، انتخاب گردد: ایرانی الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوا، مومن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور. در این اصل مجموعه ای از شرایط فردی، سیاسی، اعتقادی، اخلاقی و مدیریتی در نظر گرفته شده است. شایان ذکر است که منظور از کلمه «رجال» در اصل فوق، مذکر بودن داوطلب ریاست جمهوری است و مراد از «مذهبی» بودن نیز پایبندی او به مبانی دینی و مذهبی. «سیاسی» بودن نیز بدین معناست که او باید سابقه کار سیاسی (مشارکت در سیاست گذاری داشته باشد. به نظر می رسد کسانی را می توان دارای سابقه سیاست

گذاری دانست که در منصب های ملی همچون وزارت، نمایندگی مجلس، عضویت مجمع تشخیص مصلحت نظام و یا دست کم معاونت وزارت، سابقه فعالیت داشته باشند.

مراد از «ایرانی الاصل» بودن نیز آن است که افزون بر «تابع ایران» بودن، باید پدر و مادر داوطلب ریاست جمهوری نیز ایرانی باشند. «مبانی جمهوری اسلامی ایران» نیز همان مواردی است که در اصل دوم ذکر شده است. معتقد بودن به «مذهب رسمی کشور (موضوع اصل دوازدهم) نیز بدین معناست که رئیس جمهور باید شیعه اثنی عشری باشد.

بررسی صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت داشتن شرایط مذکور بر عهده شورای نگهبان است. همچنین براساس اظهار نظر شورای نگهبان، افزودن هر شرط دیگری بر شرایط پیش گفته در این اصل، خلاف قانون اساسی است؛ چراکه اصل یادشده در مقام بیان و احصای شرایط رئیس جمهور بوده و هر شرط لازم را بیان کرده است. از این رو با قانون گذاری

عادی نمی توان شرایط دیگری مانند شرط سنی یا تحصیلی و یا سوابق کاری خاصی را به شرایط پیش گفته افزود.

## انتخابات ریاست جمهوری ۲۰

پنج اصل پی در پی قانون اساسی (اصول ۱۱۶ تا ۱۲۰) به مسئله انتخابات رئیس جمهور پرداخته است. براساس اصل یکصد و شانزدهم

نامزدهای ریاست جمهوری باید قبل از شروع انتخابات آمادگی خود را رسماً اعلام کنند. نحوه برگزاری انتخاب رئیس جمهوری را قانون معین می کند. | در راستای اجرای ذیل این اصل، «قانون انتخابات ریاست جمهوری» در سال ۱۳۶۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده که در آن چگونگی برگزاری انتخابات از مرحله ثبت نام داوطلبان تا مرحله اجرای انتخابات و مجازات متخلفان بیان شده است. این قانون دارای آیین نامه اجرایی نیز هست. همچنین در راستای اصل یکصد و هجدهم قانون اساسی که در مورد نظارت شورای نگهبان بر این انتخابات است، در سال ۱۳۶۴ «قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران» نیز به تصویب رسید.

اصل یکصد و هجدهم قانون اساسی حد نصاب لازم برای انتخاب شدن رئیس جمهور از میان نامزدها را به این شرح بیان کرده است

رئیس جمهور با اکثریت مطلق آرای شرکت کنندگان انتخاب می شود، ولی هرگاه در دوره نخست هیچ یک از نامزدها چنین اکثریتی به دست نیاورد، روز جمعه هفته بعد برای بار دوم رای گرفته میشود. در دور دوم تنها دو نفر از نامزدها که در دور نخست آرای بیشتری داشته اند، شرکت می کنند، ولی اگر بعضی از نامزدهای دارنده آرای بیشتر، از شرکت در انتخابات منصرف شوند، از میان بقیه، دو نفر که در دور نخست بیش از دیگران رای داشته اند، برای انتخاب مجدد معرفی می شوند

نصاب اکثریت مطلق آرا در دور دوم نیز مبنای انتخاب رئیس جمهور است؛ چه آنکه فقط دو نامزد به دور دوم راه می یابند و از این میان هر یک که بیشترین رای را کسب کند، به ریاست جمهوری انتخاب می شود |

قانون گذار اساسی زمان برگزاری انتخابات را نیز از نظر دور نداشته و به گونه ای برنامه ریزی کرده که کشور از وجود رئیس جمهور برخوردار باشد. اصل یکصد و نوزدهم، زمان

برگزاری انتخابات هر دوره ریاست جمهوری را دست کم یک ماه پیش از پایان دوره قبل ذکر کرده است. اصل یکصد و بیستم نیز به نکته ای جزئی در مورد تاخیر و تمدید  
:برگزاری انتخابات اشاره دارد

هرگاه در فاصله ده روز پیش از رای گیری، یکی از نامزدهایی که صلاحیت او طبق این قانون احراز شده فوت کند، انتخابات به مدت دو هفته به تاخیر می افتد. اگر در فاصله دور نخست و دور دوم نیز یکی از دو نفر حائز اکثریت دور نخست فوت کند،

انتخابات برای دو هفته تمدید می شود. ۳. مدت ریاست جمهوری و سوگند رئیس جمهور اصل یکصد و چهاردهم به مدت دوره ریاست جمهوری و امکان تمدید این دوره  
:اشاره نموده

رئیس جمهور برای مدت چهار سال با رای مستقیم مردم انتخاب می شود و انتخاب مجدد او به صورت متوالی تنها برای یک دوره بلامانع است. براساس ماده یک قانون انتخابات ریاست جمهوری، دوره ریاست جمهوری از تاریخ تنفیذ اعتبارنامه رئیس جمهور توسط مقام رهبری آغاز می شود. گفتنی است اعتبارنامه رئیس جمهور از سوی شورای نگهبان تهیه و به حضور مقام رهبری تقدیم می گردد.

پایان دوره ریاست جمهوری ممکن است از طریق عزل یا استعفای او نیز صورت گیرد. استعفای رئیس جمهور باید به رهبر تقدیم شود و تا زمانی که استعفای او پذیرفته نشده، به انجام وظایف خود ادامه می دهد؟

پس از تنفیذ اعتبارنامه رئیس جمهور از سوی رهبر و آغاز رسمی ریاست جمهوری وی، او موظف است براساس ترتیب پیش بینی شده در اصل ۱۲۱ قانون اساسی سوگند یاد کند.



رئیس جمهور در مجلس شورای اسلامی در جلسه ای که با حضور رئیس قوه قضائیه و اعضای شورای نگهبان تشکیل می شود، به ترتیب زیر سوگند یاد می کند و سوگندنامه را امضا می نماید:

بسم الله الرحمن الرحيم من به عنوان رئیس جمهور در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران، به خداوند قادر متعال سوگند یاد می کنم که پاسدار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور باشم و همه استعداد و صلاحیت خویش را در راه ایفای مسئولیت هایی که برعهده گرفته ام، به کار گیرم و خود را وقف خدمت به مردم و اعتلای کشور، ترویج دین و اخلاق، پشتیبانی از حق و گسترش عدالت سازم و از هرگونه خودکامگی بپرهیزم و از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است، حمایت کنم. در حراست از مرزها و استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور از هیچ اقدامی دریغ نورزم و با استعانت از خداوند و پیروی از پیامبر اسلام و ائمه اطهار قدرتی را که ملت به عنوان امانتی مقدس به من سپرده است، همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشم و آن را به منتخب

ملت پس از خود بسپارم. این سوگند به دلیل شرعی بودن و رسمیت آن، دارای آثار شرعی و حقوقی است، از این رو در صورت زیر پا گذاردن آن توسط رئیس جمهور، قابل پیگرد حقوقی و قضایی است و نمایندگان مجلس می توانند وی را در خصوص مفاد آن مورد سوال و استیضاح قرار دهند.

#### جایگاه رئیس جمهور ۴۰

به طور کلی همه مقامات اجرایی از جمله رئیس جمهور در جایگاه دارند: یکی موقعیت شخصی و دیگری موقعیت رسمی

موقعیت شخصی: در نظامی که بر مبنای احکام و آموزه های بلند اسلام بنا نهاده ۴. ۱. شده، همه مردم از جایگاه یکسانی برخوردارند. هیچ کس بر دیگری امتیازی ندارد و همه در برابر قانون مساوی اند. در قانون اساسی نیز نه تنها به طور کلی بر این امر تاکید شده، بلکه

تساوی رهبر با سایر افراد کشور در برابری قانون، مورد تاکید و تصریح قانون گذار اساسی قرار گرفته است. بنابراین هرچند در مورد رئیس جمهور به صراحت چنین حکمی بیان نشده، می توان گفت همان گونه که رهبر از لحاظ شخصی با سایر افراد مساوی است و بر دیگران امتیازی ندارد، به طریق اولی رئیس جمهور نیز از این حیث با سایر افراد کشور تفاوتی ندارد.

موقعیت رسمی: جایگاه رئیس جمهور از لحاظ رسمی - یعنی مقام ریاست ۴- ۲- جمهوری وی - بدین قرار است که او از یک سو رکن دوم و رئیس قوه مجریه در اعمال این قوه است؟ و از دیگر سو پس از مقام رهبری «بالاترین مقام رسمی کشور بشمار می رود»؟

## مسئولیت های رئیس جمهور ۵.

مسئولیت سیاسی: منظور از این مسئولیت، پاسخگو بودن رئیس جمهور در ۵- 1- مقابل وظایف و اختیارات قانونی خویش است. ریاست او بر قوه مجریه به این معناست که وی موظف است قوانین اجرایی را که مراحل تصویب را طی کرده، ابلاغ کند و در

کشور به اجرا در آورد و اجرای آنها را نیز به وسیله بخش های دولت تضمین نماید. در غیر این صورت، وی از وظایف قانونی خویش تخلف کرده است. طبق اصل ۱۲۲ این مسئولیت رئیس جمهور در مقابل رهبر، ملت و مجلس است

رئیس جمهور در حدود اختیارات و وظایفی که به موجب قانون اساسی و یا قوانین

عادی به عهده دارد، در برابر ملت و رهبر و مجلس شورای اسلامی مسئول است.

همچنان که در فصل مربوط به وظیفه نظارتی مجلس گذشت، مسئولیت سیاسی رئیس جمهور و وزیران در مقابل مجلس، به صورت سوال و استیضاح و سایر موارد نظارتی پدیدار می شود و حتی در مورد استیضاح ممکن است تا سر حد عزل پیش رود؟

مسئولیت حقوقی یا قضایی (جرائم کیفری و مدنی عادی): چنان که پیش تر ۲۰ - گفته شد، رئیس جمهور مانند سایر مقامات حکومتی با مردم در برابر قانون مساوی است. بنابراین در صورت ارتکاب هرگونه تخلف مدنی یا جرم جزایی، مانند سایر افراد با وی برخورد می شود، اما با تشریفات خاصی که در تعقیب و توقیف وی وجود دارد. اصل یکصد و چهلم قانون اساسی با ضمیمه کردن معاونان رئیس جمهور و وزیران به وی، این تشریفات خاص را این گونه بیان کرده است

رسیدگی به اتهام رئیس جمهور و معاونان او و وزیران در مورد جرائم عادی با اطلاع

مجلس شورای اسلامی در دادگاههای عمومی دادگستری انجام می شود. بدیهی است در صورت تخلف رئیس جمهور از وظایف قانونی و ارجاع پرونده وی به قوه قضائیه، به این دسته از جرائم وی در دیوان عالی کشور رسیدگی می شود

مسئولیت مالی: براساس آموزه های دینی، در نظام جمهوری اسلامی ایران همه ۳ - ۵ مقامات طراز اول کشور باید از لحاظ مالی و اقتصادی، دست پاک و امین مردم باشند.

بدین منظور، در اصل ۱۴۲ قانون اساسی در مورد رسیدگی به اموال رئیس جمهور، معاونان وی و وزیران و بستگان نزدیک آنان این گونه آمده است:

دارایی رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می شود که برخلاف حق، افزایش نیافته باشد.

#### مناصب، وظایف و اختیارات رئیس جمهور ۶.

در قانون اساسی و قوانین عادی وظایف و اختیارات زیادی برای رئیس جمهور تعیین شده است. در اصل شصتم قانون اساسی در بیانی کلی، وظیفه اعمال قوه مجریه، جز در اموری که به طور مستقیم به عهده رهبری نهاده شده، مشترکا برعهده رئیس جمهور و وزیران است. به برخی از این مناصب، وظایف و اختیارات نظری می افکنیم

مناصب رئیس جمهور - عضویت در شورای موقت رهبری (اصل ۱۱۱)؛ - ریاست 1 - هیئت وزیران (اصل ۱۳۴)؛ - ریاست شورای عالی امنیت ملی (اصل ۱۷۶)؛ - ریاست سازمان های مستقل وابسته به دولت (اصل ۱۲۶). ۶-۲. وظایف رئیس جمهور

تعیین و معرفی وزیران به مجلس برای گرفتن رای اعتماد (اصل ۱۳۳)؛ - اخذ رای - اعتماد جمعی برای هیئت وزیران، هنگام تاسیس دولت و پس از رای مجلس به فرد فرد وزیران (اصل ۸۷)، هنگام پیش آمدن مسائل اختلافی مهم بین مجلس و دولت (اصل ۸۷) و هنگامی که نیمی از اعضای هیئت وزیران به دلیل عزل یا استعفا تغییر یافته باشند (اصل ۱۳۶)؛

تعیین سرپرست برای وزارتخانه های بدون وزیر (اصل ۱۳۵)؛ - عزل وزیران (اصل ۱۳۶)؛ - مسئولیت اجرای قانون اساسی (اصل ۱۱۳)؛ - امضای قوانین و نتیجه همه

پرسی (اصل ۱۲۳)؛ - امضای قراردادها و معاهدات بین المللی (اصل ۱۲۵). ۳-۶.  
اختیارات رئیس جمهور - پیشنهاد توقف انتخابات در تمام یا برخی از نقاط کشور (اصل ۶۸)؛ - اعزام سفیران و پذیرش سفرای خارجی (اصل ۱۲۸)؛ - اعطای نشان های دولتی (اصل ۱۲۹)؛ - انتخاب معاونان (اصل ۱۲۴)؛

مشخص کردن نماینده یا نمایندگان ویژه در صورت ضرورت و با تصویب هیئت -  
وزیران اصل ۱۲۷)؛ - پیشنهاد بازنگری در قانون اساسی (اصل ۱۷۷). ۷. جانشینی  
موقت ریاست جمهوری در مواردی ممکن است کشور بدون رئیس جمهور باشد. اما در  
عین حال قانون گذار اساسی برای

تعطیل نماندن امور کشور، تدبیر خاصی اندیشیده است.

اصل ۱۳۱ قانون اساسی در مورد تعیین جانشین در مدت موقتی که کشور فاقد رئیس  
جمهور باشد، این گونه مقرر کرده است

در صورت فوت، عزل، استعفا، غیبت یا بیماری بیش از دو ماه رئیس جمهور و یا در  
موردی که مدت ریاست جمهوری پایان یافته و رئیس جمهور جدید بر اثر موانعی هنوز  
انتخاب نشده و یا امور دیگری از این قبیل، معاون اول رئیس جمهور با موافقت رهبری  
اختیارات و مسئولیت های وی را برعهده می گیرد، و شورایی متشکل از رئیس مجلس  
و رئیس قوه قضائیه و معاون اول رئیس جمهور موظف است ترتیبی دهد که حداکثر  
ظرف مدت پنجاه روز، رئیس جمهور جدید انتخاب شود. در صورت فوت معاون اول و یا  
امور دیگری که مانع انجام وظایف وی گردد و نیز در صورتی که رئیس جمهور

معاون اول نداشته باشد، مقام رهبری فرد دیگری را به جای او منصوب می کند. حال پرسیدنی است آیا جانشین ریاست جمهوری از همه اختیارات رئیس جمهور، بدون هیچ محدودیتی برخوردار است؟ اصل ۱۳۲ در این باره مقرر داشته است

در مدتی که اختیارات و مسئولیت های رئیس جمهور بر عهده معاون اول یا فرد دیگری است که به موجب اصل یکصد و سی و یکم منصوب می گردد، وزرا را نمی توان استیضاح کرد، یا به آنان برای عدم اعتماد داد و نیز نمی توان برای تجدیدنظر در قانون اساسی و یا امر همه پرسی اقدام نمود. منظور از ندادن رای عدم اعتماد به وزیران در دوران نبودن رئیس جمهور، آن است که اگر در فاصله استیضاح وزیر و رای عدم اعتماد به وی، او به دلیلی کنار برود یا فوت کند، مجلس نباید استیضاح وزیر را به رای گذارد و به او رای عدم اعتماد دهد. همه پرسی نامبرده در این اصل نیز شامل تقنینی و اساسی می شود؛ یعنی نمی توان در نبود رئیس جمهور، هیچ یک از انواع همه پرسی را برای قانون گذاری عادی و اساسی برگزار کرد.

همکاران رئیس جمهور بی تردید ایفای وظایف و اختیارات متعدد ریاست جمهوری . به تنهایی کار دشواری است. بر همین اساس قانون گذار اساسی پیش بینی کرده است

رئیس جمهور می تواند برای انجام وظایف قانونی خود معاونانی داشته باشد ... برپایه رویه فعلی در ایران، تعداد معاونان رئیس جمهور محدودیت خاصی ندارد و بنا به مقتضیات اداری و اجرایی، وی سازمانها یا تشکیلات اداری جدیدی تحت عنوان معاونت تاسیس و شخصی را به عنوان معاون برای تصدی آن منصوب می کند. معاون اول تنها معاونی است که در قانون اساسی به آن تصریح شده و می تواند با موافقت رئیس جمهور اداره هیئت وزیران و همچنین وظیفه هماهنگی میان معاونت ها را عهده دار

افزون بر معاونان، «رئیس جمهور می تواند در موارد خاص بر حسب ضرورت با تصویب هیئت وزیران، نماینده یا نمایندگان ویژه با اختیارات مشخص تعیین نماید. در این موارد تصمیمات نماینده یا نمایندگان مذکور در حکم تصمیمات رئیس جمهور و هیئت وزیران خواهد بود.» همچنین براساس رویه موجود در کشور، رئیس جمهور برای خود، افرادی را به عنوان مشاور و دستیار ویژه منصوب می کند

هرچند قانون اساسی اختیار انتخاب معاون و همکار رئیس جمهور را به صورت مطلق به وی اعطا کرده، نباید از نظر دور داشت که افزایش و تنوع بی حد و حصر این گونه سمتها، جز آنکه تشکیلات دامنه دار را به بدنه دولت تحمیل می کند، نظارت مستقیم مجلس بر آن را نیز ممتنع خواهد ساخت. بنابراین شایسته است در حد امکان این تشکیلات دولتی مستقل، در قالب وزارتخانه یا وابسته به وزارتخانه ها تاسیس شود، به جز رهبر و رئیس جمهور که تا بدین جا به آن پرداختیم، هیئت وزیران، وزیران و نیروهای مسلح نیز از جمله مقامات سیاسی قوه مجریه اند که در ادامه بدانها می پردازیم.

دو. هیئت وزیران

لفظ دولت به معانی مختلف به کار می رود. این لفظ در یک معنا شامل هیئت وزیران میشود که از رئیس جمهور و وزیران تشکیل شده است. ریاست هیئت وزیران برعهده رئیس جمهور است که تاکنون در مورد آن مطالبی را بیان داشتیم. براساس اصولی از قانون اساسی، هیئت وزیران یک شخصیت حقوقی مستقل است و از همین رو برپایه عنصر مشارکت میان اعضا، دارای حقوق و تکالیفی است

تشکیل هیئت وزیران ..

هرچند هر یک از وزیران پس از کسب رای اعتماد از مجلس، عضوی از هیئت وزیران می شوند و فرض آن است که این هیئت از مجموع وزیران تشکیل می شود، با این همه قانون اساسی، آیین رای اعتماد به وزیران را به دو صورت پیش بینی نموده: رای فردی به تک تک وزیران و رای جمعی به مجموع وزیرانی که رای اعتماد کسب کرده اند. اصل هشتاد و هفتم قانون اساسی طی دو فقره، هر دو رای را مورد اشاره قرار داده است؛ در فقره نخست آمده است:

رئیس جمهور برای هیئت وزیران پس از تشکیل و پیش از هر اقدام دیگر باید از مجلس رای اعتماد بگیرد. بدیهی است منظور از تشکیل هیئت وزیران در این اصل، رای اعتماد مجلس به آحاد وزیران به عنوان عضوی از هیئت وزیران است. برابر این اصل رئیس جمهور باید به منظور رسمیت یافتن هیئت وزیران، برای مجموع وزیران رای اعتماد جمعی را نیز تقاضا نماید. این رای به منزله موافقت مجلس با برنامه های جمعی وزیران با ترکیب مجموع وزیران است؛ چه آنکه ممکن است وزیران به تنهایی مورد اعتماد مجلس باشند، اما در قالب و ترکیب هیئت وزیران، ترکیبی ناهمگون و ناهماهنگ را شکل داده باشند. از این رو قانون گذار اساسی، هم رای فردی و هم رای جمعی را برای شکل گیری کامل هیئت وزیران پیش بینی کرده است.

این رای جمعی در دو مورد دیگر نیز پیش بینی شده است: مورد نخست در موارد اختلافی

است (ظاهراً اختلاف دولت با مجلس) که ممکن است از سوی رئیس جمهور تقاضا شود. ادامه اصل یادشده در این باره مقرر می کند

در دوران تصدی نیز در مورد مسائل مهم و مورد اختلاف می تواند از مجلس برای



هیئت وزیران تقاضای رای اعتماد کند. مورد دوم وقتی است که بیش از نیمی از وزیران به دلیل عزل از سوی رئیس جمهور یا استیضاح و دادن رای عدم اعتماد توسط مجلس، تغییر یافته و وزیران جدیدی در ترکیب هیئت وزیران راه یافته باشند.

روشن است که ضمانت اجرای رای عدم اعتماد جمعی مجلس به دولت در تمام صورتهای یادشده، «سقوط دولت» یا هیئت وزیران و لزوم معرفی وزیرانی جدید از سوی رئیس جمهور است. این امر به صراحت در قانون اساسی بیان نشده است. بدین ترتیب، یکی دیگر از وجوه برتری قوه مقننه بر قوه مجریه در نظام جمهوری اسلامی ایران آشکار می شود.

برنامه کاری هیئت وزیران اعم از زمان بندی و نحوه تنظیم دستور جلسات، دفتر هیئت دولت، کمیسیون ها و وظایف آنها، در آیین نامه داخلی مشخص شده است. افزون بر اعضای رسمی هیئت وزیران، معاونان رئیس جمهور و همچنین روسای سازمان صدا و سیما و بانک مرکزی (بدون حق رای) نیز حق حضور دائم در هیئت دولت را دارند. ریاست هیئت دولت با رئیس جمهور است که با موافقت وی، معاون اول ریاست جلسه را برعهده دارد. در این صورت معاون اول حق رای خواهد داشت؟

## وظایف و اختیارات هیئت وزیران ۲۰

در قانون اساسی و آیین نامه داخلی هیئت وزیران وظایف و اختیارات متعددی برای آن در نظر گرفته شده که مهم ترین آنها عبارت است از

یک. تهیه و تصویب لوایح قانونی و تقدیم به مجلس (اصل ۷۴)؛

دو. دفاع از لوایح دولت در مجلس و دفاع از مواضع دولت در مورد طرح های قانونی

(مواد | ۳۲ تا ۳۷ آیین نامه داخلی دولت)؛

سه. تصویب آیین نامه های اجرایی قوانین مصوب مجلس، آیین نامه ها و تصویب نامه های مستقل (اصل ۱۳۸)؛

چهار. تصویب اساسنامه دائمی سازمانها، شرکت ها، موسسات دولتی یا وابسته به دولت، پس از اجازه مجلس و با رعایت اصل هفتاد و دوم (اصل ۸۵)؛

پنج. تصمیم گیری در مورد حل اختلاف دستگاههای دولتی با یکدیگر، پس از پیشنهاد رئیس جمهور (اصل ۱۳۴)؛

شش. تصویب صلح دعاوی در خصوص اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری، با | اطلاع مجلس شورای اسلامی (اصل ۱۳۹)

### مسئولیت هیئت وزیران ۳۰

تنها مسئولیت هیئت وزیران، «مسئولیت سیاسی» است؛ به این بیان که هیئت وزیران نسبت به اقداماتی که انجام می دهد، اولاً در مقابل رئیس جمهور باید پاسخگو باشد؛ دوم اینکه مجلس می تواند هیئت وزیران را مورد استیضاح قرار دهد؟

سه. وزیران

وزارتخانه ها بدنه اصلی اجرایی دولت اند. یک یا چند شان اجرایی دولت در قالب یک وزارتخانه پدیدار می شود و وزیر به عنوان بالاترین مقام مسئول، امور سیاسی، اداری و فنی آن وزارتخانه را برعهده می گیرد. وزارتخانه ها و شخص وزیر، واسطه بین بخش های اجرایی کشور و دولت اند. قانون اساسی تصمیم گیری در مورد تعداد وزارتخانه ها و وزیران و شرح وظایف هر یک را به مجلس شورای اسلامی واگذار کرده و تصدی وزارت توسط معرفی شدگان از سوی رئیس جمهور نیز مشروط به رای اعتماد مجلس شده است؟

در قانون اساسی هیچ شرط خاصی برای تصدی سمت وزرات پیش بینی نشده، جز آنکه در قانون تاسیس برخی وزارتخانه ها، شرایط خاصی برای وزیر در نظر گرفته شده است. همچنین در قانون مدنی برای وزیر در کنار تعدادی از مشاغل دیگر، «تابعیت ایرانی» نیز شرط شده است. ۲

## مسئولیت‌های وزیران ۱۰

هریک از وزیران همانند رهبر و رئیس جمهور، از مسئولیت سیاسی، حقوقی (مدنی و کیفری و مالی برخوردارند:

مسئولیت سیاسی وزیران: از لحاظ سیاسی، جدای از اینکه یکایک وزیران در 1-1 مقابل مجلس و رئیس جمهور، نسبت به عملکرد و وظایف قانونی خود باید پاسخگو باشند، در صورتی که تصمیمی به تصویب هیئت وزیران برسد، مسئول اعمال وزرای دیگر نیز هستند. اصل ۱۳۷ | در این زمینه مقرر می دارد

هریک از وزیران مسئول وظایف خاص خویش در برابر رئیس جمهور و مجلس است و در اموری که به تصویب هیئت وزیران می رسد، مسئول اعمال دیگران نیز هست. براساس حکم کلی این اصل است که نمایندگان مجلس می توانند هر یک از وزیران و هیئت وزیران را مورد سوال و استیضاح قرار دهند و رئیس جمهور می تواند وزیران را عزل کند. |

مسئولیت حقوقی: همچنان که در بحث مربوط به مسئولیت حقوقی رئیس ۱۰ - ۲ جمهور گذشت، مسئولیت حقوقی وزیران نیز بدین ترتیب است که مطابق اصل یکصد و

چهلهم رسیدگی به اتهام وزیران با اطلاع مجلس شورای اسلامی، برعهده دادگاه های دادگستری است.

مسئولیت مالی: مسئولیت مالی وزیران نیز بدین گونه است که مطابق اصل ۱۰ - ۳ ۱۴۲ داریی وزیران، همسر و فرزندان آنها قبل و بعد از دوران مسئولیت توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می شود تا برخلاف حق افزایش نیافته باشد

وظایف و اختیارات وزیران در قانون اساسی وظایف چندانی برای وزیران به صورت عمومی یا خاص برشمرده نشده، بلکه وظایف و اختیارات هر وزیر، در قانون تشکیل وزارتخانه خاص یا قوانین مرتبط تعیین می شود. در مجموع مهم ترین وظیفه هر وزیر، اداره وزارتخانه و نظارت بر حسن اجرای امور در وزارتخانه تحت مدیریت خود، از لحاظ سیاسی، فنی و اداری است. این وظایف و اختیارات عبارت است از

یک. وضع آیین نامه ها و صدور بخشنامه ها در حدود وظایف خویش (اصل ۱۳۸)؛ دو. عضویت در هیئت وزیران با حق رای (مفاد اصل ۱۳۷)؛ سه. تقاضای تشکیل جلسه غیرعلنی مجلس (اصل ۶۹). | ممنوعیت جمع مشاغل دولتی

در این قسمت بجاست به یکی دیگر از احکام مهم و کلی مربوط به کارمندان دولت که در فصل نهم قانون اساسی (قوه مجریه) بیان شده، اشاره نماییم

این حکم، «ممنوعیت جمع مشاغل دولتی» توسط کارمندان دولت است که در اصل ۱۴۱: | بدان تصریح شده است

رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و کارمندان دولت نمی توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند و داشتن هر نوع شغل دیگر در موسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا موسسات عمومی است و نمایندگی مجلس شورای اسلامی و وکالت دادگستری و مشاوره حقوقی و نیز ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیئت مدیره انواع مختلف شرکتهای خصوصی - جز شرکتهای تعاونی ادارات و موسسات - برای آنان ممنوع است. سمت های آموزشی در دانشگاهها و موسسات تحقیقاتی از این حکم مستثناست. ایجاد هرچه بیشتر زمینه اشتغال، ممانعت از گرفتن بیش از یک حقوق از دولت، پیشرفت مناسب تر کارها و پیش گیری از تبانی و ارتباط ناسالم اداری با بخش خصوصی، از جمله اهدافی است که در تصویب اصل فوق موثر بوده است. در اجرای این اصل در سال ۱۳۷۳ ماده واحده

قانونی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده که مصادیق و استثنائات این اصل را بیان کرده است. بیشترین تفسیر شورای نگهبان از اصول قانون اساسی، مربوط به این اصل است.

(د) نیروهای مسلح

استقلال خارجی و امنیت داخلی از مهمترین اهداف و حقوق اساسی جامعه سیاسی بشمار می رود که برای حفظ و تامین آن، افزون بر ابتکار سیاسی، تدابیر و اقدامات

مادی نیز امری ضروری است. بیشک نیروهای مسلح، مجموعه تامین کننده این تدابیر و اقدامات است.

مبحث دوم فصل نهم قانون اساسی (اصل ۱۴۳ تا ۱۵۱) به بحث از ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اختصاص یافته است. آنچه در این مبحث مورد عنایت قانون گذار اساسی بوده، اصول کلی و خط مشی مربوط به این دو نهاد نظامی ارتش و سپاه پاسداران است. اینکه قانون گذار صرف این دو نیرو را از مجموع نیروهای مسلح مورد توجه قرار داده و در مورد نیروی انتظامی (پلیس) سکوت کرده، ممکن است از این روی باشد که این دو نیرو، نقش بیشتری در حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور در مقابل دشمنان ایفا می کنند؛ در حالی که وظیفه نیروی انتظامی، حفظ نظم و امنیت داخلی است. اصل ۱۴۳ در مقام بیان نقش ارتش جمهوری اسلامی ایران می گوید

ارتش جمهوری اسلامی ایران پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی کشور را برعهده دارد. حفظ انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن، آرمانی بوده است که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به منظور آن تشکیل یافته و پابرجا مانده است. اصل یکصد و پنجاهم در این خصوص می گوید

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در نخستین روزهای پیروزی این انقلاب تشکیل شد، برای ادامه نقش خود در نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن پابرجا می ماند ..... به موجب مقدمه قانون اساسی، ارتش و سپاه با هدف توجه به ایمان و مکتب به عنوان اساس و ضابطه، تشکیل یافته اند. این موضوع در مورد ارتش نیز در اصل ۱۴۴ مورد تاکید قرار گرفته

ارتش جمهوری اسلامی ایران باید ارتشی اسلامی باشد که ارتشی مکتبی و مردمی است و باید افرادی شایسته را به خدمت بپذیرد که به اهداف انقلاب اسلامی مومن

و در راه تحقق آن فداکار باشند. یک وجهه از مکتبی و مردمی بودن نیروهای مسلح در جمهوری اسلامی ایران، ناشی شدن این نیروها و کسب مشروعیتشان از ناحیه ولایت فقیه است؛ همچنان که در بند ۴ اصل یکصد و دهم «فرماندهی کل نیروهای مسلح» برعهده ولی فقیه نهاده شده است. در سایر اصول این مبحث از قانون اساسی، مطالبی چند مورد توجه قرار گرفته

۱. ممنوعیت عضویت افراد خارجی در ارتش و نیروهای انتظامی کشور (اصل ۱۴۵)؛
۲. ممنوعیت استقرار هرگونه پایگاه نظامی خارجی در کشور، هرچند با عنوان استفاده صلح آمیز (اصل ۱۴۶)؛ | ۳. لزوم استفاده از افراد و تجهیزات فنی ارتش در کارهای امدادی، آموزشی، تولیدی و جهاد سازندگی، با رعایت موازین عدل اسلامی و در حدی که به آمادگی ارتش آسیبی وارد نیاید (اصل ۱۴۷)؛
۴. ممنوعیت هر نوع بهره برداری شخصی از وسایل و امکانات ارتش و استفاده شخصی از افراد آنها به صورت گماشته (اصل ۱۴۸)؛
۵. قانونمند بودن ترفیع درجه نظامیان و سلب آن (اصل ۱۴۹)؛
۶. تکلیف دولت به فراهم نمودن امکانات آموزش نظامی برای همه افراد کشور بر طبق موازین اسلامی، به گونه ای که همه افراد کشور توانایی دفاع مسلحانه از کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران را داشته باشند (اصل ۱۵۱)

در پایان خاطرنشان می سازیم در این مبحث از قانون اساسی، در مورد عزل و نصب فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی سخنی به میان نیامده، اما در بندهایی از

اصل یکصد و دهم در این باره تعیین تکلیف شده و این امر از وظایف و اختیارات رهبری شمرده شده است.

گزیده مطالب 1. نوع قوه مجریه در جمهوری اسلامی ایران، «مجریه نیمه ریاستی - نیمه پارلمانی» است؛ بدین

معنا که از یک سو مردم رئیس جمهور را با رای مستقیم خود انتخاب می کنند و از سوی دیگر، وزیران

با پیشنهاد رئیس جمهور و رای مجلس انتخاب می شوند. 2. ارکان قوه مجریه در ایران عبارت است از رهبر و رئیس جمهور که اعمال قوه مجریه را برعهده

دارند. 3. رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی باشد و دارای شرایطی چند: ایرانی الاصل، تابعیت ایران،

مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه، امانت و تقوا، مومن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و

مذهب رسمی کشور. در اینجا منظور از رجال، مرد بودن است. 4. در قانون اساسی کلیات مربوط به انتخابات ریاست جمهوری و برخی جزئیات نیز ذکر شده است

سایر مقررات مرتبط با این انتخابات در قانون مربوط آمده است. بر این اساس رئیس جمهور برای

مدت چهار سال انتخاب می شود و انتخاب مجدد و متوالی او برای یک بار دیگر نیز امکان دارد. 5. رئیس جمهور به لحاظ موقعیت رسمی پس از مقام رهبری قرار دارد و مسئول اجرای قانون اساسی



است. وی دارای سه مسئولیت است: مسئولیت سیاسی در مقابل ملت، رهبر و مجلس شورای اسلامی، مسئولیت حقوقی در مقابل دیوان عالی کشور و مسئولیت مالی در مقابل رئیس قوه

قضائیه. وظایف رئیس جمهور در قانون اساسی و قوانین عادی شمرده شده است. ۶. هیئت وزیران مرکب از وزیرانی است که با رای نمایندگان انتخاب شده اند. وظایف هیئت وزیران در قانون اساسی و وظایف وزیران نیز در قوانین عادی پیش بینی شده است. ۷. نیروهای مسلح اعم از نیروهای نظامی و انتظامی، بخشی از قوه مجریه اند که فرماندهی کل این نیروها بر عهده مقام رهبری است. این نیروهای مکتبی و انقلابی به منظور حفظ استقلال، تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی ایران تشکیل شده است.

اهداف هدف کلی آشنایی با قوه قضائیه در ساختار حکومتی جمهوری اسلامی ایران. اهداف جزئی ۱. دانستن اهمیت و جایگاه قوه قضائیه در جمهوری اسلامی ایران؛ ۲. آشنایی با وظایف قوه قضائیه؛ ۳. شناسایی ارکان و مقامات قوه قضائیه که در قانون در جای خود گفته شد که تمامی امور و شئون جامعه سیاسی. اساسی ذکر شده است یا یک کشور، در سه امر مهم تقنین، اجرا و قضا خلاصه می شود. به منظور تحقق هریک از این امور، سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه تشکیل شده است. تاکنون قوای مقننه و مجریه را در ساختار حکومتی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار داده ایم. در این فصل براساس اصول قانون اساسی، قوه قضائیه را به عنوان سومین

قوه در این ساختار حکومتی برمی رسیم. گفتنی است فصل یازدهم قانون اساسی (اصل الف) اهمیت، جایگاه و اعمال قوه | ۱۵۶ تا ۱۷۴) به قوه قضائیه اختصاص یافته است قضائیه در همه جوامع انسانی، هستند کسانی که پا را از حدود قانونی خویش فراتر نهاده، به حقوق مادی و معنوی دیگران تجاوز می کنند. قانون بر روابط بین اشخاص حکم فرماست. ضمانت اجرای قوانین عبارت است از کیفر متخلفان از حاکمیت قانون و متجاوزان به حقوق دیگران و

مختصر حقوق اساسی و آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز - ۲۲۸ بازستاندن حقوق چپاول شده از ایشان و بازگرداندن به صاحبانشان. این امر خطیر دیباچه قانون اساسی در مورد اهمیت قضا در .برعهده دستگاه قضایی نهاده شده است مسئله قضا در رابطه با پاسداری از :جمهوری اسلامی ایران این گونه مقرر کرده است حقوق مردم در خط حرکت اسلامی، به منظور پیش گیری از انحرافات موضعی در درون امت اسلامی، امری است حیاتی. از این رو ایجاد سیستم قضایی، بر پایه عدل اسلامی و متشکل از قضات عادل و آشنا به ضوابط دقیق دینی پیش بینی شده است. این نظام به دلیل حساسیت بنیادی و دقت در مکتبی بودن آن لازم است به دور از هر نوع رابطه و مناسبات ناسالم باشد. اصل شصت و یکم قانون اساسی اعمال قوه قضائیه را اعمال قوه :برعهده دادگاههای دادگستری نهاده و اهداف تشکیل آنها را برشمرده است قضائیه به وسیله دادگاههای دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی بپردازد. مرجعیت دادگستری در رسیدگی به شکایات و دادخواهی مردم در اصل اعمال شایسته قضا در دادگاهها، آنگاه . ۱۵۹ قانون اساسی مورد تاکید قرار گرفته است امکان پذیر است که قوه قضائیه استقلال کامل داشته و از نفوذ صاحبان پول و قدرت در امان باشد. از این رو، هرچند در اصل مربوط به تفکیک قوای سه گانه بر استقلال قوای

سه گانه تصریح شده، بار دیگر در اصل ۱۵۶ نیز بر استقلال این قوه تاکید رفته است.  
(ب) وظایف قوه قضائیه اصل ۱۵۶ قانون اساسی ضمن تاکید بر استقلال دوچندان این  
قوه و بیان پاره ای از اهداف

قوه قضائیه قوهای است مستقل که پشتیبان :آن، وظایف آن را نیز برشمرده است  
حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر  
است: .. رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی  
و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه که قانون معین  
می کند؛ ۲. احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی های مشروع؛ ۳. نظارت بر  
کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای ۴. |حسن اجرای قوانین  
اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و .حدود و مقررات مدون جزایی اسلام؛ ۵  
اصلاح مجرمین. بدین بیان، سرلوحه وظایف این قوه پشتیبانی از حقوق فردی و  
اجتماعی و تحقق بخشیدن عدالت است. از این طریق، امنیت و آرامش در جامعه  
تضمین شده و پایدار خواهد ماند و ترس و یاس در دل اندیشه گران جرم افتاده و  
مجرمان به سزای اعمال خویش خواهند رسید. ساختار قوه قضائیه و تشکیلات آن، در  
گفتنی است .جهت اجرای وظایف مندرج در این اصل طرح ریزی و اجرا شده است  
هرچند در بند ۵ این اصل اقدام برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان برعهده  
قوه قضائیه نهاده شده، نباید پنداشت که سایر نهادهای فرهنگی و قوای دیگر در این  
زمینه نقشی ندارند، بلکه تمام دستگاه ها و نهادهای دولتی و غیردولتی که مدعی کار  
فرهنگی و مذهبی اند، باید در این زمینه با کوشش و همدلی، ترتیبی دهند که وقوع  
در راستای اجرای برخی از مفاد .جرم در کشور کاهش یابد و مجرمان اصلاح شوند  
اصل مزبور (مانند پشتیبانی قوه قضائیه از حقوق فردی و اجتماعی مردم و احیای حقوق

عامه و گسترش عدل و آزادی های مشروع) «ستاد حقوق بشر» زیر نظر این قوه تشکیل شده است. همچنین «قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی» نیز در سال ۱۳۸۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.

مختصر حقوق اساسی و آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (ج) ۲۳۰  
مقامات قوه قضائیه در قوه قضائیه مقامات و ارکان مختلفی کار قضا و تمشیت امور آن را برعهده دارند. در ادامه، مقاماتی را که در قانون اساسی ذکر شده، بررسی می کنیم.  
یک. رئیس قوه قضائیه .. انتصاب رئیس قوه قضائیه در قانون اساسی سال ۱۳۵۸ در راس قوه قضائیه، شورایی به نام «شورای عالی قضایی» وجود داشت که در بازنگری سال ۱۳۶۸ این شورا حذف و «رئیس قوه قضائیه» جایگزین آن شد. اصل ۱۵۷ در مورد به منظور انجام مسئولیتهای قوه :انتصاب و شرایط رئیس قوه قضائیه مقرر کرده است قضائیه در کلیه امور قضایی و اداری و اجرایی، مقام رهبری یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی و مدیر و مدبر را برای مدت پنج سال به عنوان رئیس قوه قضائیه تعیین می نماید که عالی ترین مقام قوه قضائیه است. در خصوص این اصل سه نکته گفتنی قوه قضائیه از طریق نصب رئیس این قوه از سوی ولی فقیه مشروعیت می یابد .. :است  
تمدید دوره ریاست ۲. و در حقیقت از این طریق ولایت به این قوه منتقل می شود  
قوه قضائیه برای دوره های متوالی با تایید رهبر امکان پذیر است. ۳. هرچند رئیس قوه، عالی ترین مقام قوه قضائیه معرفی شده، اما عالی ترین مقام قضایی، دیوان عالی کشور اگرچه در این اصل، شرط تابعیت ایران برای رئیس قوه قضائیه ذکر نشده، ۴. است  
براساس ماده ۹۸۲ قانون مدنی، کسانی که تابعیت ایرانی ندارند، نمی توانند به این  
وظایف رئیس قوه قضائیه اصل ۱۵۸ درباره وظایف و اختیارات ۲. سمت منصوب شوند

قانون .. :وظایف رئیس قوه قضائیه به شرح زیر است :رئیس دستگاه قضا می گوید

اساسی ۱۳۵۸، اصل ۱۵۷

ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیت های اصل یکصد و پنجاه و 1. ششم؛ ۲. تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی؛ ۳. استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل ماموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند در ۱۰. اینها از امور اداری، طبق قانون در مورد این اصل نکاتی چند درخور ذکر است راستای اجرای این اصل «قانون وظایف و اختیارات قوه قضائیه» در سال ۱۳۷۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است که افزون بر وظایف مندرج در اصل لوایح ۲۰. یادشده، وظایف و اختیارات دیگری را نیز برای این مقام برشمرده است قضایی که به دست رئیس قوه قضائیه تهیه میشود، باید با واسطه وزیر دادگستری، از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی تقدیم شود. براساس نظر شورای نگهبان، هرگونه تغییر مربوط به امور قضایی در این گونه لوایح فقط با جلب موافقت رئیس قوه قضائیه افزون بر وظایف شمرده شده در اصل فوق - به عنوان وظایف اصلی 3. مجاز است رئیس قوه قضائیه - در برخی دیگر از اصول قانون اساسی نیز به وظایف و اختیارات پیشنهاد حقوق دانان شورای نگهبان به مجلس شورای - :دیگری اشاره شده است اسلامی (اصل ۹۱)؛ - پیشنهاد عفو و تخفیف مجازات محکومان به مقام رهبری (بند ۱۱ اصل ۱۱۰)؛ - عضویت در شورای موقت رهبری (اصل ۱۱۱)؛ - حضور در مراسم سوگند رئیس جمهور در مجلس (اصل ۱۲۱)؛ - رسیدگی به اموال و دارایی مسئولان عالی رتبه نظام (اصل ۱۳۴۲)؛ - پیشنهاد وزیر دادگستری به رئیس جمهور (اصل ۱۶۰)؛ - انتصاب رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل (اصل ۱۶۲)؛ - عضویت در شورای بازنگری قانون اساسی (اصل ۱۷۷). دو. وزیر دادگستری قانون اساسی وزیر

دادگستری را در محدوده امر قضا حلقه ارتباطی بین قوای سه گانه معرفی  
مختصر حقوق اساسی و آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران کرده - ۲۳۲  
است. از یک سو وی باید از طرف رئیس قوه قضائیه معرفی شده باشد و از سویی توسط  
رئیس جمهور برای گرفتن رای اعتماد به مجلس معرفی گردد تا پس از آن، رابط بین  
قوای مجریه و مقننه با قوه قضائیه باشد. اصل یکصد و شصتم در مورد چگونگی انتخاب  
وزیر دادگستری مسئولیت کلیه :و وظایف و اختیارات این مقام مقرر داشته است  
مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه را برعهده دارد و از میان  
کسانی که رئیس قوه قضائیه به رئیس جمهور پیشنهاد می کند، انتخاب می گردد.  
رئیس قوه قضائیه می تواند اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیر  
قضات را به وزیر دادگستری تفویض کند. در این صورت وزیر دادگستری دارای همان  
اختیارات و وظایفی خواهد بود که در قوانین برای وزرا به عنوان عالی ترین مقام اجرایی  
پیش بینی می شود. وجود وزیر دادگستری به عنوان یک مقام قوه مجریه و در همان  
حال احتساب وی به عنوان یک مقام قوه قضائیه - که عمدتاً در خصوص لوایح قضایی و  
بودجه قوه قضائیه رابط بین سه قوه شمرده می شود - نمادی از اصل همکاری قوا و  
پذیرش تفکیک نسبی قوا در جمهوری اسلامی ایران است؛ به ویژه اگر رئیس قوه  
این اصل بدین مفهوم .قضائیه موارد شمرده شده در اصل یادشده را به وی واگذار کند  
است که رئیس قوه قضائیه ملزم به واگذاری اختیارات مذکور به وزیر دادگستری نیست.  
در هر حال می باید پرسید که آیا اصولاً وزیر دادگستری نسبت به امور مالی و اداری و  
استخدامی غیر قضات، در مقابل مجلس مسئولیت دارد یا خیر؟ به نظر می رسد چنانچه  
این امور به وی واگذار شده باشد، مجلس می تواند او را مورد سوال یا استیضاح قرار  
دهد. در غیر این صورت اساساً مجلس به جز نظارت مالی بر قوه قضائیه (از طریق دیوان  
محاسبات) و تحقیق و تفحص در امور غیرقضایی، نمی تواند نظارت دیگری بر این قوه

سه. دیوان عالی کشور در ارکان قضایی جمهوری اسلامی ایران، «دیوان» داشته باشد عالی کشور» عالی ترین رکن بشمار می آید. اصل ۱۶۱ در مورد این رکن می گوید

قوه قضائیه : ۲۳۳ دیوان عالی کشور به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضایی و انجام مسئولیت هایی که طبق قانون به آن محول می شود، براساس ضوابطی که رئیس قوه قضائیه تعیین می کند، تشکیل می گردد.

براساس قوانین، مهم ترین وظایف این دیوان عبارت است از: یک. نظارت بر حسن اجرای قوانین در محاکم؛ دو. صدور رای وحدت رویه قضایی؛ سه محاکمه رئیس جمهور در صورت تخلف از وظایف قانونی (بند ۱۰ اصل ۱۱۰) چهار. حل اختلاف مراجع قضایی و تجدیدنظر در احکام دادگاهها. چهار. رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل اصل ۱۶۲ قانون اساسی شرایط، شیوه انتخاب و مدت مسئولیت دو مقام قوه قضائیه را بیان رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل باید مجتهد عادل و آگاه به امور :کرده است قضایی باشند و رئیس قوه قضائیه با مشورت قضات دیوان عالی کشور آنها را برای مدت پنج سال به این سمت منصوب می کند. دادرای دیوان عالی کشور زیر نظر دادستان کل کشور اداره می شود. پنج قاضی قضات در اجرای وظیفه اساسی و بنیادی قوه قضائیه - یعنی حل و فصل دعاوی - مهم ترین رکن قوه قضائیه هستند. نظر به جایگاه ۱. | خطیر قاضی، در منابع و متون فقهی شرایط متعددی برای قاضی بیان شده است رای وحدت رویه در صورتی صادر می شود که دو یا چند دادگاه در مورد یک قضیه مشابه دو حکم متفاوت صادر کنند. هر دو مورد به دیوان عالی کشور یا دیوان عدالت اداری ارجاع می شود و در هیئت عمومی دیوان، مورد بحث و بررسی قرار می گیرد. نتیجه کار هیئت ممکن است تایید یکی از آرای صادر شده محاکم یا صدور رای ثالثی باشد. رای هیئت عمومی دیوان در مورد این قضایا در حکم قانون بوده و از آن پس همه

محاکم باید در موارد مشابه از آن پیروی کنند. ۲. این شرایط عبارت است از: بلوغ، کمال عقلی، مرد بودن، حلال زادگی، اجتهاد، عدالت و جز آن

مختصر حقوق اساسی و آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصل - ۲۳۴  
۱۶۳ قانون اساسی بی آنکه به شرط خاصی برای قاضی اشاره کرده باشد، به صورت کلی و صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیله قانون معین می شود. می گوید در جهت اجرای این اصل، «قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری» در تاریخ  
شرط لازم برای اعمال . به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است ۱۴/۲/۱۳۶۱  
قضاوت عادلانه و غیر جانبدارانه، استقلال قاضی و امنیت شغلی و روانی اوست. اگر قاضی در صدور آرای خود استقلال کافی نداشته و تحت تاثیر اشخاص دیگر واقع شود، یا آنکه خود را در مخاطرات شغلی ببیند، نمی توان از وی قضاوت منصفانه و عادلانه را قاضی را نمی توان از مقامی که :انتظار داشت. بر این اساس اصل ۱۶۴ مقرر می دارد شاغل آن است، بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است، به طور موقت یا دائم منفصل کرد، یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد، مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضائیه، پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل. نقل و انتقال دوره ای قضات برطبق ضوابط کلی که قانون تعیین می کند، صورت می گیرد. | بدین منظور، قانون «محکمه عالی انتظامی قضات» برای رسیدگی به جرائم قضات و تشخیص عدم صلاحیت آنان در سال ۱۳۷۰ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام، و قانون «نقل و انتقال دوره های قضات» نیز در سال چند اصل بعدی قانون اساسی، ۱۳۷۵ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است به موجب این قانون، ۱۰. برخی از آیین های رسیدگی و اصول قضایی را بیان داشته



قضات از میان مردان واجد شرایط زیر انتخاب می شوند: .. ایمان و عدالت و تعهد عملی نسبت به موازین اسلامی و وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ایران؛ ۲. طهارت مولد؛ 3. تابعیت ایران و انجام خدمت نظام وظیفه با دارا بودن معافیت قانونی ۴. صحت مزاج و توانایی انجام کار و عدم اعتیاد به مواد مخدر؛ ۵. دارا بودن اجتهاد به تشخیص شورای عالی قضایی رئیس قوه قضائیه) یا اجازه قضا از جانب شورای قضایی (رئیس قوه عالی). (قضائیه

قوه قضائیه - ۲۳۵ یک. اصل علنی بودن محاکمات، به استثنای دو مورد: رعایت عفت و مصالح عمومی به تشخیص دادگاه و تقاضای طرفین دعوا در دعاوی خصوصی (اصل ۱۶۵)؛ دو. اصل حاکمیت قانون، به معنای لزوم مستدل و مستند بودن احکام دادگاه ها به مواد و اصول قانونی (اصل ۱۶۶)؛ سه. موظف بودن قاضی به یافتن احکام هر دعوی در قوانین مدون یا منابع معتبر اسلامی و فتاوی معتبر، و عدم جواز امتناع از صدور حکم به بهانه سکوت، نقص، اجمال یا تعارض قوانین مدون (اصل ۱۶۷)؛ چهار. لزوم رسیدگی علنی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی با حضور هیئت منصفه اصل ۱۶۸)؛ پنج. اصل عطف بما سبق نشدن قوانین، یعنی جرم نبودن هیچ فعل یا ترک فعلی، به استناد قانونی که بعد از آن تصویب می شود (اصل ۱۶۹)؛ شش. لزوم خودداری قضات دادگاه ها از اجرای تصویب نامه ها و آیین نامه های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات منظور آن است. اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است و امکان ابطال ۱ که اگر در قانون فعل یا ترک فعلی جرم یا تخلف شمرده شده، اما حکم یا مجازات آن بیان نشده، قاضی موظف است به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر مراجعه کرده و براساس آن، حکم دعوا را صادر کند. از این رو، اصولاً به استناد «قاعده قبح عقاب بلا بیان»، قاضی نمی تواند عملی را که در قانون جرم انگاری نشده، مورد مجازات قرار جرم سیاسی به عمل مجرمانهای اطلاق می شود که در آن با انگیزه سرنگونی ۲۰. دهد.

نظام سیاسی و اجتماعی و اختلال در مدیریت سیاسی و صدمه به زمامداری کشور باشد، یا هر عمل مجرمانه ای که نتیجه آن سرنگونی نظام سیاسی و اجتماعی و صدمه به مقامات سیاسی کشور باشد. (بنگرید به: هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، ص ۴۶۹) ۳. جرائم مطبوعاتی جرائمی است که به وسیله مطبوعات علیه دیگران صورت می پذیرد؛ مانند افتراء، هتاکی، افشای اسرار، تشویش اذهان عمومی و شایعه پراکنی. (همان، ص ۴۵۶ - ۴۵۴) | ۴. هیئت منصفه که آن را نهاد قضایی مردمی می نامند، مجموعه ای از افراد است که با داشتن شرایط اخلاقی و تواناییهای خاص و استقلال رای و فکر، به عنوان نماینده افکار عمومی به منظور شرکت در برخی دادگاهها، برای همکاری با قضات حرفه ای در امر قضاوت دعوت می شوند. (بنگرید به: همان، ص ۴۷۳ - ۴۷۰) گفتنی است قانون هیئت منصفه در سال ۱۳۸۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.

۲۳۶ - مختصر حقوق اساسی و آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این گونه مقررات از دیوان عدالت اداری، از سوی هرکس (اصل ۱۷۰)؛ هفت. تعیین مسئول جبران ضرر مادی یا معنوی که در اثر اشتباه قاضی به کسی وارد می شود و لزوم اعاده حیثیت کسی که حکم اشتباهی در مورد او صادر شده است (اصل ۱۷۱). شش. محاکم خاص دادگستری و سازمان های همکار قوه قضائیه مبنای تشکیل دادگاهها، گاه نوع جرم و گاه نیز شخصیت مجرم است. دادگاه انقلاب، دادگاه کیفری، دادگاه مدنی، دادگاه مطبوعات و دادگاه خانواده، از دادگاه هایی است که براساس نوع جرم تشکیل شده است. دادگاه ویژه روحانیت، دادگاه انتظامی قضات و دادگاه جرائم نیروهای مسلح نیز از دادگاه هایی است که بر پایه شخصیت مجرم تاسیس شده است. قانون اساسی اختیار تشکیل دادگاهها را از طریق ارائه لایحه به مجلس، به رئیس قوه قضائیه واگذار کرده

است. با این همه، در این قانون از برخی دادگاه های خاص نیز یاد شده که در پی می آید. .. محاکم نظامی اصل ۱۷۲ در مورد این محاکم و هدف از تشکیل آنها می گوید:

برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می گردد، ولی به جرائم عمومی آنان یا جرائمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند، در محاکم عمومی رسیدگی می شود. دادستانی و دادگاه های نظامی، بخشی از قوه قضائیه کشور و مشمول اصول مربوط به این قوه هستند. جرائم نیروهای نظامی و انتظامی از سه حالت بیرون نیست: یا جرائمی است که جنبه انتظامی و انضباطی دارد و شخص نظامی، متهم به تخلف از وظایف قانونی (مانند ترک خدمت و افشای اسرار شده است، یا اینکه جرم ارتكابی مختلط است که از جرائم خاص نظامی نیست، بلکه فرد در حین انجام وظیفه آن را مرتکب شده است (مانند سرقت در حال قوه قضائیه ۲۳۷ انجام وظیفه و یا آنکه از جرائم معمولی است که در زمان انجام وظیفه صورت نگرفته است. به نظر می رسد اصل عدالت قضایی اقتضا می کند محاکم نظامی فقط قابلیت رسیدگی به جرائم نوع نخست را داشته باشند. ۲. دیوان عدالت اداری یکی از محاکم خاص در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران، «دیوان عدالت اداری» است که در اصل ۱۷۳ نهادینه شده است: به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مامورین یا واحدها یا آیین نامه های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضائیه تاسیس می گردد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می کند. در جهت اجرای این اصل «قانون دیوان عدالت اداری» به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و در سال ۱۳۸۵ مورد اصلاح قرار گرفته است. مطابق ماده ۱۳ این قانون، صلاحیت و حدود اختیارات دیوان بدین قرار است: ۱. رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از:

- تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی، اعم از وزارتخانه ها، سازمانها و موسسات و شرکتهای دولتی، شهرداریها، تشکیلات انقلابی و موسسات وابسته به آنها؛ - تصمیمات

و اقدامات ماموران واحدهای مذکور در بند الف در امور مربوط به وظایف آنها. ۲. رسیدگی به اعتراضات و شکایات و آرا و تصمیمات قطعی دادگاه های اداری و هیئت ها و کمیسیون هایی مانند کمیسیون های مالیاتی و شورای شهرداریها؛ ۳. رسیدگی به شکایات قضات و مشمولان قانون استخدام کشوری (قانون مدیریت خدمات کشوری سابق و جدید) و سایر مستخدمان واحدها و موسسات مذکور در بند ۱. ۳. سازمان بازرسی کل کشور یکی دیگر از نهادهای همکار قوه قضائیه، «سازمان بازرسی کل کشور» است که به عنوان بازوی نظارتی این قوه فعالیت می کند. اصل ۱۷۴ قانون اساسی در مقام نهادینه سازی بازار است:

۲۳۸ - مختصر حقوق اساسی و آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این نهاد نظارتی می گوید: براساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه های اداری سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می گردد. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می کند. در راستای اجرای این اصل، «قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور» به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. برابر ماده ۲ این قانون وظایف این سازمان بدین شرح است: ۱. بازرسی مستمر کلیه وزارتخانه ها، ادارات، نیروهای نظامی و انتظامی، موسسات و شرکتهای دولتی، شهرداریها و موسسات وابسته به آنها، دفاتر اسناد رسمی، موسسات عام المنفعه، نهادهای انقلابی و سازمان هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه یا سهام آنان متعلق به دولت است، یا دولت به نوعی بر آنها نظارت می کند و نیز تمامی سازمانهایی که شمول این قانون نسبت به آنها مستلزم ذکر نام آنهاست، براساس برنامه منظم؛ ۲. انجام بازرسی های فوق العاده بر حسب دستور شورای عالی قضایی (رئیس قوه قضائیه) و یا به درخواست کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی، یا بنا به تقاضای وزیر یا مسئول دستگاههای مربوط و یا هر مورد دیگری که به نظر رئیس سازمان و شورای عالی قضایی ضروری تشخیص داده شود؛ ۳. اعلام موارد تخلف و نارسایی ها و سوء جریانات اداری و مالی در خصوص وزارتخانه ها و

نهادهای انقلابی گزیده مطالب 1. قوه قضائیه به منظور تضمین حسن اجرای قوانین، حل و فصل دعاوی، حفظ حقوق عمومی و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی تشکیل شده است. 2. براساس قانون اساسی وظایف مهم قوه قضائیه عبارت است از: یک. رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه که قانون معین می کند؛

دو. احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی های مشروع؛ سه. نظارت بر حسن اجرای قوانین چهار. کشف جرم، تعقیب مجازات، تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام؛ پنج. اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین. 3. بالاترین مقام قوه قضائیه، رئیس این قوه است که باید مجتهد، عادل، آگاه به امور قضا، مدیر و مدبر باشد. مقام رهبری او را برای مدت پنج سال برمی گزینند. وظایف وی در قانون اساسی بیان شده است. 4. سایر ارکان و مقامات قوه قضائیه بدین قرار است: وزیر دادگستری، دیوان و رئیس دیوان عالی کشور، دادستان کل، قضات و محاکم خاص دادگستری مانند محاکم نظامی، دیوان عدالت اداری و سازمان بازرسی کل کشور. شرایط و حدود وظایف و اختیارات هر یک از این ارکان و مقامات قضایی در قانون اساسی و قوانین عادی پیش بینی شده است.

## اهداف

هدف کلی آشنایی با نهادها و دستگاه های حکومتی خاص که در قانون اساسی از آنها یاد شده است.

اهداف جزئی ۱. آشنایی با مجلس خبرگان و نقش آن در جمهوری اسلامی ایران؛ ۲. آگاهی از نهاد شوراها در جمهوری اسلامی ایران و کارکردهای آن؛ ۳. آگاهی از مجمع تشخیص مصلحت نظام و نقش آن در اعمال حاکمیت؛ ۴. آشنایی با سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران؛ ۵. آشنایی با شورای عالی امنیت ملی؛ ۶. آگاهی از شورای بازنگری قانون اساسی.

- در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، افزون بر نهاد ولایت فقیه یا رهبری و قوای سه گانه، در مورد برخی دیگر از نهادها نیز سخن به میان آمده و در مورد آنها احکامی بیان شده است. این نهادها عبارت است از: مجلس خبرگان، شوراها، سیمای جمهوری اسلامی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، شورای عالی امنیت ملی و شورای بازنگری قانون اساسی سبب نام گذاری این نهادها به نهاد خاص و باز کردن فصلی مستقل درباره آنها، این است که نهادهای مزبور کاملاً زیرمجموعه هیچ یک از قوای سه گانه قرار نمی گیرند، بلکه هر یک مستقلاً در اعمال حاکمیت ایفای نقش می کنند.

-

## الف) مجلس خبرگان

با طرح مسئله «ولایت فقیه» در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی و ورود آن به قانون اساسی، اندیشیدن ساز و کاری برای انتخاب ولی فقیه (موضوع اصل ۱۰۷ قانون اساسی) و نظارت بر رهبر، احراز شرایط و اطمینان از بقای آنها و تشخیص انعزال وی به خاطر از دست دادن شرایط (موضوع اصل ۱۱۱ همان قانون)، ضروری می نمود. طرح این مسئله، خبرگان مؤسس را بر آن داشت تا نهادی به نام «مجلس خبرگان» را در قانون اساسی نهادینه کنند. ارتباط این نهاد با عالی ترین رکن حکومتی در جمهوری اسلامی ایران، آن را به عالی ترین نهاد انتخاب کننده و ناظر بدل کرده است.

در چند اصل قانون اساسی به مجلس خبرگان اشاره شده است: اصل یکصد و هفتم، یکصد و هشتم و یکصد و یازدهم. در ادامه محورهای مورد نظر خود را با استناد به همین اصول مورد بحث قرار می دهیم.

یک. تشکیل مجلس خبرگان اصل یکصد و هشتم قانون اساسی در مورد چگونگی تاسیس مجلس خبرگان می گوید:

قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب آنها و آیین نامه داخلی جلسات آنان برای نخستین دوره باید به وسیله فقهای اولین شورای نگهبان تهیه و با اکثریت آرای آنان تصویب شود و به تصویب نهایی رهبر انقلاب برسد. از آن پس هرگونه تغییر و تجدیدنظر در این قانون و تصویب سایر مقررات مربوط به وظایف

خبرگان در صلاحیت خود آنان است. در جهت اجرای این اصل، اولین قانون مربوط به خبرگان به تصویب شورای نگهبان و سپس به تایید امام خمینی + رسید و از آن پس هرگونه اصلاح و تجدیدنظر در آن، به وسیله اعضای این مجلس به عمل آمد. قانون فعلی این مجلس مصوب فقهای شورای نگهبان در تاریخ ۱۰/۷/۱۳۵۹ بوده که تاکنون چند بار مورد اصلاح قرار گرفته است. براساس اختیاری

1. به جز این دو وظیفه مهم مجلس خبرگان، پنج نفر از اعضای این مجلس، در شورای بازنگری قانون اساسی نیز عضویت دارند. همچنین اصل یکصد و هشتم وظیفه تدوین و تصویب قوانین مربوط به این مجلس را برعهده خبرگان نهاده است.

که این اصل به خبرگان داده، آنان می توانند قوانین مربوط به مجلس خبرگان را تصویب کنند، بی آنکه به نظارت شورای نگهبان نیازی داشته باشد.

دو. تعداد اعضا و مدت عضویت تعداد نمایندگان مجلس

خبرگان در هر استان، در بدو تاسیس در دوره اول ۸۳ نفر بوده که در دوره های بعد به ازای هر یک میلیون نفر جمعیت، یک نفر بر آنها افزوده شده است. در صورت تاسیس استان جدید، این تعداد میان استان های جدید تقسیم میشود.

خبرگان برای مدت هشت سال انتخاب می شوند و شش ماه به پایان هر دوره نیز باید انتخابات دوره بعد آغاز گردد؛ به گونه ای که سه ماه به پایان هر دوره، انتخابات دوره بعد خاتمه یافته باشد. هر یک از خبرگان نسبت به تکالیف و وظایف قانونی خود، در برابر خداوند و مردم مسئول اند. اعضای مجلس خبرگان می توانند از سمت خود استعفا دهند که این امر با رای مثبت اعضای دیگر پذیرفته میشود؟

سه. شرایط انتخاب شوندهگان و انتخاب کنندگان به موجب ماده 3 قانون مزبور شرایط داوطلبان عضویت در مجلس خبرگان عبارت است از:

الف) اشتهار به دیانت و وثوق و شایستگی اخلاقی؛ ب) اجتهاد در حدی که قدرت استنباط بعضی مسائل فقهی را داشته باشد و بتواند ولی فقیه و اجد شرایط رهبری را تشخیص دهد؛ ج) بینش سیاسی و اجتماعی و آشنایی با مسائل روز؛ د) معتقد بودن به نظام جمهوری اسلامی ایران؛

ه) نداشتن سوابق سوء سیاسی و اجتماعی. براساس تبصره های این ماده و آیین نامه اجرایی آن، مرجع تشخیص شروط یادشده

فقههای شورای نگهبان اند. کسانی هم که مقام معظم رهبری اجتهاد آنها را به صریحا یا ضمنا - تایید کرده باشد، از نظر علمی به تشخیص فقههای شورای نگهبان نیازی نخواهند داشت. داوطلبان عضویت در استانهای مختلف نیز لازم نیست متولد یا ساکن استان حوزه انتخابیه باشند.

اینک پرسیدنی است که چرا شرط «اجتهاد» برای خبرگان پیش بینی شده و آیا متخصصان دیگر نمی توانند به عضویت این مجلس در آیند؟ پاسخ اینکه، لزوم داشتن شرط «اجتهاد» از این روست که مهمترین شرط رهبر، «فقاهاست یا اجتهاد» اوست، اگر چه شرایط دیگری نیز برای وی در اصل یکصد و نهم در نظر گرفته شده است. به سخنی دیگر، رهبر در کنار اجتهاد باید دارای بینش سیاسی و اجتماعی، تدبیر، مدیریت و شجاعت نیز باشد. بدیهی است که خبرگان می توانند شرایط دیگر (به جز اجتهاد) را نیز احراز کنند، اما سایر متخصصان امکان تشخیص شرط اصلی ولی فقیه - یعنی فقاهاست - را ندارند. در ماده ۴ نیز شرایط انتخاب کنندگان بدین گونه برشمرده شده است

الف) تابعیت جمهوری اسلامی ایران

ب) داشتن پانزده سال تمام چهار. جلسات

جلسات مجلس خبرگان با حضور دوسوم کل خبرگانی که می باید انتخاب گردند، رسمیت می یابد. مصوبات این مجلس نیز با نصف به علاوه یک حاضران معتبر است، مگر در مورد تعیین رهبر که با موافقت دوسوم حاضران اعتبار می یابد. اجلاسیه رسمی مجلس خبرگان هر سال دست کم به مدت دو روز برپا می شود، مگر به تشخیص هیئت رئیسه یا پیشنهاد کتبی ده نفر از اعضا که در این صورت اجلاسیه فوق العاده برگزار می گردد وظیفه مجلس خبرگان در اجلاسیه های عادی خود، اجرای اصل یکصد و یازدهم قانون اساسی، بحث و تبادل نظر درباره مسائل مربوط به رهبری و نیز یافتن بهترین شیوه برای ایفای این مسئولیت خطیر و پیشنهاد آن به مقام رهبری است.

پنج تشکیلات

در اولین جلسه رسمی هر دوره مجلس خبرگان، به منظور اداره جلسه افتتاحیه و انجام مراسم تحلیف و اجرای انتخابات هیئت رئیسه دائم، «هیئت رئیسه سنی» تشکیل می شود؟ پس از انجام مراسم افتتاحیه نیز «هیئت رئیسه دائم» تشکیل می گردد. این هیئت رئیسه، مرکب از یک نفر رئیس، دو نفر نایب رئیس، دو منشی و دو نفر کارپرداز، از میان اعضا برای مدت دو سال و با رای مخفی خبرگان انتخاب می شوند؟

رکن دوم مجلس خبرگان، «دبیرخانه» است که برای ماموریتها و مسئولیتهای پیش بینی شده در آیین نامه داخلی (ماده ۸۶) و تنظیم امور مربوط به مجلس

خبرگان دایر شده و زیر نظر هیئت رئیسه اداره می شود

کمیسیون های دائمی مجلس خبرگان که به منظور بررسی های کارشناسانه و تهیه گزارش برای طرح در جلسات رسمی و انجام سایر وظایف محول شده در آیین نامه داخلی تشکیل شده،

عبارت است از:

.. کمیسیون تحقیق موضوع اصل یکصد و یازدهم قانون اساسی؛ ۲. کمیسیون اصل ۱۰۸ قانون اساسی؛ ۳. کمیسیون امور مالی و اداری؛ ۴. کمیسیون اصل ۱۰۷ و ۱۰۹ قانون اساسی؛ ۵. کمیسیون بررسی راههای پاسداری و حراست از ولایت فقیه؛ ۶. کمیسیون سیاسی - اجتماعی افزون بر کمیسیون های دائمی یادشده، مجلس خبرگان می تواند کمیسیون های ویژه ای نیز برای مدت معین دایر کند.

(ب) شوراها

در جمهوری اسلامی ایران، نهاد شورا از ارکان حکومت و ابزار اعمال حاکمیت شمرده می شود که گونه های مختلف آن با دو هدف عمده تأسیس شده است: یکی هدف عقیدتی که عمل به دستورهای دینی است مبنی بر نهادینه سازی شورا و مشورت، و دیگری هدف سیاسی که همان عدم تمرکز اداری است، به معنای واگذاری امور محلی به مردم محل و بهره گیری از مشارکت مردم در اداره امور کشور برای تسهیل و تسریع در اجرای امور. اصل هفتم قانون اساسی به هدف نخست اشاره دارد:

طبق دستور قرآن کریم، «وامرهم شوری بینهم» و «شاوهم فی الأمر»، شوراها، مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر

اینها، از ارکان تصمیم گیری و اداره امور کشورند. فصل هفتم قانون اساسی (اصل ۱۰۰ تا ۱۰۶) به شوراها اختصاص یافته است. در اصل یکصد اهداف تشکیل شوراها (از جمله هدف دوم که به آن اشاره شد) و اقسام آن ذکر شده است:

دهه پیشبرد سریع برنامه های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی،

آموزشی و سایر امور رفاهی، از طریق همکاری مردم - با توجه به مقتضیات محلی، اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان - با نظارت شورایی به نام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت می گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می کنند. شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و حدود وظایف و اختیارات و نحوه انتخاب و نظارت شوراها مذکور و سلسله مراتب آنها را - که باید با رعایت اصول وحدت ملی و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی و تابعیت حکومت مرکزی

باشد. قانون معین می کند. چنان که پیداست، قانون گذار اساسی دغدغه خود از واگذاری امور به مردم محل را به صراحت بیان کرده و تدوین قانون مربوط به اجرای این اصل را با رعایت اصول «وحدت ملی»، «تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی» و «تابعیت حکومت مرکزی» پیش بینی کرده است. در جهت اجرای این اصل، «قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراها» اسلامی کشور و «انتخاب شهرداران» در سال ۱۳۷۵ به تصویب رسید و چند بار نیز مورد اصلاح مجلس شورای اسلامی قرار گرفت.

در ماده ۲۵ این قانون شرایط انتخاب کنندگان بدین شرح است: .. تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران؛ ۲. حداقل سن پانزده سال تمام در روز اخذ رای؛

۳. سکونت حداقل یک سال در محل اخذ رای به استثنای شهرهای بالای یکصد هزار نفر جمعیت. برابر ماده ۲۶ قانون مزبور، انتخاب شوندگان هنگام ثبت نام باید دارای این شرایط باشند:

یک. تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران؛ دو. حداقل سن ۲۵ سال تمام سه. سکونت حداقل یک سال متصل به زمان اخذ رای در محل؛ چهار. اعتقاد و التزام عملی به اسلام و ولایت مطلقه فقیه؛ پنج. ابراز وفاداری به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ شش. دارا بودن سواد خواندن و نوشتن به اندازه کافی فصل سوم قانون مذکور (ماده ۶۸ تا ۷۸) به ترتیب وظایف شوراها، روستا، بخش و شهر را بیان کرده است. از میان شوراها، اسلامی که میان آنها سلسله مراتب نیز برقرار است، فقط شورای عالی استان ها در اصل مستقلی مورد تصریح قانون گذار قرار گرفته است. در اصل یکصد و دوم آمده است:

به منظور جلوگیری از تبعیض و جلب همکاری در تهیه برنامه های عمرانی و رفاهی استان ها و نظارت بر اجرای هماهنگ آنها، شورای عالی استانها مرکب از نمایندگان شوراها، استان ها تشکیل می شود. نحوه تشکیل و وظایف این شورا را قانون معین

می کند. اعضای شورای عالی استان ها از میان اعضای شورای استانها انتخاب شده و به وزیر کشور معرفی می شوند. این شورا وظایف مهمی را بر عهده دارد، اما در قانون اساسی به یک اختیار مهم آن اشاره شده است: پیشنهاد قانون به مجلس شورای اسلامی برابر اصل یکصد و دوم:



شورای عالی استانها حق دارد در حدود وظایف خود طرح‌هایی تهیه و مستقیماً یا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کند. این طرح‌ها باید در مجلس

مورد بررسی قرار گیرد. قانون‌گذار اساسی ضمانت اجرای مصوبات و تصمیمات شوراهای را از نظر دور نداشته و مقامات کشوری را به اجرای آنها، مادامی که خارج از حدود اختیارات شوراهای نباشد، ملزم دانسته است. اصل یکصد و سوم در این زمینه مقرر داشته است:

استانداران، فرمانداران، بخشداران و سایر مقامات کشوری که از طرف دولت تعیین

می‌شوند، در حدود اختیارات شوراهای ملزم به رعایت تصمیمات آنها هستند. تصمیمات شوراهای (اعم از شوراهای اسلامی و شوراهای واحدهای کار موضوع اصل ۱۰۴) از لحاظ سلسله مراتب قوانین، پس از قوانین و مقررات عمومی کشور قرار دارد. بنابراین اصل یکصد و پنجم بیان می‌دارد:

تصمیمات شوراهای نباید مخالف موازین اسلام و قوانین کشور باشد. ..

ترتیب نظارت بر مصوبات شوراهای و چگونگی ابطال مصوبات مغایر با شرع و قوانین به تفصیل بیان شده است. اصل یکصد و چهارم نوع دیگری از شورا را در نظام شورایی جمهوری اسلامی نهادینه ساخته است:

به منظور تامین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه‌ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور در واحدهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی، شوراهایی مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران، و در واحدهای آموزشی، اداری، خدماتی و مانند اینها نیز شوراهایی مرکب از نمایندگان اعضای این واحدها تشکیل می‌شود. چگونگی تشکیل این شوراهای و حدود وظایف و اختیارات آنها را قانون معین می‌کند.

اصل یکصد و ششم قانون اساسی در خصوص انحلال شوراهای مذکور وضع شده است:

انحلال شوراهای جز در صورت انحراف از وظایف قانونی ممکن نیست. مرجع تشخیص انحراف و ترتیب انحلال شوراهای و طرز تشکیل مجدد آنها را قانون معین می‌کند. شورا در صورت اعتراض به انحلال حق دارد به دادگاه صالح شکایت کند و دادگاه

موظف است خارج از نوبت به آن رسیدگی کند. ترتیب و مراحل انحلال شوراهای در قانون شوراهای بیان شده است. ۲

ج) مجمع تشخیص مصلحت نظام

برتری مطلق احکام و موازین شرع مقدس اسلام بر تمامی قوانین و مقررات کشور (حتی قانون اساسی از یک سو، و لزوم رعایت اصل سلسله مراتب قوانین و تفوق قانون اساسی نسبت به سایر قوانین و عدم نقض آن به وسیله قوانین و مقررات از سوی دیگر، ایجاب می‌کند که از این دو رکن بلندمرتبه - شرع مقدس و قانون اساسی - پاسداری شود. بدین منظور، شورای نگهبان در بدنه قوه مقننه گنجانده شده تا با نظارت بر مصوبات مجلس، از تصویب قوانین مغایر پیشگیری نماید.

اما هر از چندگاه، نمایندگان مجلس خواسته یا ناخواسته، به خاطر ضرورتها و مصالحی از خط قرمز شرع و قانون اساسی می‌گذرند و قانونی مغایر را تصویب می‌کنند. اینجاست که تضارب آرا بین «مصلحت‌اندیشی» مجلس و «شرع‌اندیشی» شورای نگهبان به وقوع می‌پیوندد و ممکن است بن بست قانون‌گذاری ایجاد شود.

در کشورهای دیگر نیز چه بسا بین قوه مقننه و قوه مجریه یا نهاد ناظر این شود که البته در حقوق اساسی این کشورها، راههایی برای گریز از این بن بست است؛ مانند عودت قانون مصوب کنگره یا سنا در آمریکا از سوی رئیس‌جمهور (به انض و تو)، انحلال پارلمان در انگلستان و نیز اجرای قانون عالی از سوی قضات در فرانسه

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، تا قبل از بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ هیچ راه قانونی برون رفت از این بن بست پیش‌بینی نشده بود، جز آنکه دو سال پیش از بازنگری به فرمان امام خمینی + مجمع تشخیص مصلحت نظام بدین منظور تشکیل گردید. بدین ترتیب، «مجمع تشخیص مصلحت نظام» با حکم ولی فقیه تاسیس شد و مشروعیت یافت. با وجود نقش مثبت این مجمع در رفع تعارض‌های مجلس و شورای نگهبان و برطرف شدن مناقشات موجود، قانونی نبودن ظاهری مجمع موجب

دستاویز قراردادن آن برای وارد ساختن ایرادات و اشکالاتی شد. از این رو با تدبیر هوشمندانه امام مبنی بر بازنگری قانون اساسی، موضوع نهادینه سازی این نهاد در دستور کار شورای بازنگری قانون اساسی قرار گرفت. سرانجام این مجمع در قالب اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی ایران در بازنگری سال ۱۳۶۸ نهادینه شدن

مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و (ایا) مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام نظر شورای نگهبان را تامین نکند و انیزاً مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می دهد و سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده است، به دستور رهبری تشکیل می شود. اعضای ثابت و متغیر این مجمع را مقام رهبری تعیین می نماید. مقررات مربوط به مجمع توسط خود اعضا تهیه و

تصویب و به تایید مقام رهبری خواهد رسید. در این اصل و چند اصل دیگر از قانون اساسی وظایف و اختیاراتی برای این مجمع در نظر گرفته شده که می توان آنها را این گونه دسته بندی کردن

یک. وظایف مستقل مجمع تشخیص مصلحت نظام - حل اختلاف بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی (اصل ۱۱۲). - عضویت اعضای ثابت مجمع در شورای بازنگری قانون اساسی (اصل ۱۷۷). - تعیین یکی از اعضای شورای موقت رهبری (اصل ۱۱۱) - انتخاب فرد دیگری به جای عضو شورای موقت رهبری که نتواند انجام وظیفه کند

- تصویب و تجویز اعمال برخی وظایف شورای موقت رهبری (اصل ۱۱۱). دو. وظایف مشورتی مجمع تشخیص مصلحت نظام به عنوان مشاور رهبری - حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست، پس از ارجاع رهبری. (بند ۸، اصل ۱۱۰). - تعیین سیاستهای کلی نظام (بند ۱، اصل ۱۱۰) - بررسی و مشورت در اموری که رهبری ارجاع میدهد (اصل ۱۱۲). - ارائه مشورت به رهبری در مورد موارد اصلاح یا متمیم (بازنگری) قانون اساسی (اصل ۱۷۷).

سه. وظیفه نظارتی مجمع

علاوه بر وظایف برشمرده شده فوق، مجمع وظیفه نظارتی نیز برعهده دارد. این وظیفه عبارت است از نظارت بر حسن اجرای سیاستهای کلی نظام (موضوع بند ۲ اصل ۱۱۰). این

۲۵۴ - مختصر حقوق اساسی و آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وظیفه از سوی مقام معظم رهبری به مجمع تفویض شده است.

با ملاحظه مجموع وظایف و اختیارات این نهاد بلندمرتبه سیاسی نتیجه می گیریم که اصولاً مجمع، نمی تواند برخلاف این موارد اقدام دیگری انجام دهد. بنابراین، مجمع از اختیار قانون گذاری مستقل برخوردار نیست و در عرصه قانون گذاری تنها می تواند موارد اختلافی میان مجلس و شورای نگهبان را بررسی کرده و نسبت به سایر موارد مربوط در متن قانون نیز می تواند به حذف، متمیم یا اصلاحی که مرتبط با حل اختلاف است، اقدام نماید؟

چهار تشکیلات مجمع تشخیص مصلحت نظام

مجمع برای انجام وظایف خود افزون بر «شورای مجمع» که مرکب از اعضای منصوب مقام معظم رهبری است، دارای «کمیسیون های دائمی»، «کمیسیون های خاص» و «دبیرخانه» است. دبیر مجمع به پیشنهاد رئیس مجمع و با موافقت مقام معظم رهبری، توسط رئیس ه ۲۸۲/ ۳۱۶

بر می تواند در موارد لازم، کمیسیون ها و کمیته هایی را با شرکت

کمیسیون های تخصصی دائمی عبارت است از: کمیسیون علمی، فرهنگی و اجتماعی، کمیسیون سیاسی، دفاعی و امنیتی، کمیسیون زیربنایی و تولیدی، کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و اداری و کمیسیون حقوقی و قضایی

کار

د) سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران امروزه رسانه ها جزء جدایی ناپذیر زندگی انسانها و یکی از شاخص های توسعه یافتگی کشورها شمرده می شوند. در میان رسانه های گوناگون، رادیو و تلویزیون از اهمیت بسزایی برخوردار

است؛ چه آنکه این دو وسیله ارتباط جمعی، در مقایسه با سایر وسایل جدید و پیشرفته جایگاه مردمی خود را از دست نداده و همچنان عضوی از همه خانواده ها بشمار می آید

در جمهوری اسلامی ایران، سازمان صدا و سیما مدیریت رادیو و تلویزیون را برعهده دارد. درباره اهمیت این نهاد حکومتی، همین بس که یکی از اصول قانون اساسی به آن اختصاص یافته است. توجه ویژه قانون گذار اساسی به این نهاد و مرتبط کردن آن به ولایت فقیه، به هدف، جایگاه و نقش آن در حفظ و ارتقای فرهنگ اسلامی و ایرانی باز می گردد در اساسنامه سازمان آمده است

هدف اصلی سازمان به عنوان یک دانشگاه عمومی، نشر فرهنگ اسلامی، ایجاد محیط مساعد برای تزکیه و تعلیم انسان و رشد فضایل اخلاقی و شتاب بخشیدن به حرکت تکاملی انقلاب اسلامی در سراسر جهان می باشد. این هدف ها در چهارچوب برنامه های

ارشادی، آموزشی، خبری و تفریحی تأمین می گردد اصل یکصد و هفتاد و پنجم درباره این نهاد می گوید

در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد. نصب و عزل رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران با مقام رهبری است و شورای مرکب از نمایندگان رئیس جمهور و رئیس قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی (هر کدام دو نفوس) نظارت بر این سازمان خواهند داشت. خط مشی و ترتیب اداره سازمان و نظارت بر آن را

قانون معین می کند بخش نخست این اصل، ناظر به راهبرد اساسی صدا و سیماست: «تأمین آزادی بیان و نشر افکار، با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور.» این امر بیانگر آن است که در سازمان صدا و سیما همه اندیشه ها، افکار و سلاقی گوناگون قابل طرح است و نمی توان پذیرفت که این سازمان در انحصار اشخاص با گروههای خاص قرار گیرد. در این اصل تصریح شده که هیچ چیز نباید مانع این راهبرد مهم شود، مگر آنکه افکار و اندیشه های مورد نظر جهت ارائه در این رسانه، بر خلاف موازین اسلامی با مصالح کشور باشد. بدیهی است سیاست گذاری، هدایت و

اتخاذ تدابیر لازم در خصوص چگونگی اجرای این راهبرد، برعهده رهبری است

نصب و عزل رئیس صدا و سیما از سوی مقام رهبری، ضمن آنکه این نهاد را بطور مستقل از قوا، در مجموعه دستگاههای نهاد رهبری قرار داده است، مسئولیت رئیس آن را در مقابل رهبر ایجاب می کند. افزون بر مسئولیت مستقیم در مقابل رهبری، این نهاد مسئولیت مضاعفی دارد که عبارت است از پاسخ گویی در مقابل شورای نظارتی مذکور در اصل یادشده.

در جهت اجرای این اصل، علاوه بر اساسنامه سازمان صدا و سیما، قانونی تحت عنوان خط مشی کلی و اصول برنامه های سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران» در سال ۱۳۶۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. همچنین مجمع تشخیص مصلحت نظام، مصوبه نحوه اجرای اصل ۱۷۵ در بخش نظارت را در سال ۱۳۷۰ به تصویب رسانده است

ه) شورای عالی امنیت ملی

یکی از وظایف همه حکومتها، تأمین همه جانبه امنیت در جامعه است. بدون وجود امنیت و تضمین آن از سوی دولت، امکان دست یازیدن به اهداف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی فراهم نمی آید تأمین امنیت به عنوان وظیفهای فراقوه های، برعهده حاکمیت است. بر این اساس و به منظور انجام سایر وظایف مرتبط، اصل ۱۷۶ قانون اساسی مقرر داشته است

به منظور تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی، شورای عالی امنیت ملی به ریاست رئیس جمهور با وظایف زیر تشکیل می گردد ۱، تعیین سیاست های دفاعی - امنیتی کشور در محدوده سیاستهای کلی تعیین شده از طرف مقام رهبری؟ ۲. هماهنگ نمودن فعالیت های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی - امنیتی ۳. بهره گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی اعضای شورا عبارت اند از: روسای قوای سه گانه، رئیس ستاد فرماندهی کل

نیروهای مسلح، مسئول امور برنامه و بودجه، دو نماینده به انتخاب مقام رهبری، وزیر امور خارجه، کشور، اطلاعات اور حسب مورد وزیر مربوط و عالی ترین مقام ارتش و سپاه شورای عالی امنیت ملی به تناسب وظایف خود. شوراهای فرعی از قبیل شورای دفاع و شورای امنیت کشور تشکیل می دهد، ریاست هریک از شوراهای فرعی با رئیس جمهور با یکی از اعضای شورای عالی است که از طرف رئیس جمهور تعیین می شود. حدود اختیارات و وظایف شوراهای فرعی را قانونی معین می کند و تشکیلات آنها به تصویب شورای عالی می رسد. مصوبات شورای عالی امنیت ملی پس از تأیید مقام رهبری قابل اجراست

جمله اخیر این اصل، ناظر به جایگاه ولایی این شورا است، هر چند ریاست آن برعهده رئیس جمهور قرار داده شده است. افزون بر جمله مورد اشاره، با توجه به تناسب بین وظایف این شورا و برخی از وظایف شمرده شده برای رهبر، می توان این شورا را نیز در زمره نهادهای وابسته به نهاد رهبری دانست، اگرچه به صراحت در این زمینه سخنی به میان نیامده است. اعلام جنگ و صلح و بسیج نیروها، فرماندهی کل نیروهای مسلح و مانند آنکه در اصل یکصد و دهم ذکر شده، از جمله وظایف و اختیارات

رهبری است که با وظایف شورا همخوانی دارد. این جایگاه اقتضا می کند مصوبات شورا که به تأیید مقام رهبری می رسد، به عنوان حکم ولایی یا حکومتی برای همه قوا و دستگاهها لازم الاجرا باشد و حتی بر قوانین و مقررات عمومی کشور تقدم یابد و شورای بازنگری قانون اساسی

همچنان که در فصل نخست گذشته مسئله بازنگری در قانون اساسی سال ۱۳۵۸ مغفول مانده بود، اما به پیشنهاد امام خمینی به مقرر شد در مورد شیوه و راه تجدیدنظر در این قانون تعیین تکلیف شود. بر این اساس پس از بحث و مذاکره شورایی که به حکم امام + برای بازنگری در

احکام حکومتی آن دسته از احکام جزئی و اجرایی است که از جانب پیامبر اکرم و امامان معصومه در منصب حکومت و به منظور اجرای احکام کلی الهی صادر می گردد. (بنگرید به جمعی از محققان مرکز اطلاعات و مدارک رسمی، فرهنگ نامه اصول فقه، ص ۱۰۸) بدیهی است که این منصب و اختیار صدور این گونه احکام، به استناد دلایل ولایت مطلقه فقیه و قابل تسری به ولی فقیه تیز هست

قانون اساسی تشکیل شده بود، فصل چهاردهم و اصل یکصد و هفتاد و هفتم به این قانون افزوده شد. به موجب این اصل، شورای بازنگری قانون اساسی قانونمند شده است. این شورا جنبه دائمی نداشته و در مواقع ضروری تشکیل می شود این اصل مقرر می دارد

بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در موارد ضروری به ترتیب زیر انجام می گیرد: مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام طی حکمی خطاب به رئیس جمهور موارد اصلاح یا متمیم قانون اساسی را به شورای بازنگری قانون اساسی با ترکیب زیر پیشنهاد می نماید: اعضای شورای نگهبان، روسای قوای سه گانه، اعضای ثابت مجمع تشخیص مصلحت نظام، پنج نفر از اعضای مجلس خبرگان رهبری، ده نفر به انتخاب مقام رهبری، سه نفر از هیئت وزیران، سه نفر از قوه قضائیه، ده نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی اوا سه نفر از دانشگاهیان شیوه کار و کیفیت انتخاب و شرایط آن را قانون معین می کند. مصوبات شورا پس از تأیید و امضای مقام رهبری باید از طریق مراجعه به آرای عمومی به تصویب اکثریت مطلق شرکت کنندگان در همه پرسی برسد. رعایت ذیل اصل پنجاه و نهم در مورد

همه پرسی بازنگری در قانون اساسی لازم نیست محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتدای کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و پایه های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت است و نیز اداره امور کشور با اتکا به آرای عمومی و

دین و مذهب رسمی ایران، تغییر ناپذیر است در مورد این اصل چند نکته گفتنی است؛ د. مراحل بازنگری در قانون اساسی، شامل:

یک، ابتدا مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، موارد اصلاح یا متمیم این قانون را مشخص و طی حکمی به رئیس جمهور و شورای بازنگری پیشنهاد می کند؟

دور بررسی موارد پیشنهاد شده در شورای بازنگری با ترکیب مشخص در این اصل سه تأیید مصوبات شورای مزبور از سوی رهبری

جهار، مراجعه به آرای عمومی و اخذ آرای مثبت حداقل نصف به علاوه یک شرکت کنندگان در همه پرسی

۲. لازم نیست درخواست مراجعه به آرای عمومی در مورد بازنگری در قانون اساسی - که

- صطلاحاً به آن همه پرسی اساسی» گفته می شود - به تصویب دوسوم مجموع نمایندگان مجلس بوست

، تجدید نظر در قانون اساسی مطلق و بدون قید و شرط نیست، بلکه به موجب دبل اصل یادشده نمی توان موارد شمرده شده شش گانه در این قسمت از اصل را بازنگری نمود.

۴، ابلاغ ابتدایی اصول و موارد شایسته بازنگری توسط رهبر از یکسو، و تأیید نهایی مصوبات شورای بازنگری به وسیله وی از سوی دیگر نشان می دهد که اولاً مشروعیت اصول قانون اساسی و موارد تجدید نظر شده در آن، بسته به رای و نظر ولی فقیه است و دوم اینکه شورای بازنگری به خودی خود وابسته به هیچ یک از قوا نیست و از همین رو می توان آن را در مجموعه نهادهای وابسته به نهاد رهبری در نظر گرفت

گزیده مطالب . در نظام جمهوری اسلامی ایران افزون بر نهاد رهبری و قوای سه گانه و دستگاههای وابسته

نهادهایی ویژه‌ای در اعمال حاکمیت مشارکت دارند که به آنها نهادهای خاص گفته می‌شود ۲ نهاد مجلس خبرگان به منظور انتخاب رهبر و نظارت بر شرایط وی تشکیل شده است. این مجلس بر اساس قانونی که به تصویب فقهای شورای نگهبان و اصلاح نمایندگان خبرگان رسیده، اداره

۳. نهاد شوراها اسلامی که در میانی دینی ریشه دارد، به منظور مشارکت عمومی در اداره امور کشور در تقسیمات مختلف کشوری و برای انجام امور خاصی که در قوانین پیش بینی شده شکل

گرفته است ۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام، نهادی مستقل است که با تدبیر رهبر کبیر انقلاب به عنوان بازوی

مشورتی رهبری تشکیل شده است. مهمترین وظایف آن عبارت است از: حل اختلاف مجلس و شورای نگهبان، مشاوره با رهبری در حل معضلات نظام و همچنین مشاوره با ایشان در تعیین سیاستهای کلی نظام

، سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، یک نهاد حکومتی زیرمجموعه نهاد ولایت فقیه است که در نشر فرهنگ اسلامی و ایجاد محیط مساعد برای ترکیه و تعلیم انسان و رشد فضایل

اخلاقی و شتاب بخشیدن به حرکت تکالی انقلاب اسلامی در سراسر جهان، نقش کارآمدی دارد. ها به منظور تامین منافع ملی، پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی و سایر وظایفی که در قانون اساسی مشخص شده، شورای عالی امنیت ملی به عنوان یک نهاد خام، به

ریاست رئیس جمهور تشکیل شده است و، در جریان بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ شورای بازنگری در قانون اساسی با عضویت اعضای حقیقی و حقوقی مذکور در اصل یکصد و هفتاد و هفتم، قانونمند گردید، مصوبات این شورا پس از تایید رهبری به همه پرسى گذارده میشود پرسش

، مجلس خبرگان رهبری به چه منظور تشکیل شده و تشکیلات آن چگونه است؟ . هدف از تاسیس شوراها در جمهوری اسلامی ایران چیست و انواع شوراها کدام است؟ ۳. مجمع تشخیص

مصلحت نظام با چه هدفی تشکیل شده و چه وظایفی دارد؟ | ۴، صدا و سیما چه اهمیتی دارد و هدف از تاسیس آن چیست؟ نظارت بر این سازمان چگونه است؟

۵. وظایف شورای عالی امنیت ملی چیست؟ این شورا چگونه یک نهاد مرتبط با رهبری شناخته می‌شود؟

، مراحل بازنگری در قانون اساسی را بیان کنید و بنویسید شورای بازنگری در قانون اساسی به چه نهادی وابسته است؟ به چه دلیل؟